مکاشفه

9Marks



کلیسا

آیا باید به کلیسا بروم؟

جِی. گَرِت کِل

مکاشفه

9Marks



کلیسا

آیا باید به کلیسا بروم؟

جِی. گَرِت کِل

| به نام او و برای او |

Church: Do I Have To Go?
Copyright 2019 by J. Garrett Kell
Published by Christian Focus
Publications Ltd,
Geanies House, Fearn, Tain,
Ross–shire, IV20 1TW, Great Britain. Translated
into Farsi by Revelation Ministries Inc.

9Marks ISBN: 979-8-89218-258-4

کلیسا

مکاشفه

نشر مکاشفه

کلیسا

آیا باید به کلیسا بروم؟

| نویسنده: **جِی گَرت کِل** |
| ترجمه: **گروه مترجمان** |
| سرویراستار: **نیما علیزاده** |
| نوبت چاپ: **اول، جولای ۲۰۲۶، تابستان ۱۴۰۵** |
| شابک: ۹۷۹-۸-۸۹۸۷۳-۰۰۷-۹ |

همهٔ حقوق متعلق به خدمات مکاشفه است

نقل از کتاب با ذکر مأخذ مجاز و هر گونه بهره‌برداری دیگر منوط به اجازهٔ کتبی از ناشر است.

CHRISTIAN FOCUS

WWW.MOKASHEFEH.COM

کلیسا

آیا باید به کلیسا بروم؟

جِی. گَرِت کِل

فهرست

یادداشت ناشر | ۱۳
پیشگفتار | ۱۵
معرفی مجموعه | ۱۷
آشنایی با برایان | ۲۱
فصل اول: کلیسا چیست؟ | ۲۵
فصل دوم: چرا باید به کلیسا بروم؟ | ۴۱
فصل سوم: کلیسای حقیقی چیست؟ | ۵۷
فصل چهارم: چرا این همه کلیساهای مختلف وجود دارند؟ | ۷۵
فصل پنجم: غسل تعمید و شام خداوند | ۹۳
فصل ششم: عضویت در کلیسا | ۱۱۳
فصل هفتم: رهبری | ۱۳۵
فصل هشتم: انضباط کلیسایی | ۱۵۳
فصل نهم: کلیسا چه رسالتی دارد؟ | ۱۷۷

از میان معدود شبانانِ در قید حیات، من بیش از همه، به جِی. گرِت کِل احترام می‌گذارم. نوشته‌های او همواره به من کمک می‌کنند، زیرا سرشار از دیدگاه‌های دقیق کتاب‌مقدسی و بصیرت های ورزیدهٔ شبانی هستند. کتاب «آیا باید به کلیسا بروم؟» هم از این قاعده مستثنی نیست. ای کاش وقتی جوان بودم این کتاب نوشته شده بود. با این حال اکنون هم از مطالعهٔ آن بسیار هیجان‌زده هستم. چندین نسخهٔ آن را خریداری کنید و به کتابخانه‌ها هدیه دهید.

مَت اِسمِت‌هارست،

مدیر ویراستاری، کانون انجیل و نویسندهٔ «پیش از آنکه کتاب مقدس خود را باز کنید؛ نُه حالت قلبی برای نزدیکی به کلام خدا»

به نظر می‌رسد که کلیسا برای مسیحیت، همان حروف بی‌صدا برای کلمات است. همه می‌دانند بسیار ضروری است، اما معدود افرادی دلیل آن را می‌دانند. گَرِت کارِ یک معلم خوب یا شاید مکانیکی خوب را انجام می‌دهد. او اجزای تشکیل‌دهندهٔ کلیسا را جدا می‌کند (یک‌به‌یک) و اهمیت و ضرورت آنها را نشان می‌دهد و سپس دوباره آنها را در کنار هم قرار می‌دهد. نتیجهٔ نهایی آن است که خواننده نه تنها کاملا متقاعد می‌گردد، بلکه مجذوب زیبایی آن می‌شود. این منبع بسیار مفیدی برای کسی است که از مقابل درب‌های هر کلیسایی عبور می‌کند.

جان اونوچِکا،

Pastor, Cornerstone Church, Atlanta, Georgia



یادداشت ناشر

در سال‌هایی که بسیاری از فارسی‌زبانان، در میان هیاهوی صداهای متناقض، تشنهٔ حقیقتی استوار و ایمانی ریشه‌دار هستند، نیاز به منابعی ساده، سالم و کتاب‌مقدسی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. بسیاری با اشتیاق به سوی شناخت مسیح گام برمی‌دارند، اما در همان آغاز راه با پرسش‌هایی بنیادین روبه‌رو می‌شوند؛ پرسش‌هایی دربارهٔ خدا، کتاب مقدس، نجات، کلیسا و معنای واقعی پیروی از عیسای مسیح. مجموعهٔ «گام‌های اول» تلاشی است برای پاسخ دادن به همین نیاز؛ مجموعه‌ای کوتاه، روشن و عمیق که می‌کوشد خواننده را نه صرفا به دانستن، بلکه به زیستن در حقیقت انجیل هدایت کند.

آنچه این مجموعه را ارزشمند می‌سازد، تنها سادگی بیان یا کاربردی بودن آن نیست، بلکه وفاداری آن به الهیات سالم، اقتدار کلام خدا و محوریت انجیل است. به عنوان ناشر، با قدردانی از خدمت ارزشمند نویسندگان

و خادمین این مجموعه، دعا می‌کنیم که خداوند از ترجمه و انتشار این کتاب‌ها برای بنای کلیسای فارسی‌زبان، تقویت ایمانداران جوان و هدایت جویندگان حقیقت استفاده کند.

امید ما این است که این «گام‌های اول»، آغاز راهی باشد برای ایمانی عمیق‌تر، شناختی روشن‌تر از مسیح، و محبتی افزون‌تر نسبت به خدا و کلیسای او.

نیما علیزاده

شبان و مؤسس «خدمات مسیحی مکاشفه»

پیشگفتار

این حقیقت که در حال نگارش کتابی با موضوع کلیسا هستم، برای خودم هم کمی عجیب به نظر می‌رسد. وقتی بچه بودم به کلیسا می‌رفتم، اما آن را بی‌ربط می‌دیدم. در دوران دبیرستان و کالج، در بالکن کلیسا می‌نشستم ولی هنوز مدهوش مهمانی شب قبل بودم. عیسی برای من کسی بیش از «پاگنده»[1] یا «پری‌دندان»[2] نبود. اما نزدیک به پایان دوران تحصیلم در کالج بود که خدا همه چیز را تغییر داد. یکی از دوستانم در یک مهمانی، در مورد بخشش عیسی مطلبی بیان کرد که زندگی مرا کاملا دگرگون ساخت.

در ابتدا، من از سایر مسیحیان جدا می‌ماندم، اما به‌سرعت متوجه شدم چقدر به کلیسا نیاز دارم و کلیسا چقدر به من نیاز دارد. امروز من به عنوان شبان یک جامعهٔ مذهبی در خارج از واشنگتن خدمت می‌کنم. ما گروهی از افراد کامل نیستیم، بلکه افرادی هستیم که هر هفته به فیض خدا در ایمان

1. Bigfoot
2. Tooth Fairy

به عیسای مسیح گرد هم می‌آییم. در کل، به یکدیگر کمک می‌کنیم تا به بهشت برسیم، یکدیگر را به مقاومت در برابر گناه تشویق می‌کنیم و به واسطهٔ ایمان به وعده‌های خدا متوسل می‌شویم. من دعا می‌کنم این کتاب کوچک به شما نیز کمک کند در هر جایی که خدا شما را قرار داده است، متحول شوید.

جِی. گَرِت کِل[1]
مِی ۲۰۱۹

1. J. Garrett Kell

معرفی مجموعه

این مجموعه شامل گام‌های اول برای آمادگی افرادِ بدون هر گونه پیشینهٔ مذهبی و کلیسایی است و به آنها کمک خواهد کرد تا در مسیر پیروی از عیسای مسیح، گام‌های اول را بردارند. ما این گام‌ها را «مسیر خدمت» می‌نامیم، زیرا معتقدیم هر مسیحی باید برای خدمت به مسیح و کلیسای او آماده شود و اصلا فرقی ندارد که چه پیشینه یا تجربه‌ای در زندگی دارد.

اگر یک رهبر کلیسا هستید که در مکان‌های سخت و دشوار خدمت می‌کنید، از این کتاب‌ها به عنوان ابزاری برای کمک به رشد کسانی استفاده کنید که با آموزه‌های عیسای مسیح آشنا نیستند. این کتاب‌ها آنها را برای رشد شخصیت، دانش و عمل آماده می‌کنند.

و یا چنانچه خودتان هم نوکیش مسیحی هستید و هنوز در درک مفهوم مسیحیت یا آنچه کتاب مقدس به‌واقع تعلیم می‌دهد، دچار چالش هستید، پس این کتاب‌ها، راهنمای بسیار ساده‌ای هستند تا بتوانید گام‌های اول

پیروی از عیسای مسیح را بردارید.

برای استفاده از این کتاب‌ها روش‌های زیادی وجود دارند:

- می‌تواند توسط یک فرد که فقط مطالب را می‌خواند و بر روی پرسش‌ها تعمق و کار می‌کند، به کار گرفته شود.
- می‌تواند در موقعیتِ تک‌به‌تک استفاده شود؛ یعنی دو نفر پیش از ملاقات یکدیگر مطالب را می‌خوانند و سپس در مورد پرسش‌ها، بحث و گفت‌وگو می‌کنند.
- می‌تواند در موقعیت گروهی استفاده شود؛ یک رهبر، مطلب مورد نظر را ارائه داده و فرصت می‌دهد تا گروه دربارهٔ موضوع بحث و گفت‌وگو کنند.

موقعیت شما بهترین روش استفاده از این منبع را تعیین می‌کند.

کلیدهای کاربر

در طی مطالعهٔ این کتاب با نمادهای زیر روبه‌رو می‌شوید.



شخصیت داستان: در جاهایی از هر فصل، برایان را ملاقات می‌کنید و در مورد داستان او و هر آنچه در زندگی‌اش اتفاق افتاده، چیزهایی می‌شنوید. ما می‌خواهیم شما هم هر آنچه ما از کتاب مقدس یاد گرفته‌ایم را به کار بگیرید و بدانید آنها چگونه زندگی برایان را تغییر داده‌اند. بنابراین هر گاه این نماد را ببینید، چیزی از داستان او خواهید شنید.



مثال: مثال‌ها و سناریوهای زندگی واقعی به ما کمک می‌کنند نکتهٔ اصلی را که بیان می‌شود درک کنیم.

STOP **توقف:** وقتی به نکتهٔ مهم یا دشواری برخورد می‌کنیم، از شما می‌خواهیم توقف کنید و مقداری وقت صرف تفکر یا بحث در مورد آنچه یاد

گرفته‌اید، نمایید. شاید همین کار، پاسخ برخی از پرسش‌هایتان را بدهد و یا شاید از داستان برایان، مطالب بیشتری تعلیم بگیرید.



آیهٔ کلیدی: کتاب مقدس کلام خدا به ماست. بنابراین کلام آخرین در مورد هر چیزی است که باید به آن ایمان بیاوریم و رفتار کنیم. پس ابتدا می‌خواهیم کتاب مقدس را مطالعه کنیم و باید با دقت آن را بخوانیم. از این رو هر گاه این نماد را می‌بینید، آن بخش از کتاب مقدس را سه بار بخوانید یا به آن گوش دهید. اگر کسی که با او کتاب مقدس می‌خوانید، احساس راحتی می‌کند، از او بخواهید حداقل یک‌بار آن را بخواند.



آیهٔ حفظی: در انتهای هر فصل، یک آیه به شما معرفی می‌شود تا آن را حفظ کنید. ما متوجه شده‌ایم حفظ کتاب مقدس، واقعا در زندگی‌هایمان تاثیرگذار است. آیه (یا آیات) به شکل مستقیم، به موضوع همان فصل مربوط است.



خلاصه: در انتهای هر فصل خلاصه‌ای از مطالب آن فصل را ارائه می‌دهیم. اگر به روش خودتان با فرد دیگری کار می‌کنید، شاید بهتر باشد هر هفته، مطالب هفتهٔ پیش را بازبینی کنید.



آشنایی با برایان

برایان در شهر کوچکی در تپه‌های وست ویرجینیا، ایالات متحدهٔ آمریکا بزرگ شد. خانهٔ او یک تریلر پوسیده و دودآلود بود که وقتی باران می‌بارید، چکه می‌کرد. بدخلقی‌های پدرِ همیشه‌مست او و غیبت‌های مادرش آنجا را به مکانی ناخوشایند و بدون احساس شادی تبدیل کرده بود. پدر برایان اغلب با دوستان دخترش معاشقه می‌کرد، اما برایان خوشحال بود که در صورت لزوم می‌تواند با او بجنگد.

زندگی برای برایان بسیار سخت بود، اما او راه غلبه بر آن را پیدا کرده بود. دوستانش او را به عنوان شخصی خوش‌گذران می‌شناختند. تا اینکه یک روز تابستانی، او برای همیشه تغییر کرد. او و تعدادی از دوستانش برای ماهیگیری به رودخانه‌ای رفتند. عصر آن روز تصمیم گرفتند همگی از روی صخره به داخل رودخانه شیرجه بزنند. همهٔ آنها به جز یک نفر به کنار رودخانه بازگشتند. بهترین دوست او، ناتان، زیر توده‌ای از گل‌ولای ناپدید شد و تا دیروقت پیدا نشد.

هفتهٔ بعد بسیار سخت گذشت. اشک‌هایش بالش او را خیس کرده بودند و غم و اندوه و گناه، او را می‌آزرد. او بسیار عصبانی و غمگین بود و احساس گناه می‌کرد. پرسش‌های بی‌پاسخ زیادی تمام ذهنش را پر کرده بودند و زندگی تقریبا برایش تحمل‌ناپذیر شده بود. برایان سرگردان شده بود که چرا ناتان مُرد؟ وقتی مُرد چه اتفاقی برایش افتاد؟ چرا او به جای ناتان نمرد؟ اگر برایان غرق شده بود، چه؟ اگر می‌مرد کجا می‌رفت؟

در مراسم تدفین ناتان، شبانی در مورد منجی‌ای صحبت کرد که در تاریک‌ترین روزهای ما آمد تا صلح و آرامش خدا را برایمان بیاورد. برایان آن آرامش را می‌خواست، اما نمی‌دانست آن را کجا پیدا کند.

خوشبختانه هفتهٔ بعد کسی به کمک او آمد. در یک بعدازظهر دلگیر، جِیمز همکار او آمد و به برایان گفت برایش دعا می‌کند. برایان معمولا از گفت‌وگوهای مذهبی اذیت می‌شد، اما آن روز شکرگزار بود. وقتی با هم صحبت کردند، جِیمز توضیح داد که عیسی مُرد و از مرگ برخاست تا ما بتوانیم صلح و آرامش خدا را بشناسیم. آن شب برایان نتوانست در مورد آنچه شنیده بود، فکر نکند. صبح روز بعد که بیدار شد، تصمیم گرفت به یک کلیسا برود.



نکته چیست؟

کلیسا یک گروه است،

نه یک مکان.



۱
کلیسا چیست؟



برایان تقریبا بیست دقیقه در پارکینگ نشست. دو نخ سیگار کشیده بود و سومی را بین دو انگشتش نگه داشته بود. به کسانی که ماشین خود را پارک می‌کردند و وارد کلیسا می‌شدند، نگاه می‌کرد. اما کاملا مطمئن نبود که به آنجا تعلق داشته باشد. وقتی می‌دید مردم با لبخند وارد کلیسا می‌شوند و از دور برای هم دست تکان می‌دهند، می‌دانست این افراد مشکلاتی که او قادر به فرار از آنها نیست را ندارند.

برایان همیشه در مورد کلیسا محتاط بود. وقتی نوجوان بود، مادربزرگش چند بار او را به کلیسا برده بود. اما بیشتر آگاهی و اطلاعات او از کلیسا از طریق برنامهٔ تلویزیونی «آخر شب» بود.

او از عمق وجودش می‌دانست کلیسا برای او نیست، اما به دلیلی نمی‌توانست پارکینگ را ترک کند. علاقهٔ تازهٔ او به عیسی، او را وادار به ماندن

می‌کرد. بعد از چند پُک سیگار، بر دلیل خود برای ترک آنجا غلبه کرد و نزدیک انتهای سالن، روی یک صندلی نشست.

STOP شما در مورد کلیسا چه تجربیاتی داشتید؟ وقتی اولین‌بار وارد کلیسا شدید، چه احساسی داشتید؟ آیا برایان دلیلی داشت که تصور کند آنجا به او کمکی می‌کند؟



«و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می‌کنم و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت» (متی ۱۸:۱۶).

کلیسا، چیزی نیست که به نظر می‌رسد. بیشتر مردم کلیسا را یک ساختمان یا یک رویداد می‌دانند، یا اگر پیشینهٔ کاریزماتیک داشته باشند، تصور می‌کنند وقتی عمه بتی از روح‌القدس پُر شد و چند بار به دور نیمکت‌ها دوید، آن زمان کلیسا بنا شد.

گرچه برخی از افراد، واژهٔ «کلیسا» را به این شکل استفاده می‌کنند، اما این به هیچ وجه درست نیست. وقتی عیسی می‌گوید کلیسایش را بنا می‌کند، از ساخت یک بنای فیزیکی مانند ساختمان کلیسایی که برایان وارد آن شد حرف نمی‌زند، بلکه از چیزی شگفت‌آورتر صحبت می‌کند. **ببینید که کلیسا یک مکان یا یک چیز نیست، بلکه مردم است.**

واژهٔ «کلیسا» به معنای «اجتماع» است. کلیسا، اجتماع یا گردهمایی افرادی است که به خبر خوش دربارهٔ عیسای مسیح ایمان دارند. آنها معتقدند عیسای مسیح، افرادی را که از او دور هستند پیدا می‌کند و با فیض خود آنها را قوم خود می‌سازد. این بدان معناست که وقتی برایان آنجا نشسته بود، در ساختمانی کلیسایی، در بطن مراسمی کلیسایی بود، اما او همچنین با کلیسا، قوم خدا بود.



«اما اکنون در مسیحْ عیسی، شما که زمانی دور بودید، به واسطهٔ خون مسیح نزدیک آورده شده‌اید» (افسسیان ۱۳:۲).

کتاب مقدس به ما می‌گوید که همه در سمت اشتباه خدا قرار دارند. ما به عنوان شورشیان، علیه او اقدام می‌کنیم. ما او را دوست نداشته‌ایم و از دستورات او اطاعت نکرده‌ایم. اما چون خدا نیک است، ما را قضاوت خواهد کرد. او اجازه نخواهد داد که هیچ بدی، کوچک یا بزرگ، در جهان او نادیده گرفته شود.

با این وجود علی‌رغم رفتاری که با خدا داشته‌ایم، او راهی برای بخشیدن ما فراهم کرده است. خدا پسرش عیسی را فرستاد تا به صورت انسان کامل زندگی کند، بر روی صلیب بمیرد تا داوری گناهان ما را به خود بگیرد و سپس از مردگان برخیزد تا حیاتی نو ببخشد. به عبارت دیگر، عیسی محکوم به مرگی شد که ما به خاطر گناهانمان سزاوار آن بودیم. او نه تنها کسانی که به او اعتماد می‌کنند را پذیرفته و می‌بخشد، بلکه آنها را به عنوان کسانی که خدا دوستشان دارد، به عضویت خانوادهٔ خود درمی‌آورد.

گرچه برایان آن روز صبح وقتی وارد کلیسا شد خودش متوجه نبود، اما وارد مکانی شده بود که پر از افرادی مثل خودش بود. قطعا افراد حاضر از اقشار مختلفی بودند و احتمالا در ظاهر با او متفاوت به نظر می‌رسیدند، اما در آنجا همه یک نقطهٔ اشتراک داشتند؛ همگی به‌شدت محتاج رحمت خدا بودند. همین موضوع است که کلیسا را شگفت‌آور می‌سازد. جمله‌ای شنیده‌ام که می‌گوید: «کلیسا نمایشگاهی از کسانی که دور هم جمع می‌شوند نیست، بلکه بیمارستانی مملو از افراد زخمی و مجروح است که هم خدا به آنها کمک می‌کند و هم از یکدیگر کمک می‌گیرند.»

STOP اگر کلیسا اجتماع کسانی است که از گناهانشان نجات پیدا می‌کنند، فکر می‌کنید چه چیزی آنها را منحصربه‌فرد کرده است؟ فکر می‌کنید چگونه باید با هم رفتار کنند؟ فکر می‌کنید وقتی با هم وقت می‌گذرانند، دربارهٔ چه چیزهایی با هم صحبت می‌کنند؟



من زمانی در تگزاس زندگی می‌کردم. وقتی به آنجا نقل مکان کردم، انتظار داشتم کابوی‌ها و اسب‌های زیادی ببینم. اما حدس بزنید تقریبا همه جا چه دیدم؟ پرچم تگزاس. ستارهٔ تگزاس روی پرچم‌ها و دیوارها بود و حتی روی پوست بدن، تتو شده بود. هر جا که می‌رفتم سمبل قرمز، آبی و سفید را می‌دیدم که اعلام می‌کرد: «شما در تگزاس هستید.»

کلیساها نیز که به عنوان جایی پر از افراد خداپرست شناخته می‌شوند، باید به همین ترتیب عمل کنند. آنها باید با پرستشگر بودن، مقدس بودن و ابراز محبت، نشان دهند که از آنِ خدا هستند.



«پس چون پادشاهی‌ای را می‌یابیم که تزلزل‌ناپذیر است، بیایید شکرگزار باشیم و خدا را با ترس و هیبت عبادتی پسندیده نماییم، زیرا "خدای ما آتش سوزاننده است"» (عبرانیان ۱۲:۲۸-۲۹).

هر کسی چیزی را می‌پرستد. پیش از آنکه مسیحی شویم، به چیزهایی مانند پول، رابطهٔ جنسی، مواد مخدر، غذا، صلح، یا شهرت توجه می‌کردیم تا به ما آرامش و لذت دهند. کتاب مقدس همهٔ اینها را بُت می‌نامد، زیرا جای خدا را در قلب‌های ما می‌گیرند و ایمانی به آنها پیدا می‌کنیم که فقط سزاوار خداست.

خبر خوب آن است که عیسی قلب‌های ما را تغییر می‌دهد و در نتیجه، چیزهایی که می‌پرستیم نیز تغییر می‌کنند. کلیسا از پرستش چیزهای دروغین نجات یافته است و اینک همراه فروتنی و لذت به پرستش خدا اختصاص یافته است.

زمانی که کلیسا دور هم جمع می‌شوند تا دعا کنند، سرود بخوانند، کلام خدا را بشنوند و از آن اطاعت کنند، پرستش انجام می‌شود. زمانی که کلیساها شام خداوند و تعمید را به جا می‌آورند، پرستش انجام می‌گیرد. با این حال پرستش، نوعی روش زندگی است. رومیان ۱:۱۲ می‌گوید:

«پس ای برادران، در پرتو رحمتهای خدا، از شما استدعا می‌کنم که بدنهای خود را همچون قربانی زنده و مقدّس و پسندیدهٔ خدا تقدیم کنید که عبادت معقول شما همین است.»

کلیسا، باید مردمی باشد که وقتی دور هم جمع می‌شوند و در دنیا پراکنده می‌گردند، خدا را می‌پرستند.

STOP پیش از پیروی از عیسی چه بت‌هایی را می‌پرستیدید؟ اکنون چقدر شما را وسوسه می‌کنند؟ فکر می‌کنید پرستش درست خدا به چه معناست؟



«چون فرزندانی مطیع، دیگر مگذارید امیال دوران جهالت به زندگیتان شکل دهد. بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همهٔ رفتار خویش مقدس باشید؛ چراکه نوشته شده است: "مقدس باشید، زیرا من قدوسم"» (اول پطرس ۱:۱۴-۱۶).

کلیسا، مردمی هستند که به مقدس بودن دعوت شده‌اند.

واژهٔ «مقدس» یعنی «جدا شدن یا جدا کردن». کلیسا از گناه جدا می‌شود تا با خدا باشد. به این معنا که اعضای کلیسا قبلاً گناه را دوست داشتند، هرچه می‌خواستند انجام می‌دادند. اما اکنون چون خدا آنها را نجات داده است، برای او زندگی می‌کنند، علیه گناه می‌جنگند، برای چیزهای جاودانی زندگی می‌کنند، هرچه خدا را خشنود سازد انجام می‌دهند. البته مسیحیان کامل نخواهند بود، اما پیروزی بر گناه را تجربه خواهند کرد.

STOP اگر کلیسا از گناه جدا شده و به خدا بپیوندد، در زندگی روزمره چه نمودهایی دارد؟ آنها چگونه از دنیای اطراف خود مجزا و متفاوت می‌شوند؟ به افرادی مانند برایان که به نظر می‌رسد بردهٔ عادت‌های مخرب خود هستند، چگونه امید می‌دهد؟



«حکمی تازه به شما می‌دهم، و آن این که یکدیگر را محبت کنید. همان‌گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید» (یوحنا ۱۳:۳۴-۳۵).

کلیسا، مردمی هستند که نشانهٔ آنها محبت است.

آنها با اطاعت از خدا، او را محبت می‌کنند (یوحنا ۱۴:۱۵)، با تقلید از محبت خدا نسبت به خودشان، یکدیگر را محبت می‌کنند (اول یوحنا ۴:۱۱). عیسی در عشق خود به کلیسا، شفقت، صبر و فداکاری زیادی نشان داد. وقتی روی صلیب مُرد، خودخواه نبود؛ خادمی بود که جانش را داد تا دیگران زندگی کنند.

STOP چه می‌شد اگر (اعضای) کلیسا همیشه همان‌گونه با یکدیگر رفتار می‌کردند که عیسی با آنها رفتار می‌کرد؟ این چگونه با طریقی که مردم در جهان با یکدیگر رفتار می‌کنند، مقایسه می‌شود؟

برایان وقتی وارد ساختمان شد، در میان کسانی نشست که با هر کسی که تا آن زمان دیده بود، فرق داشتند. گمان نمی‌رفت مردم کاملی باشند، اما به نظر می‌رسید کاملا تغییر کرده‌اند. برایان هنوز متوجه این موضوع نشده بود، اما وقتی که در کلیسا نشسته بود، در کنار افرادی قرار داشت که خدا را به گونه‌ای به او نشان می‌دادند که او هرگز تصورش را نمی‌کرد.

از آنجایی که مفهوم کلیسا انتزاعی به نظر می‌رسد، کتاب مقدس از کلمات مختلفی برای آن استفاده می‌کند تا در درک آن به ما کمک کنند. در این بررسی متوجه می‌شویم خدا می‌گوید کلیسا شبیه:

یک **بدن**،
یک **خانه**،
یک **خانواده**،
و یک **عروس** است.



طرز عملکرد بدن باورنکردنی است. تاکنون به آن فکر کرده‌اید؟ درست همین الان که چشمانتان این کلمات را می‌بینند؛ دستان شما کتاب را نگه داشته‌اند، گوش‌هایتان صداها را می‌شنوند و پاهایتان آماده‌اند تا شما را به هر جایی که لازم است ببرند. اجزای بدن شما با هم کار می‌کنند تا به شما کمک کنند هرچه می‌خواهید را انجام دهید. این باورنکردنی است، این‌طور نیست؟ کلیسا نیز به شکلی مشابه توصیف شده است.

«زیرا بدن هرچند یکی است، از اعضای بسیار تشکیل شده؛ و همهٔ اعضای بدن، اگرچه بسیارند، اما یک بدن را تشکیل می‌دهند. در مورد مسیح نیز چنین است» (اول قرنتیان ۱۲:۱۲).

خدا می‌فرماید کلیسا شبیه یک بدن است.

درست همان‌طور که بدن فیزیکی سالم، اجزای زیادی دارد که با هم کار می‌کنند، کلیسا نیز چنین است. تک‌تک افراد، بخشی از یک کل هستند و هر قسمت اهمیت حیاتی دارد. خدا کلیسا را طوری طراحی کرده است تا در اتحاد با هم کار کنند و اهداف او در جهان را محقق سازند (افسسیان ۱۶:۴)؛ در واقع، کلیسا دست‌ها، پاها، چشم‌ها و دهان خدا در دنیایی است که به‌شدت نیاز دارد تا ببیند او چگونه است.

STOP اگر درست است که خدا ما را آفریده است تا در تحقق برنامه‌هایش سهیم باشیم، این موضوع چگونه طرز فکر ما را دربارهٔ هدف زندگی تغییر می‌دهد؟ چگونه روشی را که یک کلیسا باید با هم کار کند، تغییر می‌دهد؟

دورهمی‌های خانوادگی عجیب هستند. اقوام و بستگان گرد هم می‌آیند تا یکدیگر را ملاقات کنند، با هم غذا بخورند و از یکدیگر خبردار شوند. در دورهمی‌های خانوادگی کسانی را می‌بینید که خوب می‌شناسید، افرادی که نامشان را فراموش کرده بودید و کسانی که دوستشان دارید، اما کمی دیوانه هستند.

کلیسا کمی شبیه یک گردهمایی خانوادگی است. وقتی به عنوان کلیسا گرد

هم می‌آییم، همگی با هم خویشاوند هستیم. نه از نظر خونی، بلکه از این نظر که یک خانوادهٔ ناسازگار بخشیده‌شده هستیم که از طریق عیسای مسیح به واسطهٔ روح خدا به هم پیوند خورده‌ایم.

همانند هر خانواده‌ای، روابط می‌توانند با مشکل مواجه شوند، اما خدا به فیض خود به ما یاد می‌دهد یکدیگر را محبت کنیم.



«من شما را پدر خواهم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود، خداوند قادر مطلق می‌گوید» (دوم قرنتیان ۱۸:۶).

وقتی از گناهانمان توبه می‌کنیم و به عیسی ایمان می‌آوریم، تمام روابط ما تغییر می‌کنند. خدا پدر ما و عیسای مسیح برادر بزرگ‌تر ما می‌شود (عبرانیان ۱۱:۲-۱۳). سایر مسیحیان، برادران و خواهران ما می‌شوند. گرچه خانوادهٔ کلیسایی ما مشکلاتی هم دارد، اما محبت به یکدیگر از مشخصه‌های اصلی ماست (عبرانیان ۱:۱۳).



اگر بگوییم خانوادهٔ بیولوژیک برایان خانواده‌ای ناکارآمد بود، این یک تعریف و تمجید خواهد بود. اما وقتی او در میان اعضای کلیسا نشست، در واقع در بین خانواده‌ای نشست که کاملا متفاوت بود. قطعا آنها کشمکش‌هایی با گناه داشتند که باعث ایجاد چالش در روابط می‌شد، اما عیسی این خانواده را در محبت بنا نموده بود. برایان دلیل خوبی داشت که به این غریبه‌ها مشکوک باشد، اما در کلیسا خانواده‌ای پیدا کرد که با محبت به هم پیوند می‌خورند.

STOP وقتی متوجه می‌شوید خانوادهٔ جدیدی در مسیح دارید، چه

معنایی برایتان دارد؟ وقتی می‌شنوید خدا پدر شماست، چه احساسی درون شما برانگیخته می‌شود؟ وقتی می‌فهمید خدا می‌گوید برادر و خواهر یکدیگر هستید، چه تاثیری روی روابط شما با دیگر اعضای کلیسا می‌گذارد؟



خانهٔ من در خیابان کوچکی واقع شده است. دیوارهای بیرونی آجری هستند و حصاری دور آن کشیده شده است تا از ورود سگ‌های درندهٔ همسایه‌ها جلوگیری کند، و اتاق‌های آن پر از اسباب و اثاثیه هستند. چه چیزی این مکان را خاص می‌کند؟ همسرم و فرزندانم که آنجا با من زندگی می‌کنند. حضور آنهاست که این مکان را خاص می‌کند.

خدا در کتاب مقدس به ما می‌گوید ایمانداران به عیسای مسیح، مکانی هستند که روح خدا در آن ساکن می‌شود. یعنی قوم او برایش بسیار خاص هستند، زیرا او انتخاب کرده است در کنار آنها زندگی کند.



«شما نیز چون سنگهای زنده به صورت عمارتی روحانی بنا می‌شوید تا کاهنانی مقدّس باشید و به واسطهٔ عیسی مسیح، قربانیهای روحانی مقبول خدا را تقدیم کنید» (اول پطرس ۵:۲).



«آیا نمی‌دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟ اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد؛ زیرا معبد خدا مقدّس است و شما آن معبد هستید» (اول قرنتیان ۳:۱۶-۱۷).

در دوران پیش از آمدن عیسی، خدا ترجیح داد در خانه‌ای به نام معبد ساکن شود. او محدود به آن مکان نبود (خدا همه جا هست)، اما به معنای واقعی او با سکونت در معبد سنگی، خودش را فروتن ساخت.

او این کار را کرد تا قومش بتوانند به او نزدیک باشند و از حضورش بهره‌مند شوند. اما وقتی عیسی آمد همه چیز تغییر کرد؛ **خدا اینک در میان ما ساکن است** (ر.ک یوحنا ۱:۱۴).

پس از آنکه عیسی از مردگان برخاست، خدای پدر روحش را فرستاد تا در میان قوم او زندگی کند. این بدان معناست که کلیسا فقط یک مکان نیست، بلکه قومی است که روح خدا در آنها ساکن است (افسسیان ۲:۱۹-۲۲).

STOP این موضوع در مورد خدا، که انتخاب کرد در میان قوم خود زندگی کند، چه می‌گوید؟ چه تاثیری بر نگرش ما دربارهٔ او به عنوان یک خدای شخصی دارد؟

تقریبا در هر فرهنگی برای عروس جشن می‌گیرند. او در روز عروسی، لباس زیبایی به تن می‌کند و برای شوهرش آماده می‌شود. قلبش سرشار از امید و عشق است. بعد از عروسی با محبت و احترام با او رفتار می‌شود، او نیز در کمال وفاداری شوهرش را دوست می‌دارد.

اگرچه بسیاری از ازدواج‌ها تصویری نادرست از آنچه خدا در نظر داشته ارائه می‌دهند، اما در هدیهٔ ازدواج از سوی خدا، زیبایی بزرگی وجود دارد. محبت شوهر به عروس، برداشتی کلی از نوع محبت خدا به قومش را برای ما روشن می‌سازد. درست مانند ازدواج، خداوند قومش را به سوی خودش می‌برد، با آنها عهد می‌بندد، به آنها وعده می‌دهد تا آخر عمر، آنها را دوست داشته باشد.

«از این رو مرد، پدر و مادر خود را ترک گفته، به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد. این راز، بس عظیم است ـ

امّا من دربارهٔ مسیح و کلیسا سخن می‌گویم» (افسسیان ۵:۳۱-۳۲).



«یکی از آن هفت فرشته که هفت پیالهٔ پُر از هفت بلای آخر را داشتند، آمد و به من گفت: "بیا! من عروس، یعنی همسر بَره را به تو نشان خواهم داد"» (مکاشفه ۲۱:۹).

هرچند به خاطر گناهانمان با خدا بدعهدی کرده‌ایم، اما او ما را بخشیده است و ما را به عنوان عروسی محبوب به عیسای مسیح داده است. عیسی شوهری وفادار می‌باشد که کلیسا را دوست دارد و با مهربانی و رأفت از آن مراقبت می‌کند. همین باید کلیسا را ترغیب کند تا او را با وفاداری و پاکی دوست داشته باشد (دوم قرنتیان ۱۱:۲) و همچنین باید باعث شود ما در انتظاری عظیم برای دیدن رو در روی او به سر بریم، به همین دلیل است که با بقیهٔ قوم خدا فریاد می‌زنیم: «بیا، ای خداوندْ عیسی» (مکاشفه ۲۲:۲۰).

از آنجایی که کلیسا اصلا شبیه هیچ چیز دیگری در دنیا نیست، خدا از مثال‌های زیادی استفاده می‌کند تا ما آن را خوب درک کنیم. او می‌خواهد ما با این حقیقت خیره‌کننده همراه شویم که **کلیسا مردمی است که خدا دوستشان دارد.**

به دلایلی فراتر از حد تصور ما، او انتخاب می‌کند با قوم خود رابطه برقرار سازد و از قابل درک‌ترین استعاره‌ها استفاده می‌کند تا امکان توصیف آن وجود داشته باشد.

STOP فکر می‌کنید چرا مهم است کلیسا را مردم بدانیم، نه مکان؟ تصویر کلیسا به عنوان عروس عیسای مسیح، چقدر شما را تشویق می‌کند؟ چه دلایلی دارید که خدا نباید شما را دوست داشته باشد؟ این واقعیت که او

شما را دوست دارد، چقدر شما را دلگرم می‌کند؟ اگر کلیسا واقعا گروهی از مردم آشفته و در هم ریخته باشد که مشتاق پیروی از خدا هستند، آیا می‌خواهید بخشی از آنها باشید؟



پس از اتمام خدمت کلیسا، یک زوج با موهای خاکستری به او نزدیک شدند. خودشان را دِیو و اَشلی معرفی کردند و از او پرسیدند که اهل کجاست و چقدر توانسته از خدمات کلیسا بهره ببرد. پس از گفت‌وگویی کوتاه از او برای صرف ناهار در خانه‌شان دعوت کردند. گرچه زیاد مطمئن نبود، اما از آنها به خاطر مهربانی‌شان تشکر کرد و تصمیم گرفت دعوت آنها را بپذیرد، چون خودش هم پرسش‌هایی داشت.



«آیا نمی‌دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟» (اول قرنتیان ۳:۱۶).



کلیسا ایمانداران هستند، نه مکان. وقتی مسیحیان به عنوان کلیسا گرد هم می‌آیند، دعا می‌کنند، سرود می‌خوانند و کلام خدا را می‌شنوند؛ به یاد می‌آورند که عیسی به خاطر آنها مرد، از قبر برخاست و روزی باز خواهد گشت تا آنها را با خود ببرد که برای همیشه با او باشند.





نکته چیست؟

ما به کلیسا می‌رویم تا

با خدا و دیگران رشد کنیم.



۲

چرا باید به کلیسا بروم؟



برایان از کنار میز، تماشا می‌کرد که دِیو فنجان‌ها را پر می‌کرد و اَشلی بشقاب‌های غذا را می‌آورد. مکالمه‌ای عادی جریان داشت و شامل لبخندهای زیادی بود، بیشتر از آنچه برایان به آن عادت داشت. پرسش‌های آنها واقعی و حتی بانشاط به نظر می‌رسیدند.

برایان ناگهان پرسید: «شما واقعا هر یکشنبه به کلیسا می‌روید؟» دِیو لبخندی زد و توضیح داد هر یکشنبه در کلیسا دور هم جمع می‌شوند، مگر آنکه بیمار باشند یا اتفاق غیرمنتظره‌ای پیش آید. از وقتی مسیحی شده‌اند همین روال بوده است.

برایان پرسید: «خب، آیا مجبورید هر یکشنبه به کلیسا بروید؟» آنها پاسخ دادند: «خدا به ما فرمان داده است با سایر مسیحیان دور هم جمع شویم، حتی اگر او هم فرمان نمی‌داد، ما دوست داریم به کلیسا برویم.» این برای برایان عجیب به نظر می‌رسید، اما عمیقا احساس می‌کرد منطقی است. او از

آنها خواست کمی بیشتر توضیح دهند و آنها بسیار خوشحال شدند.

STOP آیا تاکنون به این فکر کرده‌اید آیا خدا واقعا از شما می‌خواهد به کلیسا بروید؟ اگر بخواهد، چرا؟ دربارهٔ دلیل به کلیسا رفتن چه پرسش‌هایی دارید؟ وقتی این قسمت را مطالعه می‌کنید، افکاری را که به ذهنتان خطور می‌کند بنویسید و در مورد آنها با یک دوست مسیحی صحبت کنید.

کتاب مقدس به ما می‌گوید عیسی روز اول هفته از مردگان برخاست، که یکشنبه بوده است (متی ۲۸:۱؛ مرقس ۱۶:۲؛ لوقا ۲۴:۱؛ یوحنا ۲۰:۱). از آن پس، مسیحیان در سراسر دنیا روزهای یکشنبه دور هم جمع می‌شوند تا رستاخیز عیسی را جشن بگیرند. آنها در شرایط صلح و آزار گِرد هم می‌آیند، زیرا خدا زندگی‌های آنها را متحول ساخته است. **وقتی اعضای کلیسا دور هم جمع می‌شوند، محبت خدا را به نمایش می‌گذارند.**

متن زیر صحنه‌ای از زندگی اولین کلیساست. گناهان آنها باعث شد عیسی مصلوب شود. اما نجات عیسی زندگی‌هایشان را دگرگون ساخت (اعمال ۲۲:۲-۴۱). وقتی این متن را می‌خوانید متوجه می‌شوید کلیسا به خاطر رابطهٔ جدید آنها با عیسی، چه کاری انجام می‌دهد.

«آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت و پاره کردن نان و دعا کردند. امّا بهت و حیرت بر همه مستولی شده بود، و عجایب و آیات بسیار به دست رسولان به ظهور می‌رسید. مؤمنان همه با هم به سر می‌بردند و در همه چیز شریک بودند. املاک و اموال خود را می‌فروختند و بهای آن را بر حسب نیاز هر کس بین همه تقسیم می‌کردند. ایشان هر روز یکدل در معبد گرد می‌آمدند و در خانه‌های خود نیز نان را پاره می‌کردند و با

خوشی و صفای دل با هم خوراک می‌خوردند و خدا را حمد می‌گفتند. تمامی خلقْ ایشان را عزیز می‌داشتند؛ و خداوند هر روزه نجات‌یافتگان را به جمعشان می‌افزود» (اعمال ۲:۴۲-۴۷).

STOP این کلیسای اولیه چه مشخصه‌ای داشت؟ آنها وقت خود را صرف چه کاری می‌کردند؟ چگونه مراقب یکدیگر بودند؟

من امیدوارم متوجه شده باشید این کلیسا یک کلوپ اجتماعی معنوی نبود. حاملین سابق صلیب مسیح، اینک به اجتماعی از ستایشگران و حمدکنندگان مسیح تبدیل شده بودند. خدا به آنها حیاتی نو بخشیده بود که همه چیز را تغییر می‌داد.

در این فصل، پنج دلیل را بیان خواهم کرد که چرا خدا از قومش دعوت می‌کند هر هفته گرد هم آیند. بیایید شروع کنیم:

۱. قوم خدا برای پرستش خدا دور هم جمع می‌شوند

کلیسا از افرادی تشکیل شده است که توسط خدای زنده از طریق کلام الهام‌شدهٔ او که در کتاب مقدس آمده است، متحول گردیده‌اند. در اعمال ۲ این نوایمانان تعمیدگرفته (۲:۳۸) خودشان را وقف:

- دعا
- تعلیم از رسولان
- و شام خداوند می‌کنند (اعمال ۲:۴۲).
- آنها مبهوت قدرت خدا بودند (۲:۴۳)
- و او را با خوشحالی و صفای دل حمد می‌گفتند (۲:۴۶-۴۷).

جمع این عوامل، اجتماع یک کلیسای سالم را تشکیل می‌دهند.

مسیحیان یکشنبه‌ها برای شنیدن کلام خدا جمع می‌شوند تا یاد بگیرند که چگونه بهتر از عیسی اطاعت کنند و دیگران را دوست داشته باشند.

آنها با اقرار به گناهان دعا می‌کنند، خدا را برای آنچه انجام داده است شکر می‌گویند و از او درخواست می‌کنند بیشتر در آنها کار کند.

آنها خدا را می‌پرستند و اغلب این کار را از طریق سرودخوانی یا شهادت انجام می‌دهند. آنها در شام خداوند با هم شریک می‌شوند و این راهی است تا به یاد آورند عیسی چه ایثاری برای آنها کرده است.

برای بسیاری از نوایمانان، خواندن سرودهای پرستشی کاملا عجیب به نظر می‌رسد. اگر این در مورد شما هم صدق می‌کند، شاید بهتر است به این فکر کنید که خواندن سرود پرستشی، در حیات یک کلیسا چه تاثیری دارد.

پولس از کلیسای افسس می‌خواهد بدین شکل پرستش کنند:

«با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است با یکدیگر گفتگو کنید و از صمیم دل برای خداوند بسرایید و ترنم نمایید» (افسسیان ۱۹:۵).

خواندن سرود به مانند دعایی است که در آن صدای‌مان را بلند می‌کنیم تا به خدا برسد، او را به خاطر همان که هست و آنچه انجام داده است، می‌پرستیم. خواندن سرود، همچون خطابه‌ای است که در آن کلماتی در مورد خدا را به یکدیگر انتقال می‌دهیم.

و در نهایت خواندن سرود، همچون یک شهادت شخصی است که در آن باورهای خود دربارهٔ خدا را از صمیم دل اعلام می‌کنیم. خدا بسیار خشنود می‌شود، وقتی قوم او در ایمان جمع می‌شوند و او را به خاطر آنچه در عیسی انجام داده است، می‌پرستند (مزمور ۴:۱۴۹).

۲. قوم خدا گرد هم می‌آیند تا کلام خدا را دریافت کنند

کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد که او را چگونه پرستش کنیم. در اعمال ۴۲:۲

می‌بینیم که آنها خودشان را وقف آموزه‌های رسولان کرده‌اند. این مردم قدرت کلام خدا را تجربه کردند و به آنها زندگی تازه‌ای بخشید. آنها از نو متولد شدند و کلام خدا عطش معنوی آنها را رفع کرد.

رسولان، عیسی را به طور شخصی می‌شناختند و برای آموزش مردم در مورد معنای پیروی از او فرستاده شده بودند. گرچه ما امروزه رسولی در اطراف خود نداریم، اما هنوز آموزه‌های الهام‌شده از روح‌القدس که در کتاب مقدس هستند را داریم.

ما به کلیسا می‌رویم تا کتاب مقدس را بشنویم (اول تیموتائوس ۱۳:۴)، توضیحات شبانان در مورد مفهوم و نحوهٔ کاربرد آن را بشنویم (رومیان ۴:۱۲-۸). کلیسای اولیه متعهد به تعلیم این آموزه‌های زندگی‌بخش بود. آنها مردان کلام بودند و ما باید پا جای پای آنها بگذاریم.

دوستم جان، دلال کوکائین بود. خدا از موعظهٔ یوحنا ۳ برای نجات او استفاده کرد. پیش از آنکه جان مسیحی شود، هرگز کتاب مقدس را نخوانده بود. طی دو سال اول مسیحیت خود، پنج بار کتاب مقدس را خواند.

چرا یک دلال سابق مواد مخدر تا این حد به کتاب مقدس وفادار می‌شود؟ زیرا می‌داند کتاب مقدس مانند هر کتابی نیست و حاوی کلام خداست.

آنچه در اعمال ۲ در کلیسا اتفاق افتاد این بود: نوایمانان از گناهانشان نجات یافته‌اند و در پی آن هستند که در مورد خدا بیشتر بدانند. ما نیز باید چنین کنیم.

اجتماع و گردهمایی ما نشانگر نیاز ما به شنیدن کلام خداست. ما به عنوان قوم خدا، کلام خدا را می‌خوانیم، با آن دعا می‌کنیم، با آن سرود

می‌خوانیم و آن را موعظه می‌کنیم.



در این مرحله، برایان گفت‌وگو را قطع کرد و یک پرسش پرسید: «من می‌دانم باید خواهان شنیدن کلام خدا باشم، اما اگر نباشم چه؟ آیا باید باز هم به کلیسا بروم؟»

این پرسش بسیار خوبی است. شما چه پاسخی به او می‌دهید؟

دِیو و اَشلی توضیح دادند که بهترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که به هر حال کلام خدا را بخوانیم و به آن گوش دهیم. بگذارید توضیح دهم:



وقتی گرسنه می‌شویم، معدهٔ ما صدا می‌دهد، بدن ما می‌لرزد و برخی از ما بداخلاق می‌شویم. اما بعد غذا می‌خوریم و گرسنگی ما رفع می‌شود. بدن ما به آنچه نیاز دارد می‌رسد و سیر می‌شود.

گرسنگی معنوی، دقیقا برعکس عمل می‌کند.

وقتی از طریق دعا و دریافت کلام خدا غذای معنوی مصرف می‌کنیم، اشتهای ما به جای آنکه کاهش یابد، تشدید می‌شود. بنابراین وقتی میل به خواندن کتاب مقدس نداریم، از خدا تمنا می‌کنیم به ما کمک کند و سپس کتاب مقدس را باز می‌کنیم و با ایمان آن را می‌خوانیم و باور داریم هرچه به خدا نزدیک شویم، او هم به سوی ما می‌آید.

ما به کلیسا می‌رویم تا کلام خدا را بیاموزیم، چه زمانی که چنین احساسی داشته باشیم، چه زمانی که نداشته باشیم، چون ایمان داریم کلام او به ما زندگی می‌دهد.

۳. قوم خدا گرد هم می‌آیند تا به یکدیگر محبت و خدمت کنند



«حکمی تازه به شما می‌دهم، و آن این که یکدیگر را محبت کنید. همان‌گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید» (یوحنا ۱۳:۳۴-۳۵).

رابطه با عیسی تمام نگرش‌های ما نسبت به هر جنبه از زندگی را تغییر می‌دهد، به‌خصوص طرز فکر ما را دربارهٔ سایر مردم. خدا ما را از استفادهٔ ابزاری از دیگران آزاد می‌کند و به ما قدرت می‌دهد به آنها محبت و خدمت کنیم. پس وقتی به عنوان کلیسا گرد هم می‌آییم، روابطی را ایجاد می‌کنیم که محبت خدا در آنها آشکار می‌شود (اول یوحنا ۴:۹-۱۲). محبت قلبی خادمین از مشخصه‌های کلیسای اعمال رسولان ۲ می‌باشد. محبت آنها دروغین نبود. وقتی گرد هم می‌آمدند خدا به آنها می‌گفت چگونه یکدیگر را دوست داشته باشند. آنها با هم غذا می‌خوردند، با هم می‌خندیدند، با هم گریه می‌کردند، با هم جشن می‌گرفتند، تمام راه‌هایی که خدا در آنها کار می‌کرد را با هم به اشتراک می‌گذاشتند. طی این مکالمات، آنها از نیازهای خود آگاه می‌شدند و هر کاری می‌توانستند برای رفع این نیازها انجام می‌دادند.

در اعمال ۲:۴۴-۴۶ ما اجتماع مردمی را می‌بینیم که به شکل عملی و فداکارانه به یکدیگر محبت می‌کنند. اگر کسی نیازی داشت، مدت زیادی طول نمی‌کشید تا نیازش رفع شود، زیرا آنها یک بدن و یک خانواده بودند. به عبارت دیگر آنها یک کلیسا بودند. این نوع محبت فداکارانه و عملی از ویژگی‌های اصلی کسی است که تولد تازه یافته است و همچنین نشانگر یک کلیسای سالم می‌باشد.

در افسسیان ۲۸:۴ پولس به کلیسا می‌گوید: «دزد دیگر دزدی نکند، بلکه به کار مشغول شود، و با دستهای خود کاری سودمند انجام دهد، تا بتواند نیازمندان را نیز چیزی بدهد.»

وقتی یک دزد نجات می‌یابد، دیگر دزدی نمی‌کند، بلکه شغلی پیدا می‌کند. او مشغول کاری می‌شود تا نه تنها برای خودش امرار معاش کند، بلکه نیازهای دیگران را نیز رفع کند. این دگرگونی واقعی است.

مسیحیان به عنوان یک کلیسا گرد هم می‌آیند تا روابط خود را گسترش دهند. گناهکاران سابق که از دیگران استفاده می‌کردند، اینک به خادمینی تبدیل شده‌اند که به دیگران محبت می‌کنند. آنها همان‌گونه محبت می‌کنند که عیسای مسیح، محبت خویش را به ما نشان داد (اول یوحنا ۱۶:۳-۱۸).

STOP نرفتن به کلیسا چه تاثیری بر روی محبت دیگران به شما می‌گذارد؟ اهمال در رفتن به کلیسا چه تاثیری در محبت شما به دیگران دارد؟ اگر دِیو و اَشلی تصمیم می‌گرفتند آن یکشنبه به کلیسا نروند، چه اتفاقی می‌افتاد؟ قطعا خدا به روش دیگری از برایان مراقبت می‌کرد، اما محبت آن دو نفر از دست می‌رفت.

٤. قوم خدا برای مبارزه با گناه جمع می‌شوند

«ای برادران، هوشیار باشید که از شما کسی دل شَرور و بی‌ایمان نداشته باشد که از خدای زنده رویگردان شود. بلکه هر روز، تا آن زمان که هنوز "امروز" خوانده می‌شود، یکدیگر را پند دهید تا کسی از شما در اثر فریب گناه، سختدل نشود» (عبرانیان ۱۲:۳-۱۳).

نامه به عبرانیان، به اجتماع و اعضای کلیسایی نوشته شد که تحت فشار بودند تا عیسی را ترک کنند و به زندگی قدیم خود بازگردند. آمدن به نزد عیسی هزینه دارد. دوستانشان به آنها پشت کرده بودند. اعضای خانواده، آنها را طرد کرده بودند. کارفرماها آنها را اخراج کرده بودند. وسوسهٔ گناه اطراف آنها می‌چرخید.

خدا کلیسا را برای قومش به پناهگاه تبدیل کرد. در اجتماع ایمانداران، خدا روابطی ایجاد می‌کند که در تداوم پیروی از عیسی به ما کمک می‌کنند. آتش ظلم و آزار و فریبِ وسوسه مدام بر ایمانداران فرو می‌ریزد، اما کلیسا با هم متحد می‌شود، زیرا هر عضو با ایمان به سوی آسمان حرکت می‌کند.



من هرگز به جنگ نرفته‌ام اما دوستانی دارم که رفته‌اند. یکی از اساسی‌ترین اصول جنگ، آن است که به‌تنهایی به آن نمی‌روید. به همرزمانی نیاز دارید تا به شما دلگرمی دهند، پشتیبان شما باشند و اگر زخمی شُدید شما را حمل کنند. پیروی از عیسای مسیح نیز، جنگی معنوی است که در آن برای مبارزه علیه گناه، به دیگران نیاز داریم.

به همین دلیل نویسندهٔ عبرانیان به کلیسا گفت: «هوشیار باشید.» آنها باید هوشیار باشند و با دقتی بی‌وقفه مراقب خطراتی که در کمین آنهاست، باشند. کلیسا باید از تمامیت خودش مراقبت کند و به همان اندازه باید مراقب تک‌تک اعضا نیز باشد.

آنها می‌بایست در مورد چه چیزی هوشیار باشند؟

آنها می‌بایست مطمئن می‌شدند که رشد قلب‌هایشان به سوی خدا متوقف نشود، مبادا از پیروی راه‌های خدا باز ایستند. قلب‌های ما دمدمی

و بوالهوس و همچنین آمادهٔ فریب خوردن هستند. به همین دلیل فرا خوانده شدیم تا «هر روز به یکدیگر پند دهیم.»

کلیسا این مسئولیت هر روزه را دارد تا یکدیگر را به مقاومت در برابر دروغ‌های گناه تشویق کنند. بخشی از مسیحی بودن بدین معناست که شما مدام به پیروی از عیسی پند داده می‌شوید و به دیگران پند می‌دهید.

ما باید در پند دادن به یکدیگر سرسخت و پیگیر باشیم، زیرا گناه در فریب دادن، پیگیر است. گناه، بی‌ضرر به نظر می‌رسد اما درست مانند دی اکسید کربن می‌تواند فضای یک خانه را پر کند و اصلا مشخص نشود. سپس به آرامی دل‌های شما را نسبت به خدا سخت کرده و بدین ترتیب زندگی معنوی شما را از بین می‌برد. با کم شروع می‌شود، اما به‌تدریج شما را می‌بلعد. خوشبختانه خدا از ایمانداران استفاده می‌کند تا قلب‌های ما نسبت به خدا نرم باقی بمانند. به ما قدرت می‌دهد تا پایان ادامه دهیم و وارث نجات باشیم.



برایان چند روز بعد با دوست‌هایش در مورد کلیسا صحبت کرد. اما آنها به جای تشویق، با اطمینان به او گفتند کلیسا مغز او را شست‌وشو خواهد داد و باعث می‌شود خودبین و مغرور شود. او بسیار تحت فشار بود تا آنچه شنیده بود را هضم کند. شب پیش از کلیسا، پیامی از دِیو دریافت کرد و از او خواسته بود روز بعد همراه آنها به کلیسا برود. همین به برایان کمک کرد تا تصمیم بگیرد دوباره به کلیسا برود.

STOP فکر می‌کنید داشتن دوستانی مسیحی چقدر اهمیت دارد؟ کدام راه و روش‌ها شما را وسوسه می‌کنند از عیسی روی برگردانید؟ دوستان مسیحی چقدر می‌توانند در مقابله با وسوسه‌ها به شما کمک کنند؟

۵. قوم خدا گرد هم می‌آیند تا یکدیگر را بنا کنند و منتظر باشند تا عیسی را ملاقات کنند



«و در فکر آن باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم. و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم ـ بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید» (عبرانیان ۱۰:۲۴-۲۵).

بسیاری از مردم همان‌طوری به کلیسا می‌روند که به یک بوفه یا مرکز خرید می‌روند. آنها به عنوان مصرف‌کننده و با اولویت و انتظاراتی که توقع دارند برآورده شوند، می‌آیند. قطعا ما باید از خدمت کلیسا بهره‌مند شویم، اما خدا هدف بزرگ‌تری دارد. ما دور هم جمع می‌شویم و به یکدیگر کمک می‌کنیم در محبت به خدا و خدمت به او رشد کنیم.

در این آیات، چند فرمان را می‌بینیم که باید پیوسته به کار گرفته شوند. این آیات، نگرشی را ارائه می‌دهند که کلیسا باید وقتی جمع و پراکنده می‌شود، به آنها فکر کند. خدا به ما مسیحیان می‌گوید که باید:

- به یکدیگر توجه کنیم
- به یکدیگر نگاه کنیم
- به یکدیگر فکر کنیم
- با یکدیگر مطالعه کنیم

و همه با هم بکوشیم یکدیگر را به محبت و کارهای نیک تشویق کنیم.

تشویق یا برانگیختن یعنی کاری را به منظورِ گرفتن یک واکنش انجام دهیم. در معنای نادرست آن، یعنی کاری که من با خواهرم می‌کردم و او را به گریه می‌انداختم. ما به عنوان مسیحی دقیقا برخلاف این را انجام می‌دهیم. ما

مراقب یکدیگر هستیم، اما نه با روش‌های بد، بلکه با محبت کاری می‌کنیم که توجهات را به عطایای خدا و فرصت‌های استفاده از آن عطایا جلب کنیم.



نانسی بیوه بود. پس از مرگ شوهرش، به‌سختی می‌توانست به کارها و امور خانه، سر و سامان دهد. بنابراین جِرمایا از همه خواست تا به کمک او بروند. برخی چمن‌ها را زدند، برخی وسایل اضافی را برای فروش در حیاط گذاشتند، بعضی هم مسائل مالی او را سر و سامان دادند و گروهی هم به سایر کارها پرداختند. جِرمایا فرصتی برای خدمت پیدا کرد و کلیسا را به محبت و کارهای نیک تشویق کرد.

خدا می‌داند که ما به کمک او نیاز داریم تا مهربان‌تر و مقدس‌تر شویم و بیشتر به انجام کارهای نیک تمایل پیدا کنیم. محبت اتفاق نمی‌افتد، بلکه باید با تشویق پرورش داده شود.

به همین دلیل به ما هشدار داده می‌شود از ملاقات با یکدیگر غافل نشویم. اگر از دورهمی و مشارکت با هم غافل شویم، محبت و کارهای نیک در میان قوم خدا کاهش می‌یابد، رشد معنوی شخصی متوقف می‌گردد، همه بشارت را پشت گوش می‌اندازند و در نهایت از پیروی عیسی دور خواهیم شد.

عبرانیان هشدارهای شدیدی در مورد نیاز ما به پایداری در ایمان می‌دهد و تاکید دارد همراهی با کلیسا یکی از راه‌های مهم خداست که در حفظ ایمان به ما کمک می‌کند. به همین دلیل باید هرچه می‌توانیم یکدیگر را تشویق کنیم تا به آن روز نزدیک‌تر شویم. منظور کتاب مقدس از «آن روز» چیست؟ روزی که عیسی بازمی‌گردد؛ این امید بزرگ ماست. ما «مشتاق آمدن او هستیم» (دوم تیموتائوس ۸:۴)، و حتی می‌دانیم در مقایسه با زمانی که اولین‌بار ایمان آوردیم، امید دیدن او نزدیک‌تر شده است (رومیان ۱۱:۱۳).

این حقیقت، اساس و بنیان مسیحیان است، امیدهای ما را هدایت می‌کند و دل‌های ما را گرم می‌سازد. ما هر روز به یکدیگر یادآوری می‌کنیم که به سرمنزل مقصود نزدیک شده‌ایم.

اما همچنان که روز بازگشت عیسی نزدیک می‌شود، مخالفت شیطان با کلیسا هم افزایش می‌یابد. عیسی هشدار داد پیش از آنکه بیاید: «در آن روزها بسیاری از ایمان خود بازگشته، به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد. پیامبران دروغینِ زیادی برخاسته، بسیاری را گمراه خواهند کرد. در نتیجهٔ افزونی شرارت، محبت بسیاری به سردی خواهد گرایید» (متی ۲۴:۱۰-۱۲).

شیطان هر کاری بتواند انجام می‌دهد تا مانع پیروی از عیسی شود. یکی از نقشه‌هایش سرد کردن محبت میان مسیحیان است. او می‌خواهد جدایی بیفکند و باعث تنفر آنها از یکدیگر شود.

اما خدا ما را فرا می‌خواند بر شدت محبت به یکدیگر بیفزاییم و آن را در اولویت قرار دهیم، و به این طریق در مقابل وسوسه‌گر مقاومت کنیم. این نوع محبت و بلوغ معنوی، فقط با مشارکت فعال در کلیسای محلی سالم پرورش می‌یابد.

STOP کدام قسمت نقشهٔ خدا برای استفاده از کلیسای محلی در جهت کمک به پیروی از عیسی شما را متعجب می‌سازد؟ یک کلیسای محلی سالم چگونه در پیروی از آموزه‌ها و پندهای عیسی به شما کمک می‌کند؟ هنوز دربارهٔ اهمیت رفتن به کلیسا پرسشی دارید؟



او مطمئن نبود چرا. اما وقتی دِیو و اَشلی محبت کلیسای اولیه را توصیف کردند، اشک‌هایش سرازیر شد. همان‌طور که نشسته بود،

احساس کرد کلیسای اعمال رسولان ۲ پیش چشمانش زنده شده است. خدا خوراکی برایش فراهم کرده است، اما مهم‌تر از آن او را با خانوادهٔ جدیدی آشنا ساخته است، خانواده‌ای که واقعا او را دوست دارند و به او کمک می‌کنند تا با خدا گام بردارد.



«و در فکر آن باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم. و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم ــ بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید» (عبرانیان ۱۰:۲۴-۲۵).



گرچه شاید همیشه چنین احساسی نداشته باشیم، اما مسیحیان پیوسته به کلیسا می‌روند تا از طریق مشارکت با مسیحیان دیگر، تقویت شوند، موعظهٔ کلام خدا را بشنوند و در پاسخ او را ستایش کنند.



نکته چیست؟
در کلیسا به دنبال
چه چیزی بگردیم؟



۳

کلیسای حقیقی چیست؟



برایان شروع به کنکاش در کلیساهای اطراف شهر کرد. قبلا آنها را دیده بود، اما زیاد به آنها توجه نکرده بود. کلیساهای اولیه، کلیساهای متحد، کلیساهای مُتدیست، تعمیدی، کاتولیک، کلیساهای بزرگ مورمون‌ها، کلیساهای امروزی و سنتی و قدیمی.

آنها برایان را گیج کرده بودند؛ بنابراین کاری را کرد که همیشه وقتی پرسشی داشت، انجام می‌داد. برای دِیو پیام فرستاد: «چرا این همه کلیساهای مختلف وجود دارند؟ مگر همگی ما به یک خدا ایمان نداریم؟»

دِیو خندید و پاسخ داد که باید حضوری گفت‌وگو کنند.

صبح روز بعد هنگام صرف صبحانه، دِیو برایان را به خاطر پرسیدن چنین پرسشی تشویق کرد. او توضیح داد احتمالا بهتر است در دو بخش به این پرسش، پاسخ داده شود.

اول، آنها توافق کردند تفاوت‌های کلیسای دروغین و راستین را دسته‌بندی کنند. هر گروهی که خودش را مسیحی می‌نامد، واقعا مسیحی نیست و

شناخت تفاوت‌ها ضروری است.

دوم، آنها تصمیم گرفتند در مورد دلیل وجود تفاوت‌های بسیار در کلیساهای راستین و دروغین صحبت کنند. گرچه مسیحیان به حقایق اساسی مشترکی باور دارند، اما برخی مسائل اعتقادی وجود دارند که ایمانداران پایبند و وفادار را به جدایی می‌کشانند و البته امیدواریم این جدایی به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز باشد.

ما دلیل اول را در این فصل، و دلیل دوم را در فصل بعدی ارائه می‌دهیم.

مراقب معلمان دروغین باشید

«از پیامبران دروغین برحذر باشید. آنان در لباس گوسفندان نزد شما می‌آیند، امّا در باطن گرگان درّنده‌اند. آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از بوتهٔ خار و انجیر را از علف هرز می‌چینند؟ به همین‌سان، هر درخت نیکو میوهٔ نیکو می‌دهد، امّا درخت بد میوهٔ بد. درخت نیکو نمی‌تواند میوهٔ بد بدهد، و درخت بد نیز نمی‌تواند میوهٔ نیکو آوَرَد. هر درختی که میوهٔ خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. بنابراین، آنان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت» (متی ۷:۱۵-۲۰).

عیسای مسیح هشدار داد که معلمان دروغین می‌آیند؛ این راهنمایان فریبکار، راه خود را به کلیسا باز می‌کنند و حقیقت را به انحراف می‌کشانند (یهودا ۴). آنها کلام خدا را تحریف می‌کنند و به مردم چیزی را می‌گویند که می‌خواهند بشنوند (اول تیموتائوس ۶:۵؛ دوم تیموتائوس ۴:۳-۴).

آنها مانند دست‌فروشان، یک انجیل دروغین را می‌فروشند که بی‌اخلاقی را ترویج می‌کند، و از اقتدار، برای سوءاستفاده از عروس عیسی استفاده می‌کنند (دوم پطرس ۲:۱-۳).

معلمان دروغین گرگ‌هایی هستند در لباس میش، و ظاهرا به زبان مسیحیان سخن می‌گویند؛ در ظاهر از خدا پیروی می‌کنند، اما در حقیقت چنین نیست. آنها رهبری کلیساهایی را به عهده می‌گیرند که دربارهٔ خدا و انجیل سخن می‌گویند، اما در حقیقت از خدای دروغین و انجیل دروغین صحبت می‌کنند.

بنابراین چگونه کلیسای حقیقی را از کلیسای دروغین تشخیص دهیم؟

عیسی به ما می‌گوید: «با میوه‌های آن.» وقتی در کتاب مقدس جست‌وجو می‌کنید، سه ویژگی شاخص کلیسای حقیقی را پیدا می‌کنید. اگر کلیسایی فاقد این ویژگی‌ها باشد؛ پس مطمئن باشید کلیسایی دروغین پیش روی شماست.

مقدمه‌چینی کافی است. شاخص‌های یک کلیسای حقیقی عبارت‌اند از موعظهٔ انجیل اصیل، اجرای درست غسل تعمید و شام خداوند و محافظت از قداست کلیسا از طریق انضباط کلیسایی.

۱. موعظهٔ انجیل اصیل



«و می‌گفت: زمان به کمال رسیده و پادشاهی خدا نزدیک شده است. توبه کنید و به این خبر خوش ایمان آورید» (مرقس ۱:۱۵).

عیسی خبر خوش پادشاهی خدا را از ابتدا تا انتهای خدمت زمینی خود موعظه کرد. او پس از رستاخیزش شاگردان را به انجام این کار گمارد (ر.ک فصل نهم). این خبر خوش که عیسی به جای ما مُرد و برای داوری ما از مردگان برخاست، معیاری است که بر اساس آن همهٔ ایمانداران در سرنوشت ابدی خود آرام و قرار می‌گیرند.

اگر کلیسا این خبر خوش را موعظه نکند، پس یک کلیسای حقیقی نیست.

عیسی گفت هر کسی خانهٔ خود را بر روی شن بنا کند در روز داوری نابود خواهد شد، مگر زندگی خود را بر او و اطاعت از آموزه‌های او بنا کند (متی ۷:۲۴-۲۷). پولس وقتی به کلیسای قرنتیان نامه نوشت، بیان کرد که کلیسا در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد (اول قرنتیان ۱:۱۵-۵). این موضوع بسیار مهمی است، زیرا انجیل «قدرت خداست برای هر کس که ایمان آوَرَد» (رومیان ۱:۱۶).



تصور کنید برای شام، هوس استیک کرده‌اید و با دوستانتان به یک استیک‌فروشی می‌روید. وقتی به آنجا می‌رسید، همه چیز عالی به نظر می‌رسد. تصاویر گاوها روی دیوارها، چاقوهای تیز روی میز، فضایی مملو از بوهای شامه‌نواز که دهانتان را آب می‌اندازد.

اما اگر پیش‌خدمت غذا را بیاورد و فقط بشقابی پر از ورقه‌های خمیر سویا ببینید، چه اتفاقی می‌افتد؟ فکرهای زیادی به سرتان خطور می‌کند و حتما یکی از آنها این است: «اینجا استیک فروشی نیست!»

متاسفانه این همان سناریویی است که امروزه مردم وقتی وارد کلیساهای مختلف می‌شوند با آن روبه‌رو می‌گردند. آنها به امید تغذیهٔ روحانی از کلام خدا به آنجا می‌روند، اما به جای آن، با پشمک پذیرایی می‌شوند.



برایان متوجه شد از ضروریات یک کلیسای حقیقی آن است که انجیل داشته باشد، اما مطمئن نبود باید به چه چیزی دقت کند. پس پرسید: «باید به چه چیزی گوش فرا دهم تا بفهمم کلیسا انجیل حقیقی را موعظه می‌کند یا خیر؟»

دِیو توضیح داد که به قوهٔ تشخیص و درایت نیاز دارد، اما چهار مورد را پیشنهاد داد:

۱. آنها باید خدای حقیقی را موعظه کنند

خدای حقیقی در انجیل حقیقی به ما معرفی می‌شود. خدای کتاب مقدس، خدایی است که تا ابد به صورت سه شخص مجزا وجود دارد: خدای پدر، خدای پسر، خدای روح‌القدس.

گرچه این حقیقت بسیار پررمزوراز است، اما هرگز نباید منکر آن شد. برخی از کلیساهای دروغین آن را انکار می‌کنند. برای مثال، مورمون‌ها معتقدند خدای ما یکی از خدایان بسیار است. شاهدین یهوه انکار می‌کنند که عیسی خداست. پنتیکاستی‌های توحیدی یا یگانه‌پرست ماهیت تثلیثی خدا را انکار می‌کنند.

هر انجیل فرضی که شما را به این‌سو هدایت می‌کند که خدای دروغین را باور کنید، انجیلی دروغین است. کلیساهای حقیقی خدا را همان‌گونه معرفی می‌کنند که در کتاب مقدس خودش را مکاشفه کرده است و بدین ترتیب او را تکریم می‌کنند.

۲. آنها باید در مورد گناه موعظه کنند

امروزه هدف بسیاری از کلیساها این است که مردم به هر قیمتی احساس خوبی نسبت به خود پیدا کنند. اما کتاب مقدس به‌روشنی بیان می‌کند همگی ما با نافرمانی از شریعت خدا مرتکب گناه علیه او شده‌ایم (رومیان ۳:۱۰-۱۸ و ۲۳). این گناهی جدی است و منجر به مرگ معنوی، فیزیکی و ابدی می‌شود (رومیان ۶:۲۳).

بسیار خطرناک و فریبنده است که عصیان خود را علیه خدا دست‌کم بگیریم.

هدف کلیساهای حقیقی آن است که به مردم کمک کنند جایگاه خود

را در برابر یک خدای قدوس، در پرتو آنچه در کتاب مقدس می‌گوید، پیدا کنند. هدفشان ایجاد احساس بد نیست، بلکه می‌خواهند با محبت به مردم آگاهی دهند که به بخشش خدا نیاز دارند و خدا از طریق عیسای مسیح، این بخشش را برای آنها فراهم کرده است (اشعیا ۱۸:۱).

۳. آنها باید فیض را، فقط از طریق ایمان در عیسای مسیح، موعظه کنند

هر انجیلی که ما را وسوسه کند تا برای راضی نمودن خدا به کارهای خوب خود اعتماد کنیم، یک انجیل دروغین است. یکی از حزن‌انگیزترین خطاها که کلیسا را مختل می‌سازد، انجیل مبتنی بر کارهای نیک است. این انجیل فرضی می‌گوید عیسی مهم است، اما برای آنکه خدا ما را بپذیرد باید ترکیبی از کارها را انجام دهیم، مانند شرکت در کلیسا، غسل تعمید، کارهای نیک، هدایای مالی و غیره.

انجیلی که نجات‌بخش است، بدون هیچ تعارفی اعلام می‌دارد بخشش گناهان ما عطایی از سوی خداست که نه سزاوار آن هستیم، نه خودمان آن را به دست آورده‌ایم.

تنها به واسطهٔ فیض خدا پذیرفته می‌شویم. تنها با اعتماد به عیسی در آنچه برای ما انجام داد، پذیرفته می‌شویم. تنها به واسطهٔ ایمان پذیرفته می‌شویم و ایمان ما باید کاملا بر زندگی کامل، مرگ نیابتی و رستاخیز جسمی عیسی متمرکز باشد. تنها در عیسی پذیرفته می‌شویم.

«زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید ــ و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست ـ و نه از اعمال، تا هیچ‌کس نتواند به خود ببالد» (افسسیان ۸:۲-۹).

انجیل حقیقی به شکلی کامل خدا را جلال می‌دهد، زیرا در آن روز آخر هیچ کس به واسطهٔ خودش وارد بهشت نمی‌شود. هر کسی که داوری خدا را تاب بیاورد، به این دلیل نخواهد بود که خودش بی‌عیب‌ونقص بوده، بلکه به این دلیل است که عیسای مسیح در جایگاه او کامل بود. انجیلی که هر چیزی را به عیسی بیفزاید، به هیچ وجه انجیل نیست، بلکه دروغی خطرناک است که مردم را محکوم به لعنت می‌کند (غلاطیان ۱:۸-۹).

۴- آنها باید نیاز به توبه را موعظه کنند

هر انجیلی که اساسا روی روش زندگی ما تاثیر نمی‌گذارد، انجیلی دروغین است.

به همین دلیل عیسی گفت: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، هر روز صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید» (لوقا ۹:۲۳). پیروی از او در ایمان، مستلزم عدم پیروی از روش‌های گناه‌آلود خودمان است. به عبارت دیگر ایمان و توبه، دو رویِ یک سکه هستند. برای پیروی از عیسی، باید از زندگی گناه‌آلود خود روی برگردانیم و رو به سویِ او و راه‌هایش کنیم. کتاب مقدس این بازگشت را «توبه» می‌نامد.

متاسفانه امروزه بسیاری از کلیساها عقاید دروغینی را ترویج می‌دهند که اگر فقط دعا کنید و از خدا بخواهید، در کنار نیمکت‌های کلیسا راه بروید، یا به نوعی اعتراف علنی کنید، دیگر به چیزی نیاز ندارید. حقیقت از این فراتر است.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد وقتی به واسطهٔ ایمان با مسیح متحد می‌گردیم، به چشم خدا پارسا شمرده می‌شویم (پارساشمردگی). این پارساشمردگی از طریق ایمان و اطاعت به اثبات می‌رسد و ثابت می‌کند ما از نو متولد شده‌ایم. این تحول ممکن است تدریجی باشد و شکست‌هایی نیز به همراه داشته باشد. اما اگر اکنون مخلوقاتی نو هستیم؛ پس شواهدی بر اثبات آن وجود

دارند. تلاش برای خشنودی خدا به واسطهٔ ایمان، باید تا به آخر از نشانه‌های بارز زندگی یک ایماندار باشد. هر انجیلی که شما را به اطاعت از خدا فرا نمی‌خواند، انجیلی دروغین است.

STOP آیا تاکنون در کلیساها چیزی دربارهٔ عوامل ضروری آموزه‌های راستین شنیده‌اید؟ فکر می‌کنید کلیساها چرا باید در مورد این عوامل، شفاف‌سازی کنند؟ اگر نکنند، چه می‌شود؟

هر کلیسایی که مدعی است عیسی را معرفی می‌کند اما به خبر خوش عیسی باور ندارد، آن را اعلام نمی‌کند و از آن دفاع نمی‌نماید، کلیسایی دروغین است. از طرفی، هر کلیسایی که خبر خوش انجیل را اعلام کرده، در آن شادی می‌کند و دربارهٔ آن مباحثه و برای آن مبارزه می‌کند، کلیسایی راستین و حقیقی است.

از میان تمام نشانه‌های کلیساهای حقیقی، اولین نشانه از مهم‌ترین آنهاست. آنچه در ادامه می‌خوانید، پیامدهای اولین نشانهٔ کلیسای حقیقی است. اگر کلام به‌درستی تعلیم داده شود، به‌درستی هم تمام بخش‌های زندگی کلیسایی را شکل می‌دهد. اما اگر درست تعلیم داده نشود، بدون شک باعث رنج و درد خواهد شد.

۲. وفادارانه تعمید و شام خداوند را به جا آورید

«پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان‌گونه که مسیح به وسیلهٔ جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم» (رومیان ۴:۶).

عیسی به کلیسای خود فرمان داد که دو آیین غسل تعمید و شام خداوند

به جا آورده شوند ـ برخی آنها را آیین‌های مقدس (راز مقدس) می‌نامند ـ این احکام باید به‌درستی بر اساس کلام او انجام شوند. آیین، مراسم مذهبی نمادینی است که همچون یک سمبل و نمونه، پیام انجیل را به تصویر می‌کشد. غسل تعمید، سمبل تولدی تازه از طریق عیسی است؛ در حالی که شام خداوند، ارتباط و مشارکت مداوم ما با عیسی را به تصویر می‌کشد.

در فصل هفتم توضیح می‌دهیم که غسل تعمید و شام خداوند چگونه مطابق با معیارهای زندگی کلیسایی هستند. اما در اینجا دو روش اجرای این احکام توسط کلیساهای حقیقی را بیان می‌کنیم.

۱. آنها باید بر اساس انجیل انجام شوند

این احکام، کلام شنیدنی انجیل را به کلامی دیدنی تبدیل می‌کنند. هنگامی که شخصی تعمید می‌گیرد؛ تصویری از آنچه هنگام اتحاد یک گناهکار با عیسای مسیح از طریق ایمان رخ می‌دهد، به ما ارائه داده می‌شود. به همین ترتیب وقتی در شام خداوند شریک می‌شویم، در سمبل‌های فیزیکی سهیم می‌شویم که بدن و خون مسیح را به یاد می‌آوریم که به خاطر ما فدا شد.

نه تعمید و نه شام خداوند نباید طوری انجام شوند که آنها را از کار کامل عیسی مجزا کنند. تعمید باعث نمی‌شود خدا ما را بپذیرد. آنها هیچ نوع فیض توجیه‌کننده‌ای برای پارساشمردگی به ما نمی‌دهند. اما در مقابل:

تعمید گرفتن همچون سمبلی فیزیکی برای این واقعیت معنوی عمل می‌کند که عیسی به یک گناهکار زندگی تازه بخشیده است.

به همین ترتیب، شرکت در شام خداوند با نان و شراب را هرگز نباید فیضی بدانیم که جایگاه ما را در پیشگاه خدا تضمین می‌کند. نمی‌توان چیزی به کار کامل عیسی افزود. به عبارتی دیگر، شام خداوند به عنوان جشنی از ایمان می‌باشد که به خاطر مرگ عیسی از جانب ما برگزار می‌شود. در حقیقت وقتی

عیسی گفت: «این را به یاد من به جای آورید» (ر.ک اول قرنتیان ۱۱:۲۴-۲۵)، همین موضوع را به ما تعلیم داد. کلیساها این احکام را به عنوان نمونه و الگوی انجیل جشن می‌گیرند؛ کلیساهای دروغین، اغلب آنها را به راهی برای به دست آوردن جایگاه توسط ما در برابر خدا تبدیل می‌کنند.

۲. آنها باید به واسطهٔ ایمان، در این آیین مذهبی شرکت کنند

هدف از غسل تعمید و شام خداوند، ترغیب دل‌های ایمانداران به سوی ایمان و لذت در خداست. به همین دلیل همیشه ایمانداران در آنها شرکت می‌کنند.

کلیساهای دروغین با دعوت غیرایمانداران به شرکت در این آیین‌ها، از این احکام سوءاستفاده می‌کنند.

برای مثال کلیسایی در نزدیکی محل زندگی من هست که به خود می‌بالد، چون به همه اجازه می‌دهد در شام خداوند شرکت کنند. شعار آنها می‌گوید: «از همه استقبال می‌کنیم و هیچ پرسشی نمی‌پرسیم.» دعوتشان دوست‌داشتنی به نظر می‌رسد، اما این‌طور نیست. تقلیل دادن شام خداوند به نمادی از عمومیت، بدون نیاز به توبه و ایمان، توهین به مقدسات است که داوری خدا را برمی‌انگیزد.

این احکام مانند تصویر قابل مشاهده از انجیل عمل می‌کنند و باید به عنوان خادمین پیام انجیل اجرا شوند. آنها هرگز نباید از جذابیت و گیرایی انجیل بکاهند، بلکه با مشارکت کلیسا در آنها، انجیل را تقویت می‌کنند.

کلیساهای حقیقی این احکام را بر اساس فرامین کتاب مقدس انجام می‌دهند؛ کلیساهای دروغین از آنها برای پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، سیاسی یا انسانی خود استفاده می‌کنند.



بِن و جیل آماده می‌شدند بیستمین سالگرد ازدواج خود را جشن بگیرند. بِن کارت تبریک خرید و شعرهای عاشقانه‌ای دربارهٔ عشق برای جیل نوشت. او حلقهٔ ازدواجش را تمیز کرد و در برابر آینه دوباره پیمان ازدواج را بازگو کرد. موهایش را کوتاه کرد و کت و شلوار جدیدی پوشید. او شام مفصل و فاخری تهیه کرد و شامپاین را روی یخ گذاشت، در حالی که موسیقی رمانتیکی فضا را پر کرده بود.

گرچه به نظر می‌رسید بِن کارش را درست انجام داده و سنگ تمام گذاشته، اما مشکلی وجود داشت. بِن در تمام طول روز حتی یک کلمه هم با همسرش صحبت نکرد؛ کارت‌ها در کشوی میز او باقی ماندند، او هیچ وقت دست جیل را نگرفت، حتی نگاهی هم به او نکرد. او یک کلمه هم با او حرف نزد. اگر شما جای همسر بِن بودید، به او چه می‌گفتید؟ شاید می‌گفتید تمام کارهایی که بِن انجام داده، بی‌معنا است، چون اصلا کاری با همسرش نداشت. ظاهرا او عاشق ایدهٔ جشن سالگرد ازدواج بود تا همسرش.

این دقیقا شبیه کلیسایی است که مراسم و آیین مذهبی را جدای از حقیقت انجیل و ایمان زنده، به جای می‌آورد. کلیساهای حقیقی می‌کوشند این احکام را به عنوان نوعی پرستش به جا آورند، نه به عنوان هدف خودشان.



وقتی دِیو مفهوم این احکام را شرح داد، برایان عمیقا تشویق و دلگرم شد. او در میان کسانی که مراسم مذهبی انجام می‌دادند رشد کرده بود، اما محبتی به خدا نداشت. گرچه در آن زمان محبتی احساس نمی‌کرد، ولی از ریاکاری سایرین به پارسایی، به‌شدت عصبانی می‌شد. وقتی شنید خدا هم از چنین رفتاری خشنود نمی‌شود، آرام گرفت. هرچه بیشتر می‌شنید، بیشتر مشتاق می‌شد بخشی از آن کلیسایی باشد که فقط برای رفع تکلیف

کاری نمی‌کرد، بلکه واقعا عاشق خدا بود.



به نظر شما چرا خدا مثال‌های قابل دیدن از انجیل آورده است؟ انجام صحیح این احکام چگونه به رشد ایمان شما در مسیح کمک می‌کند؟ فکر می‌کنید چرا برخی از کلیساها فقط مراسم مذهبی به جا می‌آورند، به جای آنکه در کار کامل عیسی آرام بگیرند؟

۳. انضباط کلیسایی را با پاکی و خلوص انجام دهید



«چون فرزندانی مطیع، دیگر مگذارید امیال دوران جهالت به زندگیتان شکل دهد. بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همهٔ رفتار خویش مقدّس باشید؛ چراکه نوشته شده است: "مقدّس باشید، زیرا من قدّوسم"» (اول پطرس ۱:۱۴-۱۶).

وقتی خدا مردم را نجات می‌دهد، آنها را به بدن خویش یعنی کلیسا فرا می‌خواند. کلیسا باید نمایانگر شخصیت خدا باشد. یک *کلیسای حقیقی، کلیسایی مقدس است.*

همان‌طور که در فصل اول دیدیم، واژهٔ مقدس یعنی جدا شدن. کلیسا فرا خوانده شده است از گناه جدا شود و به خدا بپیوندد. تقدس کلیسا اساسا در محبت و اطاعت از خدا (یوحنا ۱۵:۱۴) و محبت به یکدیگر (یوحنا ۳۴:۱۳-۳۵) دیده می‌شود.

یک کلیسای حقیقی برای مبارزه با گناه با هم تلاش می‌کنند. زیرا آنها خدا را دوست دارند و بسیار مشتاق هستند که او را جلال دهند؛ به گناهانشان اعتراف می‌کنند و مدام در حال توبه هستند. یک کلیسای دروغین، واقعا اهمیتی به تقدس نمی‌دهد؛ آنها از داشتن درس‌های اخلاقی که به طور کلی

برای همه کاربرد دارد، راضی هستند؛ اما پاسخگویی واقعی را نوعی مداخله و قضاوت می‌دانند. کلیساهای دروغین نیز به دلایل نادرست به تقدس اهمیت می‌دهند. شاید آنها اعمال نیک را به عنوان راهی برای نیک شمرده شدن در پیشگاه خدا می‌دانند.

از آنجایی که عیسی مایل است کلیسایش مقدس باشد، روشی تحت عنوان انضباط کلیسایی را بنا گذاشت (متی ۱۸:۱۵-۲۰). انضباط کلیسایی به روشی گفته می‌شود که اعضای کلیسا با آن یکدیگر را در برابر کلام خدا مسئول و پاسخگو می‌کنند. این فرایند دارای چندین مرحله می‌باشد که در نهایت می‌تواند منجر به حذف شخص از عضویت در کلیسای محلی گردد.

هدف از این نوع محبت مداخله‌گرایانه، آشتی دادن ایمانداران گمراه با خدا و کلیساست. در چند فصل بعد بیشتر در مورد این احکام در انضباط کلیسایی صحبت می‌کنیم (فصل هشتم). اما فعلا اجازه دهید به بررسی دو دلیل وجود انضباط کلیسایی در یک کلیسای حقیقی بپردازیم:

۱. انضباط کلیسایی، محافظ شهرت عیسی است

از میان تمام مواردی که عیسی و کلیسایش را بدنام کرده‌اند، ریاکاری در صدر فهرست قرار دارد. من شنیده‌ام بسیاری از ایمانداران ایده‌های کتاب مقدس را انکار می‌کنند، چون به نظر آنها ریاکاری تمام کلیسا را فرا گرفته است. برخی از محکم‌ترین کلمات عیسی بر علیه ریاکاران مذهبی بود که وانمود می‌کردند خدا را می‌شناسند، اما روش زندگی آنها نشان می‌داد چنین نیست (متی ۵:۷؛ ۷:۱۵؛ ۱:۲۳-۳۹). با این وجود کلیساهای حقیقی به آنچه مردم دربارهٔ خدا فکر می‌کنند اهمیت می‌دهند. بنابراین انضباط کلیسایی را برای حفاظت از نام او انجام می‌دهند.

۲. انضباط کلیسایی، حافظ روح مردم است

وقتی یک کلیسا با گناه در زندگی یک فرد مقابله می‌کند، تاثیر هوشیارکننده‌ای بر همهٔ افرادِ درگیر دارد.

به کسانی که گمراه شده‌اند، هشدار می‌دهد که در معرض خطر تسلیم به وسوسه‌های گناه، قرار دارند (یعقوب ۱۹:۵-۲۰).

به کسانی که به گناهکاران گمراه کمک می‌کنند، یادآوری می‌کند مراقب ضعف‌های خود باشند (غلاطیان ۱:۶-۲).

برای کلیسا به طور کلی، با یادآوری اینکه چقدر در برابر فریبِ گناه آسیب‌پذیر هستیم، آنها را فروتن می‌کند (اول تیموتائوس ۲۰:۵).

و در نهایت، مواجهه با گناه مانند شاهدی بر این است که روزی داوری خواهد آمد و ما باید امروز به گناهان خود رسیدگی کنیم، پیش از آنکه دیر شود (اول قرنتیان ۱:۵-۱۳). یک کلیسای دروغین، اهمیتی به جلال خدا نمی‌دهد یا به مردم کمک نمی‌کند تا از داوری شدن جلوگیری کند. چنین محیطی برای روح هر کسی خطرناک است. یک کلیسای حقیقی می‌داند کلام خدا را نه تنها باید اعلام نمود، بلکه باید با ایمان دریافت کرد و به کار برد. بخشی از این کاربرد، تمرین انضباط کلیسایی است.

STOP آیا تاکنون با ریاکاران مذهبی برخورد داشته‌اید؟ اگر بله، بر نگرش شما نسبت به خدا و آنچه در کتاب مقدس می‌گوید، چه تاثیری می‌گذارد؟ آیا تاکنون در کلیسایی بوده‌اید که اهمیت بدهد شما در قبال روش زندگی یکدیگر پاسخگو هستید یا نه؟ اگر اعضای کلیسا که به این موضوع اهمیت می‌دهند، بدانند عیسی واقعا چگونه آنها را بخشیده است، به نظر شما چه تاثیری بر روند پاسخگویی آنها دارد؟



برایان وقتی فهمید بعضی کلیساها واقعا کلیسا نیستند، مات و مبهوت شد. این ترکیب عجیبی از غم و خشم بود. او شکرگزار بود کلیسایی که او و دِیو در آن شرکت کردند، به چیزهایی اهمیت می‌داد که برای خدا نیز مهم بودند. اما همین باعث شد در مورد بخش دوم پرسش به فکر فرو رود: «چرا این همه کلیساهای حقیقی مختلف وجود دارند؟»



«از پیامبران دروغین برحذر باشید. آنان در لباس گوسفندان نزد شما می‌آیند، امّا در باطن گرگان درّنده‌اند. آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از بوتهٔ خار و انجیر را از علف هرز می‌چینند؟ به همین‌سان، هر درخت نیکو میوهٔ نیکو می‌دهد، امّا درخت بد میوهٔ بد. درخت نیکو نمی‌تواند میوهٔ بد بدهد، و درخت بد نیز نمی‌تواند میوهٔ نیکو آوَرَد. هر درختی که میوهٔ خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. بنابراین، آنان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت» (متی ۷:۱۵-۲۰).



تلاش برای تشخیص نشانه‌ها و شاخص‌های یک کلیسای حقیقی، تلاشی متکبرانه نیست، بلکه کاری از روی فروتنی، ایمان و محبت است. فروتنی، چون تسلیم ارادهٔ خدا و کلام خداست؛ ایمان، زیرا ما را به سویی سوق می‌دهد تا به آنچه خدا مکاشفه کرده است، عمل کنیم؛ محبت، زیرا افکار و اعمال را به سوی خدا و همسایه هدایت می‌کند.



نکته چیست؟

با وجود اختلافاتمان

در محبت متحد می‌شویم.



۴

چرا این همه کلیساهای مختلف وجود دارند؟



تفاوت میان کلیسای حقیقی و دروغین برای برایان مشخص شد. اما هنوز گیج بود، زیرا نمی‌دانست چرا این همه کلیساهای حقیقی مختلف و مجزا وجود دارند. او قبول داشت کمی ساده‌لوح است، اما نمی‌توانست بفهمد چرا کلیساهایی که یک خدا را دوست دارند و باورشان به یک کتاب مقدس است، آن‌قدر با هم اختلاف نظر دارند که نمی‌توانند با هم پرستش کنند.

STOP فکر می‌کنید چرا این همه کلیساهای مختلف وجود دارند؟ مسیحیان ممکن است چه دلایل بدی برای پرستش جداگانه داشته باشند؟ آیا دلیل خوبی هم به ذهنتان می‌رسد؟ آیا فکر می‌کنید خدا از این همه تنوع کلیسا خشنود است؟ چرا بله، یا چرا خیر؟



«درخواست من تنها برای آنها نیست، بلکه همچنین برای کسانی

است که به واسطهٔ پیام آنها به من ایمان خواهند آورد. تا همه یک باشند، همان‌گونه که تو ای پدر در من هستی و من در تو. چنان کن که آنها نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای» (یوحنا ۲۰:۱۷-۲۱).

پیش از آنکه عیسی روی صلیب برود، دعا نمود کلیسایش متحد شود. وحدت کلیسا به دنیا شهادت می‌دهد عیسی پسر خداست. او بهای این وحدت را با خون خویش پرداخت نمود (افسسیان ۱۳:۲-۱۶). قومش نیز باید مشتاقانه این وحدت را حفظ کنند (افسسیان ۱:۴-۶).

با این وجود وقتی به منظرهٔ کلیسای مدرن نگاه می‌کنیم، صدها و حتی هزاران فرقهٔ مذهبی می‌بینیم. واژه‌نامهٔ مریام وبستر[1]، فرقهٔ مذهبی را این‌طور تعریف می‌کند: «سازمانی مذهبی که اعضا، در پیروی از باورها و اعمال آن با هم متحد هستند.» گرچه تمام کلیساهای مسیحی به طور مشترک به اساسی‌ترین حقایق دربارهٔ خدا و نجات معتقدند، اما اغلب دربارهٔ آموزه‌ها و پرستش، اعتقادات جداگانه‌ای دارند.

پیش از صحبت دربارهٔ برخی از مسائل مربوط به آموزه‌ها که منجر به پرستش جداگانهٔ کلیساها شدند، اجازه دهید لحظه‌ای به این بیندیشیم که کلیسا چگونه از یک کلیسای متحد و یکپارچه، به کلیسایی مجزا که امروزه می‌بینیم تبدیل شد.

یک درس تاریخی کوتاه

زمانی که خدا روح‌القدس را برای سکونت در قومش فرستاد، کلیسا بنا گذاشته شد (اعمال ۱:۲-۱۳). وقتی انجیل به سراسر دنیای شناخته‌شده پخش می‌شد، کلیساهای محلی زیادی تشکیل شدند (اعمال ۲۸:۲). نامه‌های عهد جدید (از رومیان تا مکاشفه) نوشته شدند تا در به‌کارگیری

1. Merriam-Webster Dictionary

آموزه‌های عیسی و رسولانش به کلیساها کمک کنند. کلیسای اولیه مورد آزار و اذیت قدرت‌های سیاسی و معلمان دروغین قرار گرفت. گروه‌های انشعابی کلیساهای دروغین مانند ناستیک‌ها[1] (دوگانه‌گرایی عرفانی)، آریانی‌ها[2] (منکر خدا بودن مسیح)، و مارسیون‌ها[3] (معتقد به اینکه خدای عهد عتیق و عهد جدید فرق دارند) همواره تهدیدی محسوب می‌شدند. با این وجود خدا، کلیسای حقیقی خود را درست مطابق با وعدهٔ عیسی حفظ کرد.

در قرون اولیه، شوراهای رهبران کلیساها بیانیه‌های رسمی منتشر کردند که باورهای کلیسا را مشخص می‌کرد. این شوراها آموزه‌های جدیدی نداشتند، بلکه قصد آنها خلاصه کردن آنچه کلیسا همیشه به آن باور داشت، بود تا کلیساها را در مقابل آموزه‌های دروغین محافظت کنند. این بیانیه‌ها را امروزه تحت عنوان اعتقادنامه می‌شناسند و هنوز برای کلیساهای مسیحی مفید می‌باشند.

تا قرن یازدهم که «شقاق بزرگ»[4] اتفاق افتاد، کلیسا وحدت خود را حفظ کرده بود؛ در این دوران کلیسای شرق (ارتدوکس) و کلیسای غرب (کاتولیک رومی) از هم جدا شدند. عوامل زیادی در این جدایی دخیل بودند که منجر به بحث و جدل‌های بسیاری در مورد قدرت پاپ و رابطهٔ خدای روح‌القدس با خدای پدر و پسر گردیدند.

در قرن شانزدهم، جنبش‌های زیادی شکل گرفتند که ایمان و روش فاسد کلیسای کاتولیک روم را زیر سؤال بردند. این معترضان و طرفداران آنها، تحت عنوان پروتستان شناخته شدند و به چهار گروه معروف لوتری، سوئیسی، انگلیسی و اصلاح‌طلبان آنابَپتیست تقسیم شدند.

گرچه این کلیساها به‌شدت بر آموزه‌های اساسی نجات تاکید داشتند؛ اما در مورد دیگر مسائل مهم اعتقادی، اختلاف نظر داشتند. همین امر باعث شد

---

1. Gnostics
2. Arians
3. Marcionites
4. The Great Schism

گروه‌های مختلفی همچون مُتدیست‌ها، مشایخی‌ها، اسقفی‌ها، جماعت‌گراها و تعمیدی‌ها تشکیل شوند.

از آن پس، انشعابات مختلف، دودستگی، تقسیم‌بندی‌ها و اختلافات الهیاتی به وجود آمدند. اما اکثر کلیساهای پروتستان در مورد اصول کلیدی ایمان مسیحی وحدت خود را حفظ کردند.



برایان پس از آنکه شنید خدا طی قرن‌ها چگونه کلیسای خویش را بنا نهاده است، احساس کرد به شفاف‌سازی بیشتری در مورد دلایل تقسیم کلیساها نیاز دارد. دِیو، چهار مورد را بیان کرد:

۱. **ضرورت:** مهم‌ترین دلیلی که مسیحیان یکدیگر را ملاقات نمی‌کنند، آن است که این امر غیرممکن است. مسیحیان از نظر جغرافیایی در جوامع، مناطق، کشورها و قاره‌های مختلف زندگی می‌کنند و پراکنده هستند. شاید این امری بدیهی به نظر برسد، اما باید خاطرنشان ساخت در دوران کلیسای اولیه، جمع ایمانداران در یک منطقه حضور داشتند.

برای مثال رسالهٔ غلاطیان به کلیسای غلاطیه نوشته شد (غلاطیان ۲:۱). ما نمی‌دانیم چند کلیسا در آن منطقه وجود داشتند، اما همگی آنها یک‌جا جمع نبودند، هرچند ظاهرا یکدیگر را می‌شناختند. به همین ترتیب رساله‌های اول پطرس (۱:۱)، یعقوب (۱:۱) و مکاشفه (۴:۱؛ ۲:۱-۳:۲۲) به‌روشنی خطاب به کلیساهای همفکری نوشته شدند که به دلیل موقعیت‌های جغرافیایی نمی‌توانستند یکدیگر را ملاقات کنند.

«موانع زبانی» دلیلی دیگر است. شاید یک کلیسا از مترجمان برای پر کردن شکاف زبانی استفاده کند، اما اغلب صلاح در این است که به اعضایی خدمت داده شود که به زبان مادری پرستش می‌کنند.

گاهی اجتماع‌های جدا، بر حسب ضرورت تشکیل می‌شوند، نه به خاطر تفرقه و گناه.

۲. باور به آموزه‌ها: همان‌طور که در خلاصه‌ای از تاریخ کلیسا بیان کردیم، بیشتر فرقه‌ها به دلیل اعتقادات خود به آموزه‌ها شکل گرفتند. «آموزه» به خلاصه‌ای از تعالیم کتاب مقدس در مورد یک موضوع خاص مانند تعمید، عطایای روحانی یا چگونگی سازمان‌دهی رهبری کلیسا اطلاق می‌شود. پولس رسول آن را این‌گونه شرح می‌دهد:



«کسی یک روز را از دیگر روزها مقدّستر می‌شمارد؛ فردی دیگر، همهٔ روزها را یکسان می‌پندارد. هر کس در ذهن خودش کاملا متقاعد باشد» (رومیان ۵:۱۴).

از نمونه‌های امروزی آن غسل تعمید است. برخی مسیحیان معتقدند تعمید نوزادان، آنها را با نشان جامعهٔ عهد مشخص می‌کند، به همان صورتی که ختنه به کودکان تحت عهد ابراهیمی داده می‌شد (پیدایش ۷:۱۷-۸؛ اعمال ۳۲:۱۶-۳۴). برخی از ایمانداران نیز بر این باورند که غسل تعمید فقط برای ایمانداران به عنوان نشانه‌ای از عهد جدید است (متی ۱۸:۲۸-۲۰؛ رومیان ۱:۶-۴؛ کولسیان ۱۱:۲-۱۲). این عدم همنظری به اندازهٔ کافی قابل توجه است که مردم را به عبادت در کلیساهای مختلف سوق دهد، اما آن‌قدر مهم نیست که معاشرت محبت‌آمیز را از بین ببرد. در فصل بعدی کمی بیشتر در مورد آن بحث و گفت‌وگو می‌کنیم.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد با آنکه ایمانداران در مسائل بنیادین وحدت دارند (افسسیان ۱:۴-۶)، اما ممکن است در مسائل فرعی و ثانویه‌ای مانند این مورد، اعتقادات عمیق و ریشه‌ای داشته باشند (رومیان ۱:۱۴-۲۳؛ اول

قرنتیان ۸:۱-۱۳). این مسائل اعتقادی را باید با ایمان جست‌وجو کرد، «آنچه از ایمان نباشد گناه است» (رومیان ۱۴:۲۳).



در اینجا هفت مورد از رایج‌ترین مسائل اعتقادی را بیان می‌کنیم که کلیساهای حقیقی دربارهٔ آنها همنظر نیستند. آنها منجر به عدم همنشینی و مصاحبت در کلیسا نمی‌شوند، و هر اجتماع کلیسایی باید با دعا بفهمد چگونه می‌تواند خدا را خشنود سازد.

۱. **غسل تعمید:** آیا غسل تعمید به عنوان نشانهٔ عهد در کودکان انجام می‌شود؟ یا فقط برای اعتراف ایمانداران پس از نوکیشی آنهاست؟ آیا غسل تعمید با ریختن یا پاشیدن آب انجام می‌شود، یا فقط با غوطه‌ور کردن در آب؟
۲. **شام خداوند:** آیا فقط اعضای کلیسا شام خداوند را به جا می‌آورند یا هر مسیحی این کار را انجام می‌دهد؟ آیا شام خداوند فقط یک مراسم یادبود برای عیسی است؟ یا ارتباط معنوی با اوست؟ آیا باید از شراب و نان بدون خمیرمایه استفاده کرد یا می‌توانیم از عصارهٔ انگور و هر نانی استفاده کنیم؟
۳. **حاکمیت کلیسا:** در کلیسا چه کسی اقتدار دارد؟ شبانان؟ اعضای کلیسا؟ یا یک گروه بیرونی؟ آیا زنان می‌توانند به عنوان شماس، یا به عنوان مشایخ/ شبانان خدمت کنند؟
۴. **آموزهٔ فیض:** حاکمیت خدا و مسئولیت‌پذیری مردم در نجات چگونه با هم تطابق می‌یابند؟ آیا می‌توان نجات را از دست داد؟ یا ایمانداران برای همیشه توسط روح‌القدس مُهر شده‌اند؟
۵. **زمان‌های آخر:** در زمان‌های آخر چگونه پرده از حوادث برداشته می‌شود؟ بین قوم اسرائیل و کلیسا چه رابطه‌ای هست؟
۶. **عطایای روحانی:** آیا عطایای روحانی مانند شفا، نبوت، صحبت به

زبان‌ها امروز دیگر در کلیساها وجود ندارند؟ اگر هنوز وجود دارند، عطایایی مانند صحبت به زبان‌ها و نبوت چگونه در کلیسا عمل می‌کنند؟

۷. فلسفهٔ خدمت: یک کلیسا چگونه باید خدمت کند؟ آیا باید یکشنبه‌ها آموزش داشته باشد؟ یا گروه‌های کوچک، یا برنامه‌های دیگر باید داشته باشد؟

همان‌طور که می‌بینید، مطالب زیادی وجود دارند که ایمانداران به آنها اعتقاد پیدا می‌کنند. سپس خودشان را در میان گروه‌های همفکر می‌بینند. برخی از ایمانداران حتی از حضور در بین افرادی با نظرات مخالف نیز کم‌وبیش احساس راحتی می‌کنند، اما همیشه باید بکوشیم هماهنگ با دیگران زندگی کنیم (رومیان ۱۶:۱۲).

سلیقه‌ها و اولویت‌های شخصی

وقتی صحبت از دلایلی به میان می‌آید که چرا مسیحیان ترجیح می‌دهند مصاحبت و مشارکت جداگانه داشته باشند، این ممکن است سخت‌ترین راه حل باشد.

از یک‌سو، به ما امر شده است در محبت به یکدیگر خدمت کنیم (غلاطیان ۱۳:۵)، باید دیگران را مهم‌تر از خودمان بدانیم (فیلیپیان ۳:۲-۴) و نباید به دنبال فداکردن دیگران در پی خشنودی خودمان باشیم (رومیان ۱:۱۵)؛ از سوی دیگر، اصلا ایرادی ندارد ایمانداران همراه با کسانی پرستش کنند که از سبک موسیقی یا آیین‌های نیایشی و روش‌های فرهنگی مشابهی لذت می‌برند. فضاها و سبک‌های خاصی وجود دارند که با آنها احساس راحتی بیشتری داریم.

باید به خاطر داشته باشیم: اتحاد در مسیح مستلزم فرهنگ، سبک یا طرز بیان مشابه نیست. تنوع، هدیه‌ای زیبا از جانب خداوند است که طبیعت تثلیثی او را منعکس می‌کند. با این حال، وجه اشتراک ما با کلیساهای دیگر مهم‌تر از آن

چیزی است که در مورد ما منحصربه‌فرد است. روح برخی از ایمانداران توسط مراسم رسمی یک کلیسای مشایخی سنتی در بوستون برانگیخته می‌شود، برخی هم از پرستش روح‌انگیز یک کلیسای تعمیدی در زامبیا شادمان می‌گردند.



برایان حرف دِیو را قطع کرد: «بسیار خب، اما آیا انتخاب یک کلیسا بر اساس آنچه خودم می‌خواهم، خطر ندارد؟ این کار، نگرش خودخواهانه‌ای به نظر می‌رسد.»

دِیو حرف او را تایید کرد و چند ایده پیشنهاد داد:

۱. مراقب باشید حقیقت را فدای سلیقه‌های خودتان نکنید

دعا کنید خدا به شما کمک کند کلیسای صادق و وفاداری پیدا کنید که مانند خانهٔ خودتان در آن احساس راحتی داشته باشید. اما مراقب باشید حقیقت را به خاطر سلیقه‌های خودتان به خطر نیندازید. تعلیم وفادارانهٔ کتاب مقدس، همواره مهم‌ترین عامل کلیساست. متاسفانه بسیاری از کلیساها فرهنگ قوی یا تجربیات پویا را معرفی می‌کنند، اما تعلیم وفادارانهٔ کتاب مقدس را نادیده می‌گیرند. این معامله‌ای است که از عهدهٔ آن برنمی‌آیید.



من به عنوان یک ایماندار جوان در کلیسای کوچکی شرکت کردم. این گروه، سبک موسیقی خاصی دارند که روح مرا جلا می‌داد و سیراب می‌کرد. من آزادی روح‌نواز آن را رهایی‌بخش و آموزنده دیدم.

با وجود اینکه در درک کتاب مقدس رشد می‌کردم، اما متوجه شدم این

کلیسا فاقد تعلیم وفادارانه است. آنها به روش‌های عجیبی از کتاب مقدس استفاده می‌کردند و به همین دلیل به دنبال کلیساهای دیگری رفتم. در حال ناامیدی بودم که جایی را با تعلیم خوب پیدا کردم، اما پرستش موسیقیایی آنها وحشتناک بود.

پس ترغیب شدم به کلیساهای دیگری سر بزنم تا بهترین‌های هر دو مورد تعلیم و پرستش موسیقیایی را پیدا کنم. دوستی به من توصیه کرد کلیسایی پیدا کنم که در ایمان و وفاداری به کلام تعلیم دهد و خدمت کند. به عقب که برمی‌گردم، قدردان این توصیه هستم. خدا از آن استفاده کرد تا مرا از داشتن دید کمتری از کتاب مقدس حفاظت کند.

۲. مراقب باشید دیگران را فدای سلیقه‌های خودتان نکنید

کلیسا فقط برای رفع نیازها و تمایلات ما نیست. مسیحیان از کسی پیروی می‌کنند که نیامد تا خدمتش کنند، بلکه آمد تا خدمت کند (مرقس ۴۵:۱۰). بنابراین وقتی در جست‌وجوی کلیسا هستیم، باید از خدا بخواهیم به ما نشان دهد چگونه از ما برای برکت دیگران استفاده می‌کند. خدا اغلب از ما می‌خواهد در جاهایی خدمت کنیم که چندان راحت و آسان نیستند؛ پس باید با اشتیاق از او پیروی کنیم و در هر جایی که ما را فرا می‌خواند به دیگران برکت دهیم.

فراخوان خدمت بدان معنا نیست که نباید در پی خدمت شدن توسط شبان یا سایر اعضای کلیسا باشیم، بلکه بدان معناست که همیشه باید نگرش ما به خودمان به عنوان خدمتگزار باشد، نه صرفا یک مصرف‌کننده.



«هیچ کاری را از سَرِ جاه‌طلبی یا تکبّر نکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید. هیچ‌یک از شما تنها به فکر خود

نباشـد، بلکـه بـه دیگـران نیـز بیندیشـد. همان طـرز فکر را داشـته باشـید که مسیحْ عیسی داشت» (فیلیپیان ۲:۳-۵).

سلیقه‌ها بخش مهمی در یافتن کلیسا هستند، اما باید مراقب باشیم تصمیم خودخواهانه به قیمت فدا کردن حقیقت یا خدمت به دیگران تمام نشود.

STOP کدام سـلیقه‌های منطقی شما می‌توانند روی انتخاب کردن کلیسا تاثیـر بگذارنـد؟ چـه چیزهایـی باعـث می‌شـوند شـما وسوسـه شـوید بـه سـلیقه‌هایتان اجازه دهید تبدیل به عامل مهمی در تصمیم‌گیری شـما برای انتخاب کلیسا شوند؟

۳. جدایی‌های گناهکارانه

ایمانـداران حقیقی ممکن اسـت در دام نگرش‌های گناهکارانه‌ای بیفتند که منجر به جدایی‌ها یا شـکاف‌های گناهکارانه می‌شـوند. آنها اجازه می‌دهند اولویت‌هایشـان بـر همـه چیـز غالـب شـوند، آنهـا می‌توانند کینه و حسـادت بورزنـد و همـه چیـز را رهـا کننـد، آنهـا می‌تواننـد بـر سـر تصمیم‌هـای رهبری مشاجره کنند و این فهرست همچنان ادامه دارد.

متاسفانه نمونه‌های زیادی از این دست حتی در کتاب مقدس وجود دارند. روشن‌ترین نمونهٔ آن کلیسای قرنتس است. قرنتس شهری بود که به خاطر فیلسوفان و منحرفین جنسی معروف شده بود. کلیسا به‌شدت تحت تاثیر ارزش‌های مادی و دنیوی قرار داشت و همین موجب جدایی و تقسیم آن شد. علاقهٔ آنها به معلمان خاص، باعث تشکیل گروه‌های کوچک شده بود.

«ای برادران، به نام خداوند ما عیسی مسیح از شما تمنا دارم که با هم توافق داشته باشید و در میان شما تفرقه نباشد، بلکه در اندیشه و رأی با هم متحد باشید. زیرا ای برادرانِ من، اهل خانهٔ خْلوئه به من خبر داده‌اند که در میان شما جدالهاست. مقصود اینکه یکی از شما می‌گوید، "من به پولس تعلق دارم"؛ دیگری می‌گوید، "من متعلق به آپولس هستم"؛ یکی می‌گوید، "من به کیفا تعلق دارم"؛ و دیگری، که "من از آنِ مسیح هستم"» (اول قرنتیان ۱:۱۰-۱۲).

ایمانداران باید علاقه و محبت مناسبی نسبت به شبانان و سایر رهبران داشته باشند. اما در کلیسای قرنتس همه چیز از کنترل خارج شده بود. پولس می‌گوید آنها بر سر این مجادله می‌کردند که کدام معلم، بهترین است. به جای قدردانی و شکرگزاری از عطایایی که خدا به معلمان داده بود، آنها را به بت تبدیل کرده و گروه و دسته راه انداخته بودند. همین باعث ایجاد فرهنگ مقایسه و پرستش شخصیت‌ها می‌شود.

این نوع جدایی، گناه است. وقتی ایمانداران اجازه می‌دهند محبت و گرایش به معلمان، گروه‌ها، فرقه‌ها یا شخصیت‌های خاص، از حد خارج شود؛ پس قطعا می‌توانند انتخابی گناه‌آمیز داشته باشند تا کلیساهای دیگر را تحقیر کنند و یا راهشان را از سایر کلیساها جدا کنند.

STOP اگر شایعه و شکایت در میان برخی از اعضا شدت گیرد، چه تاثیری بر کلیسا خواهد داشت؟ نبخشیدن چه تاثیری روی کلیسا می‌گذارد؟ در مورد اختلافات مالی چطور؟ چه گناهان دیگری به کلیسا آسیب وارد می‌کنند و منجر به جدایی و تقسیم آن می‌شوند؟ اگر بشنوید کسی در مورد سایر کلیساها شایعه‌پراکنی می‌کند، چه کاری می‌توانید انجام دهید؟

چگونه آن خواهر یا برادر را تشویق می‌کنید طرز فکر خود را تغییر دهد؟



برایان نشست و چشم به سقف دوخت: «ای کاش کلیساها می‌توانستند با هم پرستش کنند. خدا هم همین را می‌خواهد، مگر نه؟» دِیو کتاب مقدس خود را برداشت و به انتهای آن اشاره کرد. سپس گفت: «چه احساسات خوبی داری! خدا واقعا می‌خواهد قومش با هم پرستش کنند، زمانی که عیسی بازگردد، با هم پرستش خواهیم کرد.»

در مکاشفه ۹:۷-۱۰ خدا به یوحنای رسول رؤیایی از یک کلیسا در آینده را داد. به این توصیف او گوش فرا دهید:

> «پس از آن نظر کردم و اینک جماعتی عظیم از هر ملت و طایفه و قوم و زبان پیش روی خود دیدم که هیچ‌کس آنان را نمی‌توانست شماره کند. همه پیش تخت و در پیشگاه بره ایستاده بودند. همگان ردای سفید بر تن داشتند و شاخهٔ نخل به دست. آنان به بانگ بلند ندا در دادند که: "نجات از آن خدای ماست، که بر تخت نشسته؛ و از آنِ بره است."»

این مانند یک عکس فوری از وحدتی است که کلیسای خدا در ابدیت خواهد دید. روزی خواهد رسید که دیگر هیچ جدایی و فرقه‌ای وجود نخواهد داشت. تمام ایمانداران همه چیز را آشکارا خواهند دید و دیگر نیازی به ایمان نیست، زیرا با عیسی خواهیم بود.

این روز شگفت‌انگیز خواهد بود، اما هنوز نیامده است. بنابراین امروز باید «بکوشید تا یگانگی که از روح است را به مدد رشتهٔ صلح حفظ کنید.» در کل، وحدت اتفاق نخواهد افتاد، زیرا تمایلات گناه‌آلود ما و حملات شیطان، مدام علیه آن در کار هستند. اما ما می‌دانیم عیسی مشتاقانه خواهان وحدت

کلیسای خویش است تا بر جلال او شهادت دهد؛ پس باید عاجزانه دست به دامان او شویم.

STOP چند راه وجود دارد که می‌توانید برای اتحاد با کلیساهای دیگر کار و دعا کنید؟

در اینجا چند مورد را بیان می‌کنیم:

۱. از خدا بخواهید شما را نسبت به سایر کلیساها فروتن کند
همگی ما خودمان را در آینه‌ای تار و کدر نگاه می‌کنیم (اول قرنتیان ۱۲:۱۳). هیچ فرقه یا گروه مسیحی نیست که در مورد تفسیر یا کاربرد کتاب مقدس کاملا حق داشته باشد. ما باید بپذیریم که نقاط کوری در اختلاف نظرهای خود داریم. موضوع کوری معنوی بهانه به ما نمی‌دهد که در درک کلام خدا اهمال کنیم. در عوض باید نوعی فروتنی و افتادگی نسبت به دیگران در ما ایجاد کند. فقط به این خاطر که کسی در گروه کلیسایی شما نیست، دلیل نمی‌شود که در خداوند هم نباشد (لوقا ۴۹:۹-۵۰).

۲. از خدا بخواهید به شما کمک کند از کلیساهای دیگر هم حرف بزنید و خیرخواه آنها باشید
مراقب باشید با انتقاد و شکایت، به عروس عیسی بی‌حرمتی نکنید. قطعا او یک عروس ناکامل و دارای نقص است، اما هنگام صحبت دربارهٔ کلیسای خود یا دیگران، مراقب باشید به شهرت آنها خدشه‌ای وارد نکنید. به یاد داشته باشید عیسی کلیسای خود را دوست دارد و ما نیز باید بکوشیم او را محبت کنیم. با خیرخواهی درب‌های گفت‌وگو را باز کرده و خدا را جلال

خواهید داد. این کار، همچنین از قلب‌های اعضای کلیسای خودتان و غیرایمانداران در برابر تفکر بیمارگونهٔ سایرین نسبت به مسیحیان، محافظت خواهد کرد.

STOP فکر می‌کنید چرا ایمانداران برای اینکه به نیکی از سایر ایمانداران یاد کنند، دچار چالش هستند؟ خدا چگونه از کلام مهربانانه و دلگرم‌کنندهٔ شما در مورد سایر کلیساها برای جلال خویش استفاده می‌کند؟

۳. برای سایر کلیساها دعا کنید

ما همیشه باید برای کلیسای خودمان دعا کنیم. اما می‌توانیم با دعا برای سایر کلیساها در پرورش روح وحدت بکوشیم. چه شخصی، چه در گروه‌های کوچک، چه از محراب این کار را انجام دهید؛ دعا برای سایر کلیساها خدا را جلال می‌دهد.

نمونه‌هایی در اینجا ذکر کرده‌ایم که برای شروع به شما کمک می‌کنند:

خدایا، به آنها برکت بده تا تو را بشناسند و تو را با تمام وجود محبت کنند.

خدایا، به آنها کمک کن از گناه بیزار شوند و عاشق تقدس باشند.

خدایا از وحدت آنها محافظت بفرما تا بتوانند نام تو را بیشتر جلال دهند.

خدایا، جانی تازه به آنها ببخش، از آنها استفاده کن، آنها را رشد بده، به آنها کمک کن شاهد نوکیشی و تبدیل باشند.

خدایا از آنها در برابر شریر محافظت کن و به آنها کمک کن به محافظت تو پی ببرند.

در اصل هر آنچه دوست دارید دیگران برایتان دعا کنند را برای کلیساهای

محلی دعا کنید. با گذشت زمان، قلب‌های ایمانداران تغییر می‌کنند و اتحادی را به نمایش می‌گذارند که عیسی برایش دعا کرده بود.

۴. راه‌هایی را برای همکاری در پادشاهی جست‌وجو کنید

گرچه هر کلیسایی باید به آنچه خدا فرا خوانده است وفادار باشد، اما همکاری اغلب کاری عاقلانه است. کلیساها می‌توانند همکاری کرده و مُبلّغانی را به جاهای دیگر بفرستند و یا پناهگاه‌های انجیل‌محور برای بی‌خانمان‌ها فراهم سازند. فرصت همکاری فراوان است. گرچه این می‌تواند بسیار چالش‌برانگیز باشد، چون کلیساها اعتقادات مختلفی دارند؛ اما ما را تشویق می‌کند تا از یکدیگر بیاموزیم و اتحاد مسیح‌محور را به نمایش بگذاریم.

من شبان کلیسای تعمیدی در خارج از واشنگتن دی. سی هستم. اغلب این ساختار را با یک کلیسای مشایخی به اشتراک می‌گذارم؛ با آنکه کلیساهای ما دربارهٔ غسل تعمید، رهبری کلیسا و چند مورد دیگر اختلاف نظر دارند، اما بیشتر از اختلاف نظر، با هم توافق نظر داریم. کلیساهای ما به گرمی به هم محبت می‌کنند و در این دوران، طوری با هم مشارکت دارند که خدا را جلال دهند و کلیساها را تشویق کنند و به دنیا ثابت کنند عیسی پسر خداست. ما اغلب از همسایگان غیرایماندار نظراتی می‌گیریم که وحدت ما را منحصربه‌فرد و متقاعدکننده می‌بینند.

برایان پس از آنکه به اهداف خدا در تفاوت‌هایمان پی برد، از تنوع کلیساهای پیرامونش بسیار دلگرم و امیدوار شد. او متوجه شد همیشه کشمکش‌ها و سوءبرداشت‌هایی وجود دارند، اما قدرتی که برای نمایش انجیل وجود دارد به او دلیلی داد تا برای اتحاد با سایر ایمانداران بکوشد.



«ای برادران، به نام خداوند ما عیسی مسیح از شما تمنا دارم که با هم توافق داشته باشید و در میان شما تفرقه نباشد، بلکه در اندیشه و رأی با هم متحد باشید. زیرا ای برادرانِ من، اهل خانهٔ خْلوئه به من خبر داده‌اند که در میان شما جدالهاست. مقصود اینکه یکی از شما می‌گوید، "من به پولس تعلق دارم"؛ دیگری می‌گوید، "من متعلق به آپولس هستم"؛ یکی می‌گوید، "من به کیفا تعلق دارم"؛ و دیگری، که "من از آنِ مسیح هستم"» (اول قرنتیان ۱:۱۰-۱۲).



تفاوت‌ها، فرصت‌هایی برای کلیسا ایجاد می‌کنند تا وحدت حقیقی را به دنیا نشان دهند. در روزگاری که اختلاف نظر را کینه و دشمنی می‌پندارند، ایمانداران فرصت دارند محبت فروتنانه، خیرخواهانه و همکاری با پادشاهی خدا را از خود نشان دهند. این فرصت مستلزم صرف انرژی، تلاش، دعا، آموزش، اعتراف و توبه است، اما ارزشش را دارد.



نکته چیست؟

تعمید و شام خداوند،

نشان‌دهندهٔ اتحاد ما با عیسی است.



۵

غسل تعمید و شام خداوند



دِیو و اَشلی اغلب بعد از کلیسا تعدادی را برای صرف میان‌وعده دعوت می‌کردند. طی این دیدارها، برایان تعجب می‌کرد که خدا چقدر زندگی‌اش را تغییر داده است. نه تنها احساس می‌کرد به خدا نزدیک شده است، بلکه اعضای کلیسا نیز برایش مهم شده بودند.

پس از دو ماه شرکت در کلیسا، دِیو از برایان پرسید نظرش چیست که تعمید بگیرد و از اعضای کلیسا شود. برایان از دِیو خواست کمی بیشتر برایش توضیح دهد. دِیو کتاب مقدس خود را برداشت و گفت: «بیا با این شروع کنیم که غسل تعمید و شام خداوند چیست. بعد دربارهٔ عضویت در کلیسا صحبت کنیم.» برنامهٔ خوبی به نظر می‌رسید.

در این فصل به غسل تعمید و شام خداوند می‌پردازیم.

STOP به نظر شما تعمید و شام خداوند چیست؟ چه چیزی ایمانداران را

ترغیب می‌کند تعمید بگیرند و شام خداوند را به جا آورند؟ عیسی تعمید و شام خداوند را به عنوان یک حکم به اعضای کلیسایش داد. همان‌طور که قبلاً گفتیم، گاهی این دو را آیین‌های مقدس (راز مقدس) می‌نامند که به عنوان بخشی از پرستش انجام می‌شوند. یک «آیین» چیزی است که صاحب قدرت و اختیار به آن فرمان یا دستور می‌دهد؛ در این مورد خداست که فرمان می‌دهد. آیین‌های مقدس، توسط خدا برای معنایی خاص، جدا شده‌اند. از هر واژه‌ای می‌توان استفاده کرد. اما من ترجیح می‌دهم از کلمهٔ «حکم» استفاده کنم، زیرا از این سردرگمی که این عناصر می‌توانند قدرت نجات‌بخش داشته باشند، جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر:

انجیل، اعلام می‌دارد ما فقط از طریق ایمان به عیسای مسیح نجات می‌یابیم.

خدا با مهربانی خویش این دو را امر کرده است تا خبر خوش انجیل کاملا به‌روشنی نشان داده شود.



در روز عروسی ما، من و همسرم جلوی جمعی از خانواده و دوستانمان ایستادیم و برای هم سوگند خوردیم. این سوگند نبود که ازدواج ما را ساخت، بلکه آن فقط راهی برای اعلان عمومی سوگند ما بود که به هم قول دادیم تا آخر عمر نسبت به هم وفادار بمانیم و یکدیگر را دوست داشته باشیم. حتی امروز هم سوگندهای ما یادآور همان تعهدی هستند که به هم دادیم و در مقابل دیگران مسئولیت یکدیگر را پذیرفتیم.

غسل تعمید و شام خداوند در کلیسا نیز به همین شکل عمل می‌کنند. ایماندار از طریق غسل تعمید به صورت علنی وفاداری خود به عیسی و قومش را اعلام می‌کند. ما از طریق شام خداوند، عهد وفاداری خود را با یادآوری مرگ، رستاخیز و بازگشت زودهنگام عیسی دوباره تجدید می‌کنیم.

پیش از صحبت مفصل دربارهٔ غسل تعمید و شام خداوند، باید به چند پرسش اساسی در مورد احکام پاسخ دهیم.

چه کسی ایدهٔ احکام را ایجاد کرد؟

عیسی غسل تعمید و شام خداوند را بنا نهاد. آنها صرفا مراسم مذهبی نیستند که مسیحیان در سر می‌پرورانند، بلکه نمادهای الهی می‌باشند که به کلیسا و دنیای ناظر، خدمت می‌کنند.

عیسی این احکام را به چه کسانی داد؟

عیسی به کلیسای خود حکم داد. در متی ۱۸:۱۶-۱۹؛ ۱۸:۱۸-۲۰ عیسی کلیدهای اقتدار خود را به کلیسا سپرد تا به خاطر او سخن گوید و عمل کند. این بدان معنا نیست که کلیسا مردم را نجات می‌دهد، اما آنها صلاحیت نمایندگی عیسی را دارند.

عملا این احکام به چه معنا هستند؟

بدان معناست که کلیساهای محلی با اطمینان می‌توانند بگویند، اگر شخصی توبه کند و به عیسی ایمان آورد، گناهانش بخشیده خواهند شد. پس وقتی کسی نزد مسیح می‌آید کلیسا او را تعمید می‌دهد، زیرا فقط کلیسا اقتدار و اختیار اجرای این احکام را به عنوان نشانه‌ای برای نوایمانان دارد. به همین ترتیب اقتدار برگزاری شام خداوند نیز فقط به کلیسا داده شده است. وقتی کلیساها تعمید و شام خداوند را اجرا می‌کنند؛ به مشخص شدن مرز میان کسانی که در جایگاه درست هستند و کسانی که نیستند، کمک می‌کنند.

من طرفدار سرسخت فوتبال هستم. من هوادار تیم مینه سوتا وایکینگ هستم که دائما ناموفق عمل می‌کنند و برادر همسرم هوادار نیویورک جتز است (که حتی از آن هم بدتر است). چند سال پیش این دو تیم در نیویورک مقابل هم قرار گرفتند. وقتی با پیراهن وایکینگ‌ها وارد استادیوم شدم، نگاه‌ها به من خیره شد و خلاقانه‌ترین فحش‌ها نثارم گردید. گروهی از هواداران وایکینگ‌ها غوغا و اغتشاش کردند و پلیس سعی داشت مداخله کند.

پیراهن‌هایمان ما را متمایز می‌کردند. اتحاد ما برای همه روشن بود. غسل تعمید و شام خداوند نیز چنین هستند. این دو حکم به‌روشنی مشخص می‌کنند که به عیسی تعلق داریم. آنها علنا می‌گویند: «هر که نزد مردم مرا اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را اقرار خواهم کرد؛ امّا هر که مرا نزد مردم انکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را انکار خواهم کرد» (متی ۱۰:۳۲-۳۳). از اینکه بدانند من با عیسی همراه هستم، شرمسار نمی‌شوم.

چرا عیسی حکم به تعمید و شام خداوند داد؟

خدا وعده می‌دهد که بسیار به قومش اهمیت خواهد داد. وقتی خدا این وعده‌ها را می‌دهد، نشانه‌ای مادی نیز به ما می‌دهد تا به یاد داشته باشیم با او هستیم.

خدا نشانهٔ رنگین‌کمان را به نوح،
نشانهٔ ختنه را به ابراهیم،
نشانهٔ سَبَّت را به موسی،
و نشانهٔ تخت را به داوود داد.

وقتی عیسی آمد همهٔ عهدهای قبلی را تحقق بخشید و عهدی جدید بنا نهاد (عبرانیان ۱۰:۱-۱۸). خدا در عهد جدید چه وعده‌ای می‌دهد؟ به این آیات توجه کنید:

«خداونـد می‌فرماید: "اینک روزهایی فرا می‌رسـد کـه من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه خواهم بست، نه مانند عهدی که با پدرانشـان بسـتم آن روز که دسـت ایشان را گرفتم تا از سرزمین مصر به در آورم،" زیرا خداوند می‌فرماید، "آنان عهد مرا شکسـتند، با آنکه من شوهرشـان بـودم." امـا خداونـد می‌گوید: "این اسـت عهدی کـه پس از آن ایـام با خاندان اسرائیل خواهم بست: شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشـت، و من خدای ایشـان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. دیگـر کسـی بـه همسـایه یـا بـه بـرادرش تعلیـم نخواهـد داد و نخواهـد گفت: "خداونـد را بشناسـید!" زیرا خداوند می‌گوید، همـه از خُرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، از آن رو که تقصیر ایشان را خواهم آمرزید و گناهشان را دیگر به یاد نخواهم آورد» (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴).

تحت عهد جدید:

ختنه امری است قلبی که به دست روح خدا انجام شده است (کولسیان ۲:۱۰-۱۲؛ رومیان ۲:۲۹).

«احکام خود را در دلهای ایشان خواهم نهاد» (عبرانیان ۱۰:۱۶).

از گناهانمان طاهر خواهیم شـد، به واسـطهٔ محبت خدا دلی تازه جایگزین دل‌های مردهٔ ما خواهد شد (ر.ک حزقیال ۳۶:۲۵-۲۶).

وقتی کسی به عیسی روی می‌آورد و دوباره متولد می‌شود، وارد عهد جدید می‌گردد. تعمید و شام خداوند همچون نشانه‌های این عهد هستند؛ این نشانه‌ها ما را وارد عهد نمی‌کنند، اما همچون تصویری از مرگ ما نسبت به گناه و رستاخیز همراه با مسیح و همچنین مشارکت همیشگی ما با او عمل می‌کنند.



این مبحث از قبل مشوق برایان شده بود. او بسیار شگفت‌زده بود که خدا گناهان او را می‌بخشد و وعده می‌دهد دیگر حرفی از گناهانش زده نمی‌شود. اما به نظرش تمام صحبت‌ها دربارهٔ عهدها کمی انتزاعی بودند؛ پس از دِیو خواست در مورد غسل تعمید بیشتر توضیح بدهد.

تعمید



«آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. پس بروید و همهٔ قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هرآنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم"» (متی ۲۸:۱۸-۲۰).

پیش از صعود عیسی به آسمان، او به شاگردانش دستور داد، تا وقتی که او بازگردد، از تمام قوم‌ها شاگرد بسازند (فصل نهم). وقتی کسی به واسطهٔ توبه از گناهان، و ایمان به مسیح شاگرد می‌شود، باید تعمید بگیرد؛ بنابراین تعمید برای مسیحیان و همچنین کلیساهای محلی فرمان محسوب می‌شود. عیسی به کلیسا فرمان داد از نوایمانان دعوت کنند تا اعتراف ایمان خود به عیسی را به گوش جهانیان برسانند. وقتی کسی در کلیسا نوایمانی را تعمید می‌دهد، او را به کل کلیسا معرفی می‌کند و می‌گوید: «ما کار نجات‌بخش خدا در زندگی تو را تصدیق می‌کنیم و به تو کمک خواهیم کرد از او پیروی کنی و از تو انتظار داریم در پیروی از او به ما کمک کنی.»

همان‌طور که دوستی می‌گفت: «تعمید، آشکار و عمومی کردن ایمان شماست.» این، راهی است که یک مسیحی جدید به کلیسا می‌گوید: «من با عیسی متحد شده‌ام.» همان‌طور که عیسی برای گناه من مرد، من برای گناه خود مرده‌ام و اکنون برای او زندگی خواهم کرد. به این ترتیب، غسل تعمید

به عنوان تصویری فیزیکی از واقعیتی روحانی عمل می‌کند و زمانی اتفاق می‌افتد که ما از طریق ایمان با عیسی متحد می‌شویم.



آیا می‌دانید خیارشور چطور شور می‌شود؟ اگر خیاری را در ترکیب آب، نمک و سرکه فرو ببرید، معجزه‌ای رخ می‌دهد. خیار، ویژگی‌های آب، نمک و سرکه را به خود می‌گیرد و شور می‌شود. خیار با این ترکیب پیوند می‌خورد و کاملا تغییر ماهیت می‌دهد.

این فرایند، به‌خوبی تعمید معنوی را نشان می‌دهد. غلاطیان ۲۷:۳ توضیح می‌دهد که ما از طریق ایمان با عیسی یکی می‌شویم: «چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید.» اتحاد ما با او، ما را از یک گناهکار که به مرگ معنوی دچار شده بود؛ به فرزند زندهٔ خدا تبدیل می‌کند. اکنون از گناهی می‌گریزیم که زمانی عاشق آن بودیم. رومیان ۶ این واقعیت را به‌زیبایی شرح می‌دهد.



«پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان‌گونه که مسیح به وسیلهٔ جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم. پس اگر در مرگی همچون مرگ او، با وی یگانه شده‌ایم، به‌یقین در رستاخیزی همچون رستاخیز او نیز با او یگانه خواهیم بود» (رومیان ۶:۴-۵).

این بخش به ما «حکایت پشت پرده» را نشان می‌دهد. وقتی کسی به واسطهٔ ایمان با عیسی متحد می‌شود، هر چیزی که در مورد عیسی صادق است، در مورد او نیز صدق می‌کند. مرگ عیسی به معنای مرگ او نسبت به گناه

است. رستاخیز عیسی به معنی زندگی جاودانهٔ او می‌شود. اتحاد با عیسی تا ابد زندگی او را تغییر می‌دهد.

به عبارت ساده‌تر، تعمید آب، تصویری از تعمید معنوی است که نه تنها ما را با عیسی یکی می‌کند، بلکه ما را با بدن او یعنی کلیسا متحد می‌سازد. اول قرنتیان ۱۳:۱۲ می‌گوید: «زیرا همهٔ ما، چه یهود و چه یونانی، چه غلام و چه آزاد، در یک روح تعمید یافتیم تا یک بدن را تشکیل دهیم؛ همهٔ ما از یک روح نوشانیده شدیم.»



پس دِیو به برایان گفت: «اگر قرار بود تعمید داده شوی، به کلیسا و دنیا می‌گفتی که اینک از عیسی پیروی می‌کنی، و متعهد می‌شدی که به ما کمک کنی تا از عیسی پیروی کنیم و ما نیز متعهد می‌شدیم که به تو کمک کنیم تا از عیسی پیروی کنی.»

برایان باور داشت دِیو کاملا حقیقت را می‌گوید و گفت دوست دارد به همه بگوید عیسی زندگی‌اش را تغییر داده است. پس از گفت‌وگویی کوتاه، برایان پرسش‌هایی که باقی مانده بود را پرسید.

کجا باید تعمید بگیرم؟

محل تعمید به اندازهٔ کسی که ناظر بر تعمید است، چندان اهمیتی ندارد. تعمید باید در زمان و مکانی انجام شود که تمام کلیسا گرد هم آمده باشند. پس یک سالن مخصوص تعمید، در استخر حیاط پشتی، در رودخانه، حتی دریا، همگی مناسب هستند. آنچه مهم است، دعوت اعضای کلیسا به شرکت در این مراسم است.

چه کسی باید تعمید دهد؟

کتاب مقدس این را مشخص نکرده است. برخی از کلیساها با استناد به کاهن بودن همهٔ ایمانداران، به همه اجازه می‌دهند غسل تعمید را به جا بیاورند (اول پطرس ۲:۴-۹)؛ اما بعضی دیگر ترجیح می‌دهند مشایخ یا شبانان به عنوان نمایندهٔ کل کلیسا این کار را انجام دهند. مادامی که تعمید شما بر اساس انجیل حقیقی عیسی انجام می‌شود، هدف خود را که نشان دادن اتحاد شما با او است، محقق خواهد کرد.

آیا روش درستی برای تعمید وجود دارد؟

واژهٔ تعمید به طور تحت‌اللفظی به معنای «فرو بردن یا غوطه‌ور شدن» است. در رومیان ۶ مفهوم مردن و برخاستن از آن استنباط می‌شود و هر زمان در عهد جدید از تعمید سخن گفته می‌شود، در واقع کسانی را توصیف می‌کند که به درون آب می‌روند و از آن بیرون می‌آیند (مرقس ۱:۱۰؛ اعمال ۸:۳۸).

این عوامل ما را به این باور می‌رسانند که «فرو رفتن» در آب، روش درستی برای تعمید گرفتن است.

برخی از کلیساها برای به تصویر کشیدن ریخته شدن روح‌القدس، آب می‌ریزند (اعمال ۲:۱۷ و ۳۳؛ ۱۰:۴۵-۴۸). در حالی که برخی دیگر برای نماد پاشیده شدن خون مسیح برای پاک کردن گناهان ما، آب می‌پاشند (عبرانیان ۹:۱۹-۲۲؛ ۱۰:۲۲؛ ۱۲:۲۴؛ اول پطرس ۱:۲). گرچه کلیسای ما هیچ یک از این روش‌ها را به کار نمی‌گیرد، اما آنها، برای ایمانداران حقیقی قابل قبول هستند.

آیا غسل تعمید، شما را از گناهانتان نجات می‌دهد؟

تعمید با آب هیچ کس را نجات نمی‌دهد؛ اتحاد با عیسی است که شما

را از گناه نجات می‌دهد. در اول پطرس ۲۱:۳ پطرس رسول می‌گوید: «و آن آبْ نمونهٔ تعمیدی است که اکنون نیز شما را نجات می‌بخشد، تعمیدی که نه زدودنِ آلودگی تن، بلکه تعهدِ وجدانی پاک است به خدا. این تعمید به واسطهٔ رستاخیز عیسی مسیح شما را نجات می‌بخشد.» پطرس توضیح می‌دهد که شست‌وشوی ظاهری با آب، هیچ تاثیری در جایگاه فرد نزد خدا ندارد، بلکه آنچه شما را نجات می‌دهد درخواست از خداست؛ به این معنا که به عیسای مسیحِ رستاخیزکرده، ایمان دارید تا گناهان شما را ببخشد.

آیا نوزادانتان باید تعمید بگیرند؟

در برخی از سنت‌های مسیحیان، پاشیدن، ریختن یا حتی فرو بردن نوزادان در آب، برای آن است که نشان دهند کودکانشان مطابق با انجیل پرورش خواهند یافت. با اینکه این هدف خوبی است، اما پُر واضح است عیسی به کلیسا فرمان داد شاگردان تعمید بگیرند، نه کسانی که احتمالا در آینده شاگرد می‌شوند (متی ۱۹:۲۸).

تعمید برای کسانی است که دلشان خننه شده است (کولسیان ۱۰:۲-۱۲)؛ کسانی که توبه کرده و به مسیح ایمان آورده‌اند (اعمال ۳۸:۲).

از آنجایی که نوزادان نمی‌توانند آگاهانه به مسیح اعتماد کنند، کلیساهای تعمیدی معتقدند نباید نشانهٔ عهد جدید به آنها داده شود. اگر وقتی نوزاد بودید، تعمید گرفته‌اید؛ پس شما را تشویق می‌کنم به عنوان یک ایماندار، دوباره تعمید بگیرید. این تعمیدی دوباره نیست، بلکه تعمیدی حقیقی است. از طرف دیگر، کلیساهای مشایخی نوزادان را تعمید می‌دهند، چون بر این باورند که وعدهٔ عهد جدید تا فرزندان والدین مسیحی ادامه می‌یابد و این نشانه به‌درستی برای آنها به کار می‌رود. بنابراین وقتی کودکی را تعمید می‌دهند، نیازی نیست زمانی که به مسیح ایمان می‌آورد، دوباره تعمید داده شود.

آیا می‌توانم از مردم بخواهم بیایند و تعمید مرا ببینند؟
بله! تعمید فرصتی عالی برای دعوت از دوستان، خانواده و همکاران غیرایماندار است تا بشنوند عیسی چگونه زندگی شما را تغییر داده است و همچنین می‌تواند زندگی آنها را تغییر دهد.

STOP آیا در این مطالعه و تحقیق، چیزی دربارهٔ تعمید آموختید؟ اگر بله، چه چیزی در آن برایتان برجسته‌تر بود؟ فکر می‌کنید چرا تعمید گرفتن در یک کلیسای محلی برای ایماندار مهم است؟



پس از گفت‌وگو با دِیو، برایان آمادگی داشت تعمید بگیرد. اما هنوز در مورد شام خداوند پرسش‌هایی داشت. دِیو او را تشویق کرد مدتی صبر کند. اما برایان مشتاق بود در این شام به کلیسا ملحق شود و می‌خواست بیشتر بداند.

شام خداوند



«زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که بازآید» (اول قرنتیان ۲۶:۱۱).

شبی که به عیسی خیانت شد، او شام عید پسح را با شاگردانش خورد (لوقا ۱۴:۲۲-۲۳). این خوراک یادآور رهایی قوم اسرائیل از بردگی در مصر بود که یک برّهٔ بی‌عیب و سالم، قربانی و خون آن برّه بر سر درِ خانه‌ها مالیده شد. خدا وعده داد هر کس به واسطهٔ ایمان، زیر خون این برّه پناه بگیرد از داوری روز آخر در امان خواهد بود. خدا به وعده‌اش عمل می‌کند. کسانی که اطاعت نمی‌کنند، خواهند مرد و کسانی که اطاعت کنند، مورد رحمت

خدا قرار خواهند گرفت. پس از عید پسح، خدا به طور معجزه‌آسایی اسرائیل را از دریای سرخ عبور داد و به سرزمین موعود رساند. شاگردان عیسی متوجه نشدند که مرگ در رستاخیز زودهنگام او، درست به عنوان یک پسح بزرگ‌تر، آنها را از گناه خارج می‌کند (اول قرنتیان ۷:۵). وقتی که آنها نشسته بودند، عیسی نان را گرفت، برای آن شکر کرد، آن را پاره نمود و به شاگردان داد و گفت: «این بدن من است که برای شما داده می‌شود؛ این را به یاد من به جا آرید» (لوقا ۱۹:۲۲). بعد از آن، او جام شراب را گرفت و گفت: «این جام، عهد جدید است در خون من، که به خاطر شما ریخته می‌شود» (لوقا ۲۰:۲۲).

وقتی این کارها را انجام داد، آیینی را پایه‌گذاری کرد، که کلیسای او تا زمان بازگشتش و جشن همیشگی ما با او، آن را برگزار خواهد کرد (لوقا ۱۸:۲۲؛ اشعیا ۲۵). امروز، وقتی که کلیسا جمع می‌شود و در این آیین شریک است، مرگ خداوند را تا آمدن او اعلام می‌کند (اول قرنتیان ۲۶:۱۱).



من روز عروسی، حلقه‌ای را به دست می‌کنم که همسرم به من داده است. پس از آنکه هر دو سوگند خوردیم، حلقه‌ها را به عنوان نمادی از عشق با هم معاوضه می‌کنیم. خودِ این حلقه، ازدواج محسوب نمی‌شود؛ این حلقه، ازدواج مرا به وجود نمی‌آورد؛ اما نمادی از آن است. به همه اعلام می‌کند که: «این مرد به پیمان ازدواج با همسرش متعهد شده است.» به همین شکل، شام خداوند، رابطه‌ای بین ما و عیسی به وجود نمی‌آورد. اما نشانگر همدلی با اوست. نان و شراب دلالت بر این دارند که بدنش زخمی شد و خونش به خاطر بخشش گناهان ما ریخته شد (متی ۲۶:۲۶-۲۹).

صرفا خوردن نان و نوشیدن شراب به غیر از چند کالری انرژی، چیز دیگری

به ایماندار اضافه نمی‌کند. اما اگر با ایمان و مطابق کلام خدا باشد، حقیقت انجیل را نشان می‌دهد و به ما کمک می‌کند همدلی منحصربه‌فردی با عیسی داشته باشیم.

در واقع واژهٔ «مشارکت»[1] که اغلب اوقات برای توصیف شام خداوند به کار می‌رود، واژهٔ مناسبی است، چون در این خوراک، عهد خود را برای پیروی از عیسی و مشارکت با خداوند و با سایر ایمانداران، از طریق ایمان تجدید می‌کنیم (اول قرنتیان ۱۰:۱۶-۱۷؛ ۱۱:۱۷-۲۲).



وقتی دِیو شام خداوند را توضیح داد، برایان از اهمیت زیاد نماد و آیینی که عیسی برای کلیسایش به جا گذاشت، به هیجان آمده بود. سپس از دِیو پرسید، آیا می‌توانی به من کمک کنی تا بفهمم آیا صَرف این شام برای من خوب است یا نه؟ دِیو می‌توانست به برایان بگوید اگر مشارکت نکند و شام خداوند را به جا نیاورد، چه باری بر دوش اوست. اما سعی کرد بیشتر برایش توضیح دهد.

شام خداوند باید با خوش‌آمدگویی و هشدار به جا آورده شود. خداوند بر سر میز خود از گناهکاران استقبال می‌کند. عیسی در دوران خدمت خود و همچنین امروز، دوست گناهکاران بوده و هست (متی ۱۱:۱۹). کلیسا شام خداوند را برای افرادی که کامل هستند و اعمالشان درست است، انجام نمی‌دهد. این گناهکاران هستند که فهرست مهمانان را پر می‌کنند. در پرتو این موضوع، ما باید برای جلال خدا، همان‌طور که مسیح شما را پذیرفته است، یکدیگر را بپذیریم (رومیان ۱۵:۷).

با این وجود کلیسا وظیفهٔ محافظت از میز شام خداوند را بر عهده دارد. این کار برای جلال خدا و حفاظت از افراد انجام می‌شود. همان‌طور که خواهیم

1. communion

دید، نمادهای این خوراک به این موضوع مهم اشاره دارند که خدا، کسانی که آن را به شکلی ناشایست انجام می‌دهند، داوری خواهد کرد. به هشدار پولس در کلیسای قرنتیان توجه کنید:



«آنگاه که به عنوان کلیسا جمع می‌شوید، در میان شما جداییها روی می‌دهد... براستی برای خوردن شام خداوند نیست. زیرا هنگام صرف غذا، هر یک از شما بی‌آنکه منتظر دیگران باشد شام خودش را می‌خورد، به گونه‌ای که یکی گرسنه می‌ماند در حالی که دیگری مست می‌شود... یا اینکه کلیسای خدا را خوار می‌شمارید و اشخاص بی‌چیز را شرمسار می‌سازید؟ به شما چه بگویم؟ آیا برای این کار تحسینتان کنم؟ به هیچ روی تحسینتان نخواهم کرد... پس هر که به شیوه‌ای ناشایسته نان را بخورد و از جام خداوند بنوشد، مجرم نسبت به بدن و خون خداوند خواهد بود. امّا هر کس پیش از آنکه از نان بخورد و از جام بنوشد، خود را بیازماید. زیرا هر که بدون تشخیصِ بدن بخورد و بنوشد، در واقع محکومیت خود را خورده و نوشیده است. از همین روست که بسیاری از شما ضعیف و بیمارند و شماری هم خفته‌اند» (اول قرنتیان ۱۱:۱۸-۳۰).

برخی در این کلیسا، طوری سر میز شام حاضر شده بودند که به مجازات شدید آنها منجر گردیده بود. مردم در حالی که به گناهانشان چسبیده بودند، سر میز حاضر می‌شدند. این کار به نوعی سوءاستفاده از نام خدا بود و همین منجر به داوری آنها می‌شد. وقتی در کتب مقدس جست‌وجو کنیم، چهار دلیل می‌یابیم که چرا کسی باید از صرف شام خداوند خودداری کند، مبادا نام خدا را بیهوده ببرد:

۱. **کسی که تغییر نیافته:** عدم ایمان به عیسی و شرکت در شام خداوند،

باعث تمسخر و استهزای خون و بدن عیسی می‌شود که در عناصر شام خداوند، نمایان شده‌اند.

۲. **کسی که توبه نکرده:** کسانی که ایمان به مسیح را اقرار نموده‌اند، ولی در گناهی توبه‌نشده زندگی می‌کنند. این باعث استهزای مسیح می‌شود که تمام وجودش را برای ما داد.

۳. **کسی که متعهد نشده:** عیسی آشکارا خونش را داد تا ما را با خودش متحد سازد و ما باید آشکارا تعمید بگیریم و با سایر ایمانداران در صرف این شام خداوند شرکت کنیم. این دلیل در میان ایمانداران، محل اختلاف است؛ هرچند مطابق با کتاب مقدس و تاریخ کلیسا به نظر می‌رسد که هر کسی باید پیش از شرکت در شام خداوند تعمید بگیرد.

۴. **کسی که مجاز نیست:** در بیشتر موارد هر ایماندار معترف، که تحت انضباط کلیسایی است باید ابتدا با آن کلیسا آشتی داده شود.

در کلیسای ما به کسانی که در این چهار دسته قرار می‌گیرند، خوش‌آمد می‌گوییم تا به خانه‌های ما بیایند، در وعدهٔ غذایی شریک شوند و در مورد اینکه چگونه می‌توانیم به آنها در پیروی از عیسی کمک کنیم، صحبت نماییم. اما در طول برگزاری مراسم شام خداوند، از آنها می‌خواهیم که در مورد گناهانشان بیندیشند و در حالی که بقیهٔ ما در مراسم شرکت می‌کنیم، در پی توبه و آشتی با خدا باشند.

شاید کار خشنی به نظر برسد، اما عیسی از این احکام استفاده می‌کند تا حد و مرزی برای انعکاس کلامش تعیین کند. «هر که با من نیست، بر ضد من است» (متی ۱۲:۳۰).



یک روز یکشنبه بانوی جوانی به نام آدی به کلیسای ما آمد. یک دوست دربارهٔ خدا با او صحبت کرده بود و او را تشویق کرده بود به

کلیسا برود. اواخر خدمت آن روز بود و کلیسا داشت شام خداوند را برگزار می‌کرد. پیش از آنکه نان و شراب تقسیم شوند، شبان توضیح داد چه کسانی باید سهیم باشند و چه کسانی نباید. او بعدها تعریف کرد همان شبی که نان و شراب از کنارش گذشتند، مفهوم خبر خوش را، که هم از دوستش و هم طی آن مراسم شنیده بود، درک کرد. او به طور واضح دید که دوستی او با خدا مختل شده و خارج از قوم خدا بود. همان جا فهمید دوست دارد عیسی او را وارد کلیسا کند.



برایان تردید نداشت که می‌خواست غسل تعمید بگیرد. می‌خواست با سایر اعضای کلیسای خودش در شام خداوند سهیم شود. او می‌دانست کامل نیست؛ با این حال این را هم می‌دانست عیسی به جای او کامل بوده است. اما درست مانند موضوع تعمید، در مورد شام خداوند نیز پرسش‌هایی داشت.

کلیسا چند وقت یک‌بار شام خداوند را برگزار می‌کند؟

کلیساها مجازند بر اساس اعتقادات خودشان در این مورد تصمیم بگیرند. عیسی وقتی این احکام را داد (اول قرنتیان ۲۶:۱۱)، نگفت چند بار و چند وقت یک‌بار انجام شوند. گرچه این موضوع آزاد و اختیاری است، اما کلیساهایی که کمتر از ماهی یک‌بار آن را به جا می‌آورند، باید به این فکر کنند که چرا تصمیم به چنین برنامه‌ای گرفته‌اند؛ در حالی که جزء منظم و روزمرهٔ حیات کلیسا بوده است (اعمال ۴۲:۲-۴۷).

چرا از نان و شراب استفاده می‌کنیم؟

اینها چیزهایی بودند که با شاگردانش تقسیم کرد. کلیسا در مورد نوع نان و شراب آزاد است.

آیا مسیحیان باید شام خداوند را در جایی به غیر از کلیسای محلی برگزار کنند؟
برخی ایمانداران ترجیح می‌دهند شام خداوند را در خانه به همراه خانواده، در کمپینگ در گروه‌های کوچک و یا در عروسی برگزار کنند (مانند کاری که من و همسرم انجام دادیم). با این وجود شام خداوند، برای تک‌تک مسیحیان به صورت جداگانه داده نمی‌شود تا هر کجا که می‌خواهند ببرند و لحظهٔ خاصی را با عیسی داشته باشند. شام خداوند یک خوراک خانوادگی است که به کل کلیسا داده می‌شود تا با هم در آن شریک شوند، و همزمان یکدیگر را نسبت به ایمانشان مسئول نگه می‌دارند (اول قرنتیان ۱۰:۱۶-۱۷).

«در او ختنه نیز شده‌اید، به ختنه‌ای که با دست انجام نشده است. این ختنه همانا از تن به در آوردنِ شخصیت نفسانی است در ختنهٔ مسیح. و در تعمید، با او مدفون گشتید و با ایمان به قدرت خدا که مسیح را از مردگان برخیزانید، با او برخیزانیده شدید» (کولسیان ۲:۱۱-۱۲).
«زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که بازآید» (اول قرنتیان ۱۱:۲۶).

همان‌طور که دیدیم، غسل تعمید صرفا یک استخر غواصی مذهبی نیست. شام خداوند صرفا پیش‌غذا نیست. عیسی این نمادهای مقدس را به ما داد تا قومش را به عنوان یک کلیسای محلی به همه معرفی کند. آنها همچون نشانه‌های هوشیارکننده‌ای از جشن عمل می‌کنند که ما را به سوی عیسی سوق می‌دهند؛ او که مرد، قیام کرد و اکنون به واسطهٔ روح خود با قومش رابطه برقرار می‌کند.





نکته چیست؟

عضویت در کلیسا،

محبتی بر مبنای تعهد است.



۶

عضویت در کلیسا



کلیسا برای برایان گیج‌کننده بود، اما نه از جنبهٔ منفی. هر بار که یکشنبه‌ها صبح با سایرین در کلیسا جمع می‌شد، از محبت آنها به هم حیرت‌زده می‌گردید. ظاهرا نقاط مشترک زیادی نداشتند، اما محبت آنها به عیسی کاملا مشهود بود.

برایان در گفت‌وگوهایش با دِیو شرح می‌داد که خدا چگونه محبت او به این مردم را زیاد کرده است، محبتی که هرگز به جز با مسیح تجربه نکرده بود. او بعضی از اولین گفت‌وگوهایش در مورد خانواده بودن کلیسا را به یاد می‌آورد و در نهایت احساس می‌کرد دیگر معنا و مفهوم آن را کاملا درک می‌کند.

دِیو فکر می‌کرد اکنون زمان مناسبی است تا بین تمایل برایان به تعمید و شرکت در شام خداوند و مفهوم عضویت در کلیسا ارتباط برقرار کند. عضویت در کلیسا چیزی نبود که برایان قبلا چندان به آن فکر کرده باشد، اما اکنون آماده بود تا آن را یاد بگیرد.

STOP فکر می‌کنید چرا باید عضو کلیسای محلی شد؟ عضویت در کلیسا چه تفاوتی با عضویت در باشگاه شهر یا فروشگاه تخصصی دارد؟ یک فرد ممکن است به چه دلیلی عضو کلیسا نشود؟

امروزه تعهد، همچون یک گونهٔ در حال انقراض است. ما دوست داریم انتخاب آزاد داشته باشیم و آزادی انتخاب خودمان را حفظ کنیم. اما خدا از مردمش دعوت می‌کند تفکر متفاوتی در مورد روابطشان داشته باشند. گرچه عبارت «عضویت در کلیسا» در کتاب مقدس روشن و واضح بیان نشده است، اما تقریبا غیرممکن است از آن بگذریم.

«زیرا همان‌گونه که هر یک از ما را بدنی واحد است که از اعضای بسیار تشکیل شده و کار همهٔ این اعضا یکسان نیست، ما نیز که بسیاریم، در مسیح یک بدن را تشکیل می‌دهیم و هر یک، اعضای یکدیگریم» (رومیان ۱۲:۴-۵).

وقتی کسی در مسیح تعمید معنوی داده می‌شود، با کلیسای جهانی یکی و متحد می‌گردد. اما وقتی تعمید فیزیکی در آب داده می‌شود، با کلیسای محلی متحد می‌شود، که به آنها کمک می‌کند نسبت به عیسی وفادار بمانند.

اگر این عبارات برایتان ناآشنا هستند؛ کلیسای جهانی به مردم سراسر جهان می‌گوید که تولد تازه یافته و اتحادی روحانی با عیسی دارند. آنها از بند اسارت هر قبیله، زبان و ملتی رها شده‌اند و نامشان در کتاب زندگی برّه نوشته شده است. اگر مسیحی هستید، جزو کلیسای جهانی محسوب می‌شوید.

کلیسای محلی اجتماع مسیحیان خاص یک ناحیهٔ جغرافیایی است، که

متعهد شده‌اند همواره در پرستش و شهادت عیسی گرد هم آیند. کلیسا چه در اَنطاکیه باشد (اعمال ۱:۱۳)، چه در روم (رومیان ۷:۱)، چه در قرنتس (اول قرنتیان ۲:۱)، چه کلیساهای منطقهٔ غلاطیه (غلاطیان ۲:۱) و چه کلیسایی باشد که در مکاشفه ۲-۳ به آن اشاره شده است؛ کتاب مقدس، پیوسته به کلیسا به عنوان مجموعهٔ ایمانداران در یک محل اشاره دارد. در حقیقت از ۱۰۹ بار تکرار واژهٔ کلیسا در عهد جدید، تقریبا تمام آنها به یک کلیسای محلی خاص اشاره دارند.

عهد جدید، مسیحیان آزاد و بدون تعهد به کلیسای محلی را، به رسمیت نمی‌شناسد. غسل تعمید و شام خداوند به منظور شکل دادن به عضویت در کلیسا در نظر گرفته شده‌اند؛ هدف آنها فقط ایمانداران است، کسانی که زندگی‌شان نشان‌دهندهٔ ایمان نجات‌بخش آنها می‌باشد. به همین دلیل عضویت در کلیسا فقط مختص کسانی است که تولدی تازه دارند. این به نفع هیچ کس نیست که مرز میان کسانی که در جایگاه درستی در مقابل خدا قرار دارند و کسانی که در جایگاه نادرستی قرار دارند را محو کنیم. با اینکه ما همیشه باید از همهٔ مردم استقبال کنیم، اما نام‌های ذکرشده در فهرست عضویت در کلیسا باید تا حد امکان با نام‌های موجود در دفتر حیات برّه مطابقت داشته باشند (مکاشفه ۸:۱۳).

گرچه همهٔ مسیحیان، اعضای کلیسای جهانی هستند، اما در کتاب مقدس کاملا مشهود است که مسیحیان باید اعضای متعهد کلیساهای محلی نیز باشند. صریح بگویم اگر عضو یک کلیسای محلی نیستید، در اطاعت از عیسی با مشکلات زیادی مواجه خواهید شد.



برایان حرف او را قطع کرد و گفت: «صبر کن! یعنی می‌گویی اگر من به کلیسای خودمان ملحق نشوم، مسیحی نیستم؟» دِیو به

عقب تکیه داد و گفت: «برایان، من چنین چیزی نگفتم، اما می‌گویم اسمش را عضویت، شراکت، یا عشق متعهدانه، هرچه بگذاری، اگر عضو کلیسا نباشی برای پیروی از عیسی با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهی شد.»

دِیو توضیح داد: «عضویت در کلیسا کمک می‌کند تا بفهمیم چقدر مطیع فرامین خدا هستیم. او ما را آفریده است تا در اجتماعی متعهد از مسیح پیروی کنیم. ما چقدر به نمونه‌های این موضوع در کتاب مقدس توجه می‌کنیم؟»

STOP در مورد عبارت «قرار است با مشکلات زیادی مواجه شویم، اگر عضو کلیسا نباشیم» چه فکر می‌کنید؟ فکر می‌کنید یک کلیسای محلی چگونه در پیروی از عیسی به شما کمک می‌کند؟ شما در پیروی از عیسی چگونه به دیگران کمک می‌کنید؟

خدا با عضویت در کلیسا چگونه به شما کمک می‌کند از عیسی اطاعت کنید؟

وقتی اکثر مردم به عضویت می‌اندیشند، تصور می‌کنند به معنای ملحق شدن به فروشگاه‌های زنجیره‌ای کاستکو یا کلوپ‌های شهر برای لذت و تفریح است. اما وقتی صحبت از عضویت در کلیساست، چنین منظوری مد نظر نمی‌باشد. عضویت در کلیسا روشی برای توصیف رابطه‌ای است که خدا می‌خواهد ایمانداران با هم داشته باشند تا:

او را جلال دهید،

«ماموریت بزرگ» را به جا آورید،

و در میزبانی بهشت به یکدیگر کمک کنید.

در اینجا چهار ویژگی از طعم رابطهٔ عضویت در کلیسا آورده شده است:

۱. اختیاری بودن: مسیحیان به میل خود از دعوت خدا به اتحاد با سایر ایمانداران اطاعت می‌کنند. ما این کار را نه به دلیل اجبار و از روی وظیفه، بلکه به دلیل باور به خردمندی و نیکی برنامهٔ خدا انجام می‌دهیم. من اخیرا با کسی صحبت می‌کردم که کلیسای قبلی خودش را به دلایل درست اما دشواری ترک کرده بود. او اعتراف می‌کرد که تنها دلیل پیوستن او به کلیسا آن بود که می‌دانست این فرمان خداست. او گفت خدا از اطاعت مبتنی بر ایمان او استفاده نمود و چنان در رشد و شفای او کمک کرد که هرگز دیگر نمی‌توانست از کلیسا جدا شود.

۲. عمدی بودن یا خودخواسته: محبت و اتحاد به خودی خود اتفاق نمی‌افتند. باید به شکلی هدفمند در پی آنها باشیم و در آنها رشد کنیم. مسیحیان به یک کلیسای محلی می‌پیوندند تا روابطی را گسترش دهند که از طریق آنها به یکدیگر خیر معنوی برسانند. ما سعی می‌کنیم در رشد تقدس مسیح‌گونه به یکدیگر کمک کنیم.

۳. مسئولیت‌پذیری: با عضویت در کلیسا چیزی را ایجاد می‌کنیم که من مایلم روابط مداخله‌آمیز عمدی بنامم. این بدان معنا نیست که در کار دیگران دخالت می‌کنیم، بلکه بدان معناست که کسی در کار شما دخیل است. همگی ما به کسانی نیاز داریم که به ما کمک کنند تا نسبت به طرز بیان، نحوهٔ استفاده از پول و زمان خودمان، پاسخگو باشیم. ما به کسانی نیاز داریم که وقتی گناه می‌کنیم ما را به چالش بکشند و وقتی در حال تلاش هستیم، ما را تشویق نمایند. کلیسا خانواده‌ای است که تمام تلاش خود را می‌کند تا ما به یکدیگر کمک کنیم عیسی را به شکل خصوصی و آشکارا جلال دهیم.

۴. متعهد بودن: وقتی دو نفر با هم ازدواج می‌کنند، متعهد می‌شوند یکدیگر را در سختی و آسایش دوست داشته باشند. عضویت در کلیسا نیز چنین است. عشق ما به یکدیگر آزموده خواهد شد، ما یکدیگر را ناامید خواهیم

کرد و نسبت به هم مرتکب خطا خواهیم شد. اولویت‌های ما همیشه برآورده نخواهند شد. اما عضویت در کلیسا راهی است تا بیان کنیم ما به واسطهٔ فیض خدا قصد داریم نسبت به هم مسئولیت‌پذیر باشیم. محبت و عشق ما به هم گاه‌به‌گاه یا تصادفی نیست. ما در این راه همراه یکدیگر هستیم، تا وقتی خدا بر اساس کتاب مقدس دلیلی به ما نشان دهد که به کلیسای محلی دیگری ملحق شویم.



محبتی که دِیو در عضویت در کلیسا توصیف می‌کرد، چشمان برایان را باز کرد. این محبت شبیه تعهدات قدیمی و قانون‌مدار نبود که او تصور می‌کرد. در عوض بیشتر شبیه محبت عیسی بود. همین سبب شد تمایل بیشتری پیدا کند تا بداند کتاب مقدس چه چیزی دربارهٔ عضویت در کلیسا گفته است.

۱. عضویت در کلیسا بر دلگرمی و امید ما می‌افزاید

دلگرمی مسیحیان به نجات، کاملا بر مبنای کار کامل عیسای مسیح و شهادت روح‌القدس می‌باشد (رومیان ۱۶:۸؛ اول یوحنا ۱۳:۴-۱۸؛ ۶:۵-۱۳). عضویت در کلیسای محلی هرگز جایگزین این کار نمی‌شود، بلکه فقط همچون اتاق پژواک این خبر خوش عمل می‌کند.

وقتی کلیسا اعتراف ایمانی شخص به مسیح را می‌شنود، او را در عضویت کلیسا، تعمید می‌دهد و در شام خداوند از او استقبال می‌کند؛ به آن شخص اطمینان از نجات خود را می‌دهد. در اصل کلیسا می‌گوید: «ما شهادت تو را شنیده‌ایم و شاهد بوده‌ایم عیسی چگونه زندگی تو را تغییر داده است. ما به حد کافی دلیل داریم تا باور کنیم که تو یک برادر یا خواهر در مسیح هستی.»

پیش‌نیاز عضویت در کلیسا، یک اعتراف ایمانی قابل اعتماد است. به

همین دلیل وقتی یکی از اعضا مرتبا از توبه امتناع می‌ورزد، جماعت کلیسا باید از طریق انضباط کلیسایی مهر تایید او را بردارند (ر.ک متی ۱۸:۱۵-۱۸ و فصل هشتم).

قطعا برخی از کلیساها ناشیانه یا با بی‌دقتی، افرادی را به عضویت کلیسا درمی‌آورند و خیلی زود اعتماد می‌کنند. حتی سالم‌ترین کلیساها به‌اشتباه، اعتراف افراد را تصدیق می‌کنند. اما خدا از عضویت در کلیسا به عنوان ابزاری استفاده می‌کند تا بدان وسیله ایمان ایمانداران حقیقی را تقویت کند.

۲. عضویت در کلیسا روشن می‌کند که با چه کسانی گرد هم آمده‌ایم

مسیحیان آزادند وقت خود را با کسانی که دوست دارند، بگذارنند. با این وجود باید با گروه خاصی از ایمانداران گرد هم آییم تا فرامین خدا را به جا آوریم.

«بیایید بی‌تزلزل، امیدی را که به آن معترفیم همچنان استوار نگاه داریم، زیرا وعده‌دهنده امین است. و در فکر آن باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم. و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم ــ بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید» (عبرانیان ۱۰:۲۳-۲۵).

اگر در جست‌وجوی آیه‌ای هستید که فرمان می‌دهد در کلیسا گرد هم آیید، همین‌جاست. وقتی کسی مسیحی می‌شود، فرا خوانده نشده است تا زندگی جداگانه‌ای با عیسی در یک جزیرهٔ معنوی داشته باشد. ما فرا خوانده شده‌ایم تا مدام گرد هم آییم. اما از گرد آمدن با چه کسانی باید دست بکشیم؟ آیا او از رابطهٔ ما با تمام مسیحیان سخن می‌گوید؟

خیر، او از تعهد آگاهانه به گروه خاصی از ایمانداران سخن می‌گوید. این افراد به هم وفادارند. با هم صادق‌اند؛ به خواست خود با هم با گناه می‌جنگند؛ با هم آزار و اذیت می‌شوند؛ در زندگی یکدیگر دخیل هستند. عضویت در کلیسا مشخص می‌کند دقیقا با چه کسانی گرد هم آییم.

۳. عضویت در کلیسا محبت را پرورش می‌دهد

وقتی عهد جدید را می‌خوانیم، حدود ۵۰ فرمان منحصربه‌فرد برای «با یکدیگر» پیدا می‌کنیم. همان طور که حدس زدید این فرامین به مسیحیان یاد می‌دهند چگونه با هم تعامل داشته باشند تا محبت خدا را بازتاب دهند. ما باید با یکدیگر مهربان باشیم (اول تسالونیکیان ۱۳:۵)؛ بار یکدیگر را به دوش بکشیم (غلاطیان ۲:۶)؛ یکدیگر را مهمان کنیم (اول پطرس ۹:۴)؛ یکدیگر را ببخشیم (افسسیان ۳۲:۴) و غیره.

این نوع توصیف‌ها در مورد محبت به نظر می‌رسد برای جامعهٔ ایمانداران در نظر گرفته شده است. به معنای واقعی، اگر به چنین جامعه‌ای خدمت نمی‌کنید؛ اطاعت از هزاران فرمان غیرممکن است. این شامل اساسی‌ترین فرمان، یعنی یکدیگر را محبت کردن نیز می‌شود؛ عیسی فرمود: «حکمی تازه به شما می‌دهم، و آن اینکه یکدیگر را محبت کنید. همان‌گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید» (یوحنا ۳۴:۱۳-۳۵).

محبت، نشانهٔ اصلی ایماندار است. خدا محبت است؛ بنابراین فرزندانش باید به واسطهٔ روح‌القدس محبت او را نشان دهند. یک کلیسای محلی باید اجتماعی باشد که نشانهٔ شاخص آن بخشش است، زیرا ما بسیار بخشیده شده‌ایم (لوقا ۴۷:۷). صبر و بردباری باید از نشانه‌های ما باشد، زیرا مسیح با ما صبور بوده است (رومیان ۴:۲؛ دوم پطرس ۹:۳). ما کسانی هستیم که

خدمت می‌کنیم و فداکاری می‌نماییم، زیرا مسیح این کار را برای ما کرده است (یوحنا ۱۳:۱-۱۷).

STOP خدا چگونه محبتش را به شما نشان داده است؟ آیا می‌توانید بگویید به چه طریقی محبت خود را به کلیسای او نشان داده‌اید؟

خدا به ما یاد می‌دهد با روابط مختلف محبت کنیم. وقتی کلیسای محلی گرد هم می‌آیند، به نظر می‌رسد اعضا نقاط مشترک زیادی با هم ندارند. رنگ پوست ما و اولویت‌های سیاسی ما فرق می‌کنند. پیشینه‌های فرهنگی و موقعیت‌های اجتماعی ما فرق دارند. ما سلیقه‌ها و اعتقادات جداگانه داریم. گاهی این تفاوت‌ها می‌توانند چالش‌برانگیز باشند، اما خدا به طور شگفت‌انگیزی از آنها استفاده می‌کند. وقتی با افرادی متفاوت متحد می‌شویم، باید برای دوست داشتن آنها تلاش کنیم و آنها نیز برای محبت کردن به ما تلاش می‌کنند. باید یاد بگیریم گوش دهیم، شفقت و مهربانی کنیم و صبور باشیم.

علی‌رغم تفاوت‌های ما، آنچه ما را به هم پیوند می‌دهد، محبت ما به عیسای مسیح است. هر کدام از ما شهادت‌های جداگانه‌ای می‌دهیم، اما همگی حامل نشانه‌های محبت الهی او هستیم.

او برای ما مُرد،
برخاست،
ما را دعوت کرد،
ما را تبدیل کرد،
و همچنان به فیض خود ما را محافظت می‌کند.

او به ما یاد داد محبت چیست و اینک از طریق تعهد به کلیسای محلی

متعهد می‌شویم همان محبت را به دیگران نشان دهیم.

وقتی اعضای کلیسا متعهد می‌شوند به یکدیگر محبت کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ کلیسا تبدیل به یک شاهد متفاوت برای انجیل می‌گردد، شاهدی که نگاه متفاوتی به دنیا دارد. از طریق زندگی انجیل‌محور است که امید به دنیا داده می‌شود. عضویت در کلیسا کمک می‌کند تا بفهمیم به چه کسی محبت کنیم و چگونه قرار است محبت کنیم.

٤. عضویت در کلیسا مشخص می‌کند به چه کسی اهمیت دهیم

مسیحیان باید در پی نیکی به همهٔ مردم به طور کلی (اول تسالونیکیان ۱۵:۵) و به سایر ایمانداران به طور خاص (غلاطیان ۱۰:۶) باشند.

با این وجود عهد جدید مراقبت از کسانی که در کلیسای محلی شما هستند را در اولویت قرار می‌دهد. در حقیقت تمام مرجع‌های کتاب مقدس در مورد «مراقبت از فقرا» توضیح می‌دهند که ایمانداران چگونه از اعضای جامعهٔ خود مراقبت و نگهداری می‌کنند.



«پس تا فرصت داریم به همه نیکی کنیم، به‌ویژه به اهل بیت ایمان» (غلاطیان ۱۰:۶).



من از بسیاری از دوستان و آشنایان برکت گرفته‌ام. ما مردم را از کلیسا، لیگ‌های ورزشی کودکان و سایر رویدادهای اجتماعی می‌شناسیم. هرچه روابطمان را با این افراد گسترش می‌دهیم، نیازهایمان بیشتر آشکار می‌شوند. ما دچار مشکلات مالی، سلامتی و مخمصه‌های فراوانی هستیم. گرچه من نگران تک‌تک خانواده‌ها و نیازهایشان هستم، اما زمان و انرژی و منابع محدودی دارم. همین امر مرا مجبور می‌کند به این

موضوع خوب فکر کنم که به چه کسی می‌توانم کمک کنم. از بین تمام کسانی که نیازهایی دارند، چه کسی بیشترین توجه مرا جلب می‌کند؟ خانوادهٔ خودم. همسرم و فرزندانم باید در اولویت باشند. قطعا خانوادهٔ ما برای کمک به دیگران فداکاری می‌کنند، اما اولین مسئولیت من برای آنهاست. همین باید در مورد مسائل مسیحیان نیز صدق کند، وقتی با اعضای سایر کلیساها ارتباط می‌گیریم.

درست همان‌طور که رفع نیازهای اصلی ما انتخابی نیست (اول تیموتائوس ۸:۵)، توجه به نیازهای اعضای کلیسای محلی ما نیز انتخابی نیست. در روز آخر، ما بر این اساس که چگونه به برادران و خواهران محتاج خود کمک کرده‌ایم، داوری خواهیم شد (متی ۳۱:۲۵-۴۶؛ اعمال ۱:۶-۶). امتناع از سخاوتمندی، گناهی جدی است، زیرا سخاوتی که عیسی به ما نشان داد را فراموش می‌کنیم (یعقوب ۱۴:۲-۱۷؛ اول یوحنا ۱۶:۳-۱۸).

گرچه همیشه باید نسبت به هم سخاوتمند باشیم، اما نباید شرایط را برای کسانی که تمایلی به مراقبت از خودشان ندارند فراهم کنیم (دوم تسالونیکیان ۱۰:۳-۱۵). شناخت نیازها و تشخیص حد و مرزها کمک شایانی می‌کنند. یکی از روشن‌ترین نمونه‌های آن در اول تیموتائوس ۱:۵-۱۶ دیده می‌شود؛ جایی که پولس به تیموتائوس یاد می‌دهد کلیسای افسس چگونه باید از بیوه‌زنان مراقبت کند. کلیسا باید فهرستی از بیوه‌زنان تهیه کند و بر اساس معیارهای خاصی، نیازهای آنها را ارزیابی کند. او فرض می‌کند اعضای کلیسا به حد کافی این خواهران را می‌شناسند تا بتوانند شخصیت آنها را ارزیابی کرده و به رفع نیازهایشان کمک کنند. عضویت در کلیسا ساختار لازم برای تشخیص نیازهای مردم را فراهم می‌سازد.

STOP آیا تصور می‌کنید سیستم عضویت در کلیسا می‌تواند به ترویج محبت و خدمات کمک کند؟ آیا می‌توانید راه و روش‌هایی را نام ببرید که این محبت را سرکوب می‌کنند؟

پرسشی که ممکن است برایتان باقی بماند، این است که عضویت هدفمند چگونه در کلیساهای بزرگ عمل می‌کند. وقتی کلیسایی آن‌قدر بزرگ می‌شود که اعضایش نمی‌توانند یکدیگر را بشناسند؛ رهبر باید مطمئن شود اعضای کلیسایش ناشناس و غیرمسئول باقی نمی‌مانند. داشتن تعداد زیادی مشایخ و افتتاح کلیساهای جدید، از جمله گزینه‌های اجتناب از این امر است. همچنین این کار به شبانان کمک می‌کند تا با وجدانی پاک خدمت کنند و بدانند هیچ یک از گوسفندان عیسی به حال خود رها نمی‌شوند.

۵. عضویت در کلیسا برای وفاداری شبانان ضروری است

«از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیدبانی می‌کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود» (عبرانیان ۱۳:۱۷).

خلاصه پس از آنکه مسیحی شدم، به عنوان شبان در یک کلیسای تازه‌تاسیس خدمت کردم. ما به خواست خود، کلیسای‌مان را بدون عضویت آغاز کردیم. می‌خواستیم محبت داشته باشیم، اما قانون‌مدار و خشک نباشیم. ما می‌دانستیم کتاب مقدس فرامینی داده است، اما دلیلی نمی‌دیدیم دوستی‌ها را به صورت رسمی درآوریم و در روابطمان حد و مرز تعیین کنیم.

گرچه نیت خوبی داشتیم، اما این کار مانع رشد معنوی ما شد. ما هرگز واقعا نمی‌دانستیم چه کسانی هستیم. محبت بین ما راستین و واقعی بود اما همان‌طور که رشد می‌کردیم، عدم شفافیت افراد پیرامون ما مانع شاگردی، خدمت و اتحاد می‌شد. حفاظت از میز شام خداوند همیشه با مانعی همراه بود و اولین تلاش ما در انضباط کلیسایی، فاجعه‌بار بود (ر.ک فصل هشتم). اما یکی از تحول‌آورترین لحظات در خدمت من، وقتی بود که من این جمله را خواندم: «شبانان از روح‌های ما مراقبت می‌کنند، زیرا آنها کسانی هستند که به خدا حساب پس می‌دهند.» خدا می‌گوید در روز داوری، شبانان در مورد روش مراقبت از کسانی که به آنها اعتماد کرده‌اند، حساب پس می‌دهند. شبانان در همه جا به یک شکل مسئولیت مسیحیان را به عهده نمی‌گیرند، بلکه مسیحیان خاصی هستند که از طریق عضویت در کلیسا، تعهد به پیروی و اطاعت از آنها را پذیرفته‌اند. حداقل این‌طور به نظر می‌رسد که این رهبران، کسانی که قرار است از آنها مراقبت کنند را می‌شناسند.

قطعا یک شبان باید از کسانی که به کلیسای آنها می‌آیند مراقبت کند، اما مسئولیتی ندارد تا درست شبیه اعضای کلیسا از آنها مراقبت کند. اعضای کلیسا به شبانان اعتماد می‌کنند، از آنها پیروی می‌نمایند و تسلیم آنها می‌شوند. زیرا خدا جایگاه شبانان را بالاتر از آنها قرار داده است.

با چنین مسئولیتی که خدا به عهدهٔ شبانان گذاشته است، رهبران کلیسا باید بدانند که نسبت به چه کسانی، روزی حساب پس خواهند داد. عضویت در کلیسا این را کاملا روشن می‌سازد.

STOP آیا می‌توانید بفهمید عضویت در کلیسا چقدر به توانمندی شبان در مراقبت از کلیسا کمک می‌کند؟

رهبری کلیسا چقدر می‌تواند چالش‌برانگیز باشد، اگر عضویت در کلیسا به‌روشنی تعریف نشده باشد؟ تعیین رهبران مشخصی در کلیسا، چقدر می‌تواند به اعضای کلیسا کمک کند؟

٦. عضویت مشخص می‌کند مسیحیان باید از چه کسی درس بگیرند

هر عضو باید بتواند از سایر اعضا بیاموزد (رومیان ۱۴:۱۵). روح‌القدس به هر ایماندار قدرت می‌دهد کلام خدا را بفهمد و به کار گیرد. گرچه این موضوع مهمی است، اما خدا رهبران هر جماعتی را برای نظارت و تجهیز اعضا آماده می‌سازد.

خداوند اعضا را فرا می‌خواند که از شبانان کلیسای محلی خود اطاعت کرده و مطیع آنها باشند. از نظر برخی، تسلیم رهبران کلیسا بودن، کاری ناخوشایند است. اما واقعا برای آن گروه، فیضی عظیم است. در فصل هفتم بیشتر به این موضوع می‌پردازیم، اما در حال حاضر بیایید قسمتی از آن را بررسی کنیم:

در عبرانیان ۱۷:۱۳ به‌روشنی دیدیم که انتظار می‌رود اعضای یک کلیسای خاص، آگاهانه تصمیم بگیرند از رهبران و شبانان خاصی اطاعت کرده و تسلیم آنها شوند. یک مسیحی چگونه می‌تواند تسلیم رهبران شود، اگر واقعا متعلق به آن کلیسای محلی نباشد؟ به آنها فرمان داده نشده است که تسلیم برخی رهبران یا همهٔ رهبران باشند، بلکه به طور خاص «رهبران خودتان».

عضویت در کلیسا به‌سادگی روشن می‌کند که رهبران، چه کسانی هستند و جماعت، چه مسئولیت‌هایی در قبال آنها دارند.

یعنی اعضای کلیسا مسئول هستند رهبران خود را با دقت و با خردمندی برگزینند؛ یعنی رهبران باید فداکارانه مراقب گلهٔ خود باشند. عضویت به

مسیحیان کمک می‌کند بفهمند و تشخیص دهند چگونه با شبانانی که خدا برای رهبری، تغذیه و محافظتشان فرستاده است، ارتباط برقرار کنند.

۷. عضویت باعث پُرباری و ثمربخشی می‌شود

در آیات عبرانیان ۱۰:۲۴-۲۵ ما تشویق شده‌ایم: «*در فکر آن باشیم چگونه یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم.*» به اعضای کلیسا فرمان داده شده است در این باره تعمق کنند، برایش دعا کنند و به خواست خود به دنبال راه‌هایی برای ثمردهی میوه‌های نیک در زندگی یکدیگر باشند. این آیات، مسیحیانی را به تصویر می‌کشند که به حد کافی یکدیگر را می‌شناسند تا برای به بار آوردن ثمره‌های نیک، یکدیگر را تشویق کنند. آنها می‌دانند کدام وعده‌ها را برای روح یکدیگر به کار گیرند. این آشنایی تصادفی نیست. این افراد می‌دانند عیسی به‌زودی خواهد آمد؛ بنابراین متعهد می‌شوند به یکدیگر کمک کنند تا ثمربخش و وفادار باشند. شما نمی‌توانید در مقابل هر ایمانداری که با او برخورد می‌کنید، چنین باشید.

عضویت در کلیسا به مسیحیان کمک می‌کند روی خدمت خود در گروه خاصی از ایمانداران که خداوند گرد هم آورده است، تمرکز کنند.



وقتی کوچک‌تر بودم، مادرم یک باغ داشت. یادم می‌آید وقتی کشت‌وکار می‌کرد و دانه می‌کاشت، او را تماشا می‌کردم. من شیلنگ آب را نگه می‌داشتم تا پای گیاهان کاملا پر از آب شود. به خاطر دارم حصارها را تعمیر می‌کردم، چون مادرم می‌گفت جلوی جانوران موذی و گرسنه را می‌گیرد. وقتی گیاهان جوانه می‌زدند، ما مجبور بودیم پیوسته علف‌های هرز را بچینیم. برای آنکه باغ همیشه پُربار باشد، باید به طور مداوم از آن مراقبت می‌کردیم.

عضویت در کلیسا بسیار شبیه باغداری است. ما دانه‌های حقیقت را در زندگی هر کسی می‌کاریم و آن را با امید و دلگرمی آبیاری می‌کنیم، تا هرچه بیشتر میوه دهند و جلال خدا از آن جاری شود. این نوع محبت، از تعهد تصادفی بروز نمی‌کند. از طریق رابطهٔ خودخواسته، متعهدانه و بلندمدت به وجود می‌آید.

۸. عضویت در کلیسا، در جنگ علیه گناه و حفظ ایمان به ما کمک می‌کند

در سرود نیایشی معروفی، جمله‌ای می‌بینیم که اعتراف می‌کند: «خداوندا آمادهٔ گمراهی هستم، این را احساس می‌کنم، آمادهٔ ترک خدایی هستم که او را دوست می‌دارم.» دل‌های ما بی‌وفا هستند. ما می‌کوشیم با وسوسه‌های گناه بجنگیم و گاهی خودمان را به خطر می‌اندازیم. این هم در مورد شبانان و هم در مورد نوایمانان صدق می‌کند. خدا را شکر که کلیسایی به ما داده است تا در جنگ علیه گناه، به ما کمک کند.

«ای برادران، هوشیار باشید که از شما کسی دل شَرور و بی‌ایمان نداشته باشد که از خدای زنده رویگردان شود. بلکه هر روز، تا آن زمان که هنوز "امروز" خوانده می‌شود، یکدیگر را پند دهید تا کسی از شما در اثر فریب گناه، سختدل نشود. از آن رو که در مسیح شریک شده‌ایم، تنها به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم» (عبرانیان ۳:۱۲-۱۴).

شیطان به عنوان وسوسه‌گر معروف است. لذت او در این است که از طریق پیشنهادات گناه‌آلودی که به ایمانداران می‌دهد، آنها را از خدا دور می‌کند. او به ما اطمینان می‌دهد که می‌توانیم وسوسه‌ها را کنترل کنیم. او تضمین

می‌دهد که هر گاه در گناهی خاص افتادیم، می‌توانیم جلوی آن را بگیریم. سپس هر گاه که تسلیم گناه شدیم، او با گناهی شرم‌آور به ما حمله می‌کند و ما را متقاعد می‌سازد که باید گناهانمان را پنهان کنیم تا کسی نبیند.

نباید به‌تنهایی به جنگ با گناه رفت. در مقابل، باید هر روز تا آن زمان که «امروز» خوانده می‌شود یکدیگر را تشویق کنیم. شما با چه کسی چنین رابطه‌ای دارید؟ آیا می‌توانید با مسیحیان همه جای دنیا چنین رابطه‌ای داشته باشید؟ خیر. این فرمانی است که فقط می‌توان در میان ایمانداران که هر روزه می‌بینید، به جا آورید. به چه روش دیگری می‌توانید پاسخگو باشید؟ عضویت مشخص می‌سازد که ما متعهد به تشویق چه کسانی هستیم و چه کسانی متعهد به تشویق ما شده‌اند.

آیا این بدان معناست که هرگز نباید به سایر مسیحیان کمک کنیم؟ خیر، البته که خیر. گرچه مسیحیان باید در پی یاری و تشویق همهٔ مسیحیان باشند، اما مسئولیت اولیه و مهم آنها در قبال کسانی است که متعهد به کلیسای محلی خودشان هستند.

متاسفانه گاهی ایمانداران فریب می‌خورند و به گناه می‌افتند. در این صورت خدا می‌گوید چه کاری انجام دهیم.



«برادرانِ من، اگر کسی از شما از حقیقت منحرف شود، و دیگری او را بازگردانَد، بداند که هر کس گناهکاری را از گمراهی بازگردانَد، جانِ او را از مرگ نجات بخشیده و گناهان بی‌شماری را پوشانیده است» (یعقوب ۵:۱۹-۲۰).

در این آیات از ما خواسته شده است برادران و خواهرانی که در دام گناه افتاده‌اند را نجات دهیم. به‌خصوص باید کدام برادران و خواهران را نجات

دهیم؟ برادران و خواهران در هر جای دنیا؟ من فکر می‌کنم اگر شما از یک مسیحی گمراه که عضو کلیسای شما نیست اطلاع دارید، حتما باید به او کمک کنید. اما به تاکید اصلی این آیات نیز توجه داشته باشید: «اگر کسی از میان شما از حقیقت منحرف شود.» این چه معنایی برای شما دارد؟ این نشان می‌دهد که جامعهٔ خاصی از ایمانداران وجود دارد که به طور منظم، پیرامون حقیقت انجیل گرد هم می‌آیند.

بنابراین چه اتفاقی می‌افتد وقتی کسی در میان شما به گناه و گمراهی می‌افتد؟ لازم است کسی به سراغ او برود. عضویت هدفمند در کلیسا، الگویی از محبت عیسی است که ۹۹ نفر را ترک کرد تا کسی که دچار گمراهی شده بود را نجات دهد.



برایان پس از تعمق در مورد تمام مطالبی که دِیو در مورد عضویت در کلیسا با او به اشتراک گذاشته بود، آماده شد تا نسبت به کلیسا متعهد شود. آمادگی او حتی خودش را متعجب کرده بود، زیرا هرگز این‌گونه مذهبی نبود. اما هرچه بیشتر کتاب مقدس را می‌خواند و هرچه وقت بیشتری با اعضای کلیسا می‌گذراند، می‌دانست خدا از محبت خودخواستهٔ او به سایر ایمانداران استفاده می‌کند تا در گام برداشتن با خدا به او کمک کند. او همچنین فکر کرد شاید برای دیگران برکت باشد.



«زیرا همان‌گونه که هر یک از ما را بدنی واحد است که از اعضای بسیار تشکیل شده و کار همهٔ این اعضا یکسان نیست، ما نیز که بسیاریم، در مسیح یک بدن را تشکیل می‌دهیم و هر یک، اعضای یکدیگریم» (رومیان ۱۲:۴-۵).



خدا از روابط خودخواسته، اختیاری، مسئولانه و متعهدانهٔ عضویت در کلیسا استفاده می‌کند تا در حفظ ایمان به ما کمک کند. همین باعث می‌شود به‌ندرت در گناه بیفتیم، زیرا کسانی هستند که متعهد شده‌اند به شما محبت کنند و اگر آنجا را ترک کردید در پی شما بیایند. اما همچنین شما را در موقعیتی قرار می‌دهد که از دیگران مراقبت کنید و در حفظ ایمان به آنها کمک کنید.





نکته چیست؟

از رهبرانی که از عیسای مسیح پیروی
می‌کنند، پیروی کنید.



۷

رهبری



برایان همیشه در مورد اقتدار و حاکمیت، بسیار محتاط بود. شاید علت آن قلدری پدرش یا برخوردهای همیشگی پدرش با پلیس بود. به هر حال از فکر ملاقات با شبان توماس احساس خوبی نداشت. دِیو به برایان اطمینان داد این شبان، مردی خداپرست است و به هر چیزی که موعظه می‌کند، ایمان دارد. او توضیح داد شبان توماس همیشه کسانی را که مایل به عضویت در کلیسا و تعمید گرفتن هستند، ملاقات می‌کند.

ناهار آنها با صحبت کوتاهی شروع شد و نوبت به توماس که رسید، از برایان پرسید خدا به‌تازگی چه کاری در زندگی او انجام داده است. برایان در مورد مرگ دوستش صحبت کرد و اینکه از همین مورد استفاده کرده است تا نیازش به یک منجی را به او نشان دهد. او توضیح داد همان روز اول در کلیسا با دِیو دوست شده است و از آن زمان در ایمان خود رشد کرده است.

پس از مکث کوتاهی، شبان توماس از برایان پرسید: «پس تو پرسشی از من داری؟» او پاسخ داد: «بله، من می‌بینم شما یکشنبه‌ها جلوی جمع

می‌ایستید و در مورد خدا صحبت می‌کنید، آیا می‌توانید به من کمک کنید بفهمم شبان کیست و چگونه کلیسا را هدایت می‌کند؟»

STOP آیا فکر می‌کنید کسانی که در رأس قدرت هستند، اساسا ثروتمند یا ظالم هستند؟ وقتی به رهبری کلیسا فکر می‌کنید، چه چیزی به ذهنتان می‌آید؟ آیا چیزی از رهبری ضعیف در کلیسا شنیده‌اید؟ اگر بله، آیا می‌توانید مثالی بیاورید؟ آیا نمونه‌های مثبت رهبری در کلیسا را به چشم دیده‌اید؟

کلامی در مورد اقتدار

چیزی در اقتدار هست که ما دوست نداریم. ما علاقه‌ای نداریم کسی آقا بالاسر ما باشد و به ما بگوید چه کار کنیم. به همین دلیل بسیاری از افراد، مقاومت در برابر اقتدار را فضیلت بزرگی می‌دانند. اما وقتی در قلبمان احساس مقاومت می‌کنیم، باید بسیار محتاط باشیم.

خدا، حاکم و مقتدر اعظم است. او دنیایی را خلق کرده که در آن اقتدار و تسلیم به اندازهٔ جاذبهٔ روی زمین انکارناپذیر هستند. جاذبهٔ زمین یک موهبت است، زیرا غذا را روی بشقاب نگه می‌دارد و مانع شناور شدن ما در اتمسفر می‌شود. به همین ترتیب اقتدار خدا بر ما موهبتی محافظت‌کننده و هدایتگر است که به تسلیم‌شوندگان، برکتی عظیم می‌دهد.

او پدر و مادر را به ما داده است تا تعلیم دهند، هدایت کنند و محبت ورزند، تا انعکاس خودش در این دنیا باشند (خروج ۱۲:۲۰). او پلیس و مقامات دولتی را منصوب کرده است تا از شهروندان محافظت کنند و مطمئن شود شیطان بر آنها چیره نمی‌گردد (رومیان ۱۳:۱-۷).

اما اتفاق وحشتناکی در دنیای خدا رخ داده است. آدم و حوا حاکمیت خدا بر خودشان را نپذیرفتند. همین کار فساد را وارد کل نظام هستی کرد.

اکنون، صاحبان قدرت تمایل به سرکوب و کنترل کسانی دارند که تحت سرپرستی خود هستند؛ در حالی که مردم تمایل به مقاومت دارند و در برابر راهنمایی‌های کسانی که بالاتر از آنها قرار دارند، مقاومت می‌کنند.

پرسه زدن در این مارپیچ می‌تواند گمراه‌کننده باشد، ما به عنوان مسیحی نباید کورکورانه درگیر شورش و نافرمانی شویم. مطمئنا زمان‌هایی برای مقاومت در برابر مقامات شرور وجود دارد، اما درست همان‌طور که رانندگی بدون ترمز خطرناک است؛ ما به ساختارهای کنترل‌کننده‌ای که خدا به ما داده است، نیاز داریم.

رهبری خداپرستانه، موهبت بزرگی برای دنیا و کلیساست. رهبری خداپرستانه، انعکاس خدمت فداکارانهٔ مسیح است. این نوع رهبری از قدرت خود برای محافظت و اعمال نفوذ برای ساختن استفاده می‌کند. مسیر آن به سوی شادی ما است، نه دور شدن از آن. این نوع قدرت باید فروتنی عمیقی در قلب‌های رهبران ایجاد کند و دل‌های کسانی که هدایت می‌شوند را امیدوار سازد. کلام آخر پادشاه داوود، نقشهٔ خدا برای رهبری خداپرستانه را به تصویر می‌کشد: «خدای اسرائیل سخن گفت؛ صخرهٔ اسرائیل مرا گفت: آن که عادلانه بر مردم حکومت کند، و خداترسانه حکم برانَد، همچون روشنایی صبح است، مانند نخستین پرتوهای خورشید در صبح بی‌ابر، و چون برقِ سبزه‌های روی زمین پس از بارش باران» (دوم سموئیل ۲۳:۳-۴). این دیدگاه خیرخواهانه، پس‌زمینهٔ مبحث رهبری در کلیسا را آماده می‌کند.



وقتی برایان توضیحات شبان توماس را دربارهٔ رهبری کلیسا شنید، شوکه شد. او هرگز اقتدار را چیز خوبی نمی‌دانست، چه برسد به اینکه حیات‌بخش باشد. او همیشه تصوری منفی از رهبران کلیسا داشت و گمان می‌کرد آنها فقط با قدرت خودشان حرکت می‌کنند یا سعی می‌کنند به

کیف پول مردم دسترسی داشته باشند. اما این توضیحات، او را امیدوار کردند و دوست داشت بیشتر بداند.

رهبری در کلیسای محلی

خداوند، کلیسای محلی را بنا نهاد تا فروتنی، خدمت و مسئولیت‌پذیری را ترویج دهد.



«زیرا شوهر سَرِ زن است، چنانکه مسیح نیز سَرِ کلیسا، بدن خویش، و نجات‌دهندهٔ آن است» (افسسیان ۲۳:۵).

هر گونه بحث دربارهٔ رهبری کلیسا، باید با عیسی آغاز شود. **عیسی، منجی و خداوندی است که کلیسایش را بنا می‌نهد** (ر.ک متی ۱۸:۱۶). خدای پدر «همه چیز را زیر پاهای او نهاد، و مقرر فرمود که او برای کلیسا سَرِ همه چیز باشد، کلیسایی که بدن اوست، یعنی پُری او که همه را در همه پر می‌سازد» (افسسیان ۲۲:۱-۲۳). عیسی به عنوان **رسول و کاهن اعظم** خدمت می‌کند که عروس محبوب خویش را بنا می‌گذارد و شفاعت می‌نماید (عبرانیان ۱:۳). عیسی از رابطهٔ خود با کلیسا گفت: «من شبان نیکو هستم، من گوسفندان خود را می‌شناسم و گوسفندان من مرا می‌شناسند... من جان خود را در راه گوسفندان می‌نهم... گوسفندان من به صدای من گوش فرا می‌دهند...؛ به‌یقین هرگز هلاک نخواهند شد. کسی آنها را از دست من نخواهد ربود» (یوحنا ۱۴:۱۰-۲۸). عیسی به عنوان شبان و ناظر جان‌هایتان عمل می‌کند (اول پطرس ۲۵:۲؛ ۴:۵).

ما بحث خود را دربارهٔ رهبری کلیسا با عیسی آغاز می‌کنیم، زیرا بسیاری از ما مستعد فراموش کردن او هستیم. گرچه هیچ ایرادی ندارد یک کلیسای محلی

را «**کلیسای من**» و یک شبان را «**شبان من**» بنامیم، اما هرگز نباید فراموش کنیم همیشه این کلیسای عیساست و هر کسی که در کلیسای او اقتدار دارد، صرفا یک مسئول و تحت حاکمیت شبان (عیسی) است (اول پطرس ۵:۱-۴).

STOP فکر می‌کنید چگونه می‌توان با تامل دربارهٔ عیسی به عنوان شبان ارشد به جماعت کلیسا کمک نمود؟ وقتی می‌بینید عیسی شبان اصلی شماست که بر هر آنچه بر کلیسا اتفاق می‌افتد نظارت دارد، چگونه دلگرم و امیدوار می‌شوید؟

جماعت کلیسا

عیسای مسیح به کلیساهای محلی، هم مسئولیت و هم اختیار بر آنچه در آن رخ می‌دهد را داده است (متی ۱۹:۱۶؛ ۱۸:۱۸-۲۰). جماعت کلیسا مسئولیت نظارت بر آموزه‌ها، آیین، عضویت و مدیریت را به عهده دارند. در کتاب غلاطیان، پولس کلیساهای غلاطیه را به خاطر هدایت غلط به سوی آموزه‌های دروغین سرزنش می‌کند (غلاطیان ۱:۳؛ ۱:۱-۱۰).

یوحنا در رساله‌های خود می‌گوید حمایت از خادمین وفادار سبب می‌شود کلیسا در وفاداری و درستکاری آنها شریک شود (سوم یوحنا ۸). اما حمایت از معلمان دروغین سبب می‌شود کلیسا نیز در خطاهای آنها شریک گردد (دوم یوحنا ۱۰-۱۱). به‌علاوه عیسی جماعت کلیسا را فرا می‌خواند تا مطمئن شود به گناه توبه‌نشده، طوری رسیدگی شود که خلوص و پاکی را حفظ کند (متی ۱۵:۱۸-۱۷؛ اول قرنتیان ۱:۵-۱۳).

در کتاب مکاشفه ۲-۳ می‌بینیم عیسی در میان کلیساها گام برمی‌دارد و وفاداری آنها به خودش را بررسی می‌کند. گرچه رهبران نقش مهمی در حیات کلیسا ایفا می‌کنند، اما در نهایت جماعت کلیسا به عنوان یک کل،

مسئولیت وفاداری را بر عهده دارند.

STOP آیا فکر می‌کنید بیشتر کلیساها بار مسئولیتی که عیسی به عهدهٔ آنها گذاشته است را پذیرا هستند؟ این مسئولیت جماعت کلیسا، چه تاثیر مثبتی روی فرهنگ کلیسا می‌گذارد؟ اگر کلیسایی دقت نکند که آیا اعضایش مسیحی هستند یا نه، چه خطراتی در پی دارد؟ غیرایمانداران صاحب اقتدار، چه تاثیر منفی بر کلیسا می‌گذارند؟

مشایخ و شبانان

یکی از روش‌های کاربرد صحیح و خوب اقتدار در کلیسا، انتخاب رهبران خداپرست است تا آنها را به اطاعت از عیسی هدایت کنند. آنها مشایخ، شبانان و یا اسقف نامیده می‌شوند (اعمال ۲۸:۲۰؛ افسسیان ۱۱:۴؛ اول پطرس ۲:۵). جماعت کلیسا، مسئول هستند این رهبران را به عنوان عطایایی برای کلیسا به سایرین بشناسانند. رهبران، مسئول هستند کلیسا را به سوی بلوغ معنوی هدایت کنند (اول تیموتائوس ۱۷:۵)؛ با وفاداری و صداقت، کلیسا را از کلام او تغذیه کنند (دوم تیموتائوس ۱:۴-۵)؛ کلیسا را برای خدمت آماده و تجهیز نمایند (افسسیان ۱۱:۴-۱۶) و از کلیسا در مقابل معلمان دروغین محافظت کنند (تیتوس ۹:۱).

«مراقب خود و تمامی گله‌ای که روح‌القدس شما را به نظارتِ بر آن برگماشته است باشید و کلیسای خدا را که آن را به خون خود خریده است، شبانی کنید» (اعمال ۲۸:۲۰).

در این آیه می‌بینیم خدای پدر، خدای پسر و روح‌القدس همگی با هم به نفع

کلیسا کار می‌کنند. عیسای پسر با ریختن خون خود بر روی صلیب، کلیسا را به دست آورد (مکاشفه ۹:۵)؛ روح‌القدس با بخشیدن عطایا، مشایخ را از سوی خدای پدر برای نظارت و مراقبت از کلیسا منصوب می‌کند (اول قرنتیان ۸:۱۲-۱۱). کلیسا متعلق به خداست و او با سخاوت و مهربانی و با تعیین رهبران از آن مراقبت می‌کند.

خدا به ما می‌گوید برای انتخاب مشایخ باید به چه چیزهایی توجه داشته باشیم. آنها باید مردانی با ویژگی‌هایی شبیه مسیح باشند (اول تیموتائوس ۱۱:۲-۷:۳؛ تیتوس ۵:۱-۹). آنها باید «بدون ملامت» باشند؛ این بدان معنا نیست که بدون خطا و عیب هستند، بلکه به این معناست که قادرند فروتنانه با وجدانی پاک مراقب گله باشند و به عنوان الگوی ایمان خدمت کنند (اول تیموتائوس ۱:۳-۷؛ عبرانیان ۷:۱۳؛ اول پطرس ۱:۵-۵).

معمولا مشایخ زیادی در کلیساها حضور دارند، زیرا خدا می‌خواهد چند شبان با هم کار کنند تا خدمت را انجام دهند (اعمال ۳۰:۱۱؛ ۲۳:۱۴؛ ۲۲:۱۵؛ ۱۷:۲۰؛ اول تیموتائوس ۱۴:۴؛ ۱۷:۵؛ تیتوس ۵:۱؛ اول پطرس ۱:۵-۵). تعداد زیاد مشایخ از کلیسا و از خود مشایخ در مقابل اقتدارِ خارج از کنترل، محافظت می‌کنند.



والدین مهربان، هدیه‌ای شگفت‌انگیز هستند. پدری سختگیر در عین حال منعطف و مادری مهربان و دلسوز با هم طوری از فرزندان مراقبت می‌کنند که محبت خدا به قومش را بازتاب می‌دهند. خانه‌ای با چنین والدینی، هرگز بدون مشکل نخواهد بود، اما ثبات و لطافتی دارد که خدا برای فرزندان می‌خواهد تا از آن لذت ببرند، آن را احترام گذاشته و اطاعت کنند (افسسیان ۱:۶-۳).

همسرم در چنین خانه‌ای بزرگ نشده بود. مادرش زن فوق‌العاده‌ای بود اما

پـدرش مـرد خداپرسـتی نبود؛ بـا این حـال، دیدن اینکـه او، این نـوع مراقبت حمایتی را از سوی شبانان وفاداری که خداوند در طول سال‌ها برای او فراهم کرده است، دریافت می‌کند؛ بسیار خوشحال‌کننده است.

پولس به همین صورت مراقبت از سیلاس، تیموتائوس و خودش را از کلیسای تسالونیکیان تعریف می‌کند:

«امـا همچون مادری شـیرده که از کـودکان خود نگهداری می‌کند، بـا شـما بـه نرمی رفتار کردیم. شـدت علاقهٔ ما به شـما چنان بود که شـادمانه حاضر بودیم نه تنها انجیل خدا را به شـما برسـانیم، بلکه از جـان خـود نیـز در راه شـما بگذریم، چنـدان که ما را عزیز گشـته بودید. شما ای برادران، به‌یقین محنت و مشقّت ما را به یاد دارید، کـه شـب و روز کار می‌کردیـم تـا وقتـی انجیلِ خـدا را به شـما وعظ می‌کنیم، سـربار کسـی نباشیم. شـما شـاهدید و خدا خود نیز گواه اسـت که با چه پاکی و درسـتی و بی‌عیبی با شـما ایمانداران رفتار کردیم. چنانکه می‌دانید، رفتار ما با یک یک شما چون رفتار پدری با فرزندانش بود. شـما را تشـویق کرده، دلداری می‌دادیم و سـفارش می‌کردیـم کـه شـیوهٔ رفتارتـان شایسـتهٔ خدایی باشـد که شـما را به پادشاهی و جلال خود فرا می‌خواند» (اول تسالونیکیان ۲:۷-۱۲).



وقتی شبان توماس چگونگی محبت رهبران به کلیسا را توضیح داد، برایـان سـکوت کـرد. دِیـو می‌دانسـت خانـواده بـرای برایـان موضـوع ناراحت‌کننده‌ای است. والدین برایان هر چیزی بودند به غیر از والدین مهربان. هر گاه حرف آنها به میان می‌آمد، درست مانند نمکی بود که روی زخم بپاشند. دِیو نمی‌دانست آیا برایان واقعا آنچه شبان می‌گفت را می‌شنید یا نه.

پیش از آنکه دِیو چیزی بگوید، برایان شروع به صحبت کرد: «خانوادهٔ من این‌طور نبودند، اما من می‌دانم خدا چگونه خانوادهٔ جدیدی در کلیسا به من داده است. دِیو و اَشلی با من مهربان بوده‌اند و اکنون به نظرم کلیسا هم بسیار شبیه چیزی است که شما توصیف می‌کنید.» شبان توماس به برایان گفت او مشتاق است بشنود که خدا چگونه او را به چالش کشیده است و از او پرسید آیا می‌تواند یکی از پرچالش‌ترین متون را به عنوان یک شبان به او بگوید.



«از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیدبانی می‌کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود» (عبرانیان ۱۳:۱۷).

این آیه شامل رابطهٔ میان اعضای کلیسا و رهبرانی است که عطای شبانی به آنها داده شده است. از اعضای کلیسا دعوت می‌شود مطیع و تسلیم رهبران باشند. البته، این بدان معنا نیست که مشایخ کلیسا زندگی اعضا را کنترل کنند، بلکه منظور این است که خدا از اعضا انتظار دارد همزمان با هدایت و رهبریِ مشایخ بر اساسِ کتاب مقدس، رویکرد و موضعی عمومی برخاسته از تسلیم و احترام داشته باشند.

کلیسا تصدیق می‌کند که خدا مسئولیت روح جماعت کلیسا را به عهدهٔ مشایخ خاصی گذاشته است. به همین دلیل خدا شبانان را مسئول می‌کند تا به‌دقت مراقب شیوهٔ زندگی و تعلیم خودشان باشند. در آنها پایداری کنند، که اگر چنین کنند خویشتن و شنوندگان خویش را نجات خواهند داد (اول تیموتائوس ۴:۱۶). خدا از مشایخ استفاده می‌کند تا در مسیر رفتن قومش به

بهشت به آنها کمک کنند. آنها کلام خدا را تعلیم می‌دهند، در مورد خطرات معنوی هشدار می‌دهند، به گوسفندان دردام‌افتاده کمک می‌کنند و اعضا را به آشتی با یکدیگر هدایت می‌نمایند.

وقتی مشایخ گله را هدایت می‌کنند، به‌خوبی می‌دانند حساب روح‌های اعضا را پس خواهند داد. روزی خواهد آمد که مردم برای آنچه کرده‌اند، حساب پس خواهند داد (متی ۲۷:۱۶؛ رومیان ۱۲:۱۴). مشایخ نیز از این داوری مستثنی نخواهند بود؛ در حقیقت، آنها شدیدتر داوری خواهند شد (یعقوب ۱:۳).

خدا به‌شدت از شبانانی که به گلهٔ او ظلم می‌کنند یا آنها را فراموش می‌کنند، خشمگین خواهد شد. با این وجود وعده می‌دهد که به میان گوسفندان خود می‌آید و خودش آنها را شبانی می‌کند (اِرمیا ۱:۲۳؛ حزقیال ۱:۳۴-۳۱؛ یوحنا ۱:۱۰-۳۰).

به طور کلی شبانان، گوسفندانی هستند که خداوند آنها را فرا خوانده است تا در خدمت عیسی، آن شبان اعظم، به عنوان شبان زیردست خدمت کنند (اول پطرس ۱:۵-۷). هرچه به آن روز بزرگ نزدیک می‌شویم، شبانان باید کلیسا را آماده‌تر کنند تا عروس پاک عیسی باشد. پولس رسول چنین خدمتی را این‌طور توصیف می‌کند: «من غیرتی خدایی نسبت به شما دارم، زیرا شما را به یک شوهر، یعنی مسیح، نامزد ساختم، تا همچون باکره‌ای پاکدامن به او تقدیمتان کنم. امّا بیم دارم همان‌گونه که حوا فریب حیلهٔ مار را خورد، فکر شما نیز از سرسپردگی صادقانه و خالصی که به مسیح دارید، منحرف شود» (دوم قرنتیان ۲:۱۱-۳). شیطان همیشه نزدیک و در کمین است و با حیله و مکر در پی فرصتی برای فریب دادن، وسوسه کردن و به دام انداختن گله است (اول پطرس ۸:۵). شبانان باید هر کاری می‌توانند برای محافظت خودشان و گله در مقابل وسوسه‌گر انجام دهند.

STOP این توضیح دربارهٔ اینکه شبان کیست و چه کاری انجام می‌دهد، چگونه طرز فکر شما در مورد رهبری کلیسا را شکل می‌دهد؟ این دعوت ارزشمند، چه تاثیری روی اعضای کلیسا می‌گذارد؟

در پایان عبرانیان ۱۷:۱۳ موضوع مهمی به جماعت کلیسا یادآوری می‌شود: «آن را نه از اجبار، بلکه با میل و رغبت انجام دهید.»

وقتی شبانان می‌کوشند به کلیسا خدمت کنند و اعضای خود را برای رفتن به بهشت آماده کنند، کلیسا باید تلاش کند تا خدمت شبانان را با میل و رغبت بپذیرد. شبانان، شادی خدمت را می‌شناسند (اول تسالونیکیان ۱۹:۲-۲۰؛ سوم یوحنا ۴)، اما آنها دردها و رنج‌های آن را نیز می‌دانند.

خدا به اعضای کلیسا دستور می‌دهد که به شبانان خود اجازه دهند با شادی و نه با ناله خدمت کنند.

وقتی اعضای کلیسا درگیر تهمت، شکایت، انتقاد و شایعه می‌شوند؛ به جای آنکه با فروتنی به سوی اتحاد گام بردارند، تحریک به ناله و شکایت کردن بسیار آسان است.

از سوی دیگر شبانان به کار خود دلگرم و تشویق می‌شوند، وقتی می‌بینند اعضای کلیسا با اطاعت از خدا گام برمی‌دارند و در سختی‌ها به او اعتماد کرده، اذیت و آزار را تحمل می‌کنند، به یکدیگر محبت ورزیده و با سخاوت در بلندنظری به خاطر انجیل بخشش می‌کنند (فیلیپیان ۳:۱-۵؛ اول تسالونیکیان ۲:۱-۳؛ دوم تسالونیکیان ۳:۱-۴؛ دوم یوحنا ۴). کلیساها باید بکوشند در هر آنچه انجام می‌دهند خدا را جلال دهند، از جمله در محبت به شبانان.

STOP شما به چه روش‌هایی شبانان/مشایخ را تشویق و دلگرم می‌سازید؟ تشویق شما چقدر در جلال دادن خدا به آنها کمک می‌کند؟



شبان توماس از برایان پرسید، بعد از آنکه شنید کتاب مقدس در مورد مشایخ/شبانان چه می‌گوید، چه احساسی داشت؟ برایان اذعان داشت هرگز فکر نمی‌کرد آنها به خاطر اعضای کلیسا باید حساب پس دهند. او گفت: «من فکر می‌کنم باید بیش از پیش برای شما دعا کنم.» دِیو درخواست کرد اگر ممکن است شبان توماس این دیدار را با مطالبی در مورد شماس‌ها و رسیدگی آنها به حیات کلیسا، پایان دهد.

شماس‌ها و شماس بودن

STOP «هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم مردم شود» (متی ۲۰:۲۶).

گرچه از همهٔ اعضای کلیسا خواسته شده است خدمت کنند، اما خداوند مقام شماس را برای نوع خاصی از خدمت تعیین کرده است. واژهٔ «شماس»[1] به طور تحت‌اللفظی به معنای «خادم» است که شامل تمام کارهایی است که او انجام می‌دهد. شماس‌ها افرادی با عطایای خاص هستند و در تمام زمینه‌های عملی نظارت می‌کنند. شماس‌ها با همکاری و تحت نظارت مشایخ کار می‌کنند.

مشایخ و شماس‌ها هر دو در دوران رسولان، مقامات فعالی بودند (فیلیپیان ۱:۱). با آنکه خدمتشان رابطهٔ نزدیکی با هم دارد، اما دانستن تفاوت‌های آنها مهم است. مشایخ، مسئول رهبری و آموزش معنوی هستند، اما شماس‌ها تحت هدایت مشایخ عمل کرده و مراقب نیازهای عملی و مادی جماعت کلیسا می‌باشند.

1. Deacon

برای اولین‌بار در اعمال ۱:۶-۷ دربارهٔ شماس‌ها صحبت شده است. وقتی رسولان، خادمین خداپرستی برای رسیدگی به نیازهای بیوه‌زنان کلیسا تعیین کردند. این خادمین بر جمع‌آوری و توزیع مایحتاج، نظارت داشتند تا رنج و درد اعضا را تسکین دهند. همین کار شادی و اتحاد را به کلیسا آورد، اینها ثمره‌های خدمت شماس‌ها هستند. همچنین مشایخ و رسولان را آزادتر کرد تا تلاش خود را بر دعا و شرح تعالیم کتب مقدس در مورد عیسی متمرکز کنند، و این منجر به افزایش تعداد شاگردان گردید. با اینکه مهم است که تفاوت میان مشایخ و شماس‌ها را بدانیم، اما نباید گمان کنیم مشایخ کار معنوی واقعی را انجام می‌دهند و شماس‌ها صرفا کارهای مادی را به انجام می‌رسانند.

تمام خدمت خداوند عیسای مسیح، کاری معنوی است؛ چه کلامی باشد و چه عملی. کلیسایی که وفادارانه کلام را موعظه نمی‌کند، قلبی نخواهد داشت، اما کلیسایی بدون اعمال نیک، بدون دست خواهد بود. کلمات حقیقی و کارهای دلسوزانه هر دو با هم برای وفاداری کلیسا ضروری هستند (یعقوب ۱۴:۲-۲۶). مشایخ و شماس‌ها همکاری می‌کنند تا مطمئن شوند کلیسا در هر دو زمینه صادق و وفادار است. به دلیل اهمیت نقش آنها باید طوری شماس‌ها را تکریم کرد و به آنها احترام گذاشت که نشان دهیم ویژگی‌های آنها تقریبا با مشایخ یکسان است (اول تیموتائوس ۸:۳-۱۳)، به جز آنکه شماس‌ها ملزم به تعلیم یا اِعمال قدرت معنوی نیستند. شماس‌ها باید «پر از روح و حکمت باشند» (ر.ک اعمال ۳:۶). زیرا آنها در خط مقدم خدمت قرار دارند، در نتیجه به حکمت نیاز دارند تا به‌درستی از افرادی که در معرض صدمه قرار دارند، مراقبت کنند.

مادامی که کلیسا به‌روشنی تفاوت میان نقش مشایخ و شماس‌ها را درک کند، باید مردان و زنان را تشویق کرد که در همین محدوده خدمت کنند.

محدودیت‌هایی که مانع از خدمت خواهران به عنوان شبان می‌شوند، در اینجا نقش مهمی ندارند، زیرا مقام شماس نیازی به اِعمال اقتدار بر مردان ندارد. برخی از کلیساها با این نظر مخالف‌اند، پس بهتر است برای رسیدن به نتیجهٔ مطلوب، خودتان بیشتر مطالعه کنید.

اینکه شماس‌ها دقیقا چه کاری انجام می‌دهند، به هر کلیسا بستگی دارد. برخی شماس‌ها بر آماده‌سازی دستورات، عزیمت اعضا به خانه‌هایشان، خدمات دلسوزانه به فقرا، امور مالی، مراسم عروسی، خدمت بی‌عیب‌ونقص و بسیاری کارهای دیگر نظارت دارند. شماس‌ها بدون توجه به مسئولیت‌های خود، باید با اعتقاد و ایمان خدمت کنند و بدانند «خادمانی که نیکو خدمت کرده باشند، به مرتبه‌ای والا خواهند رسید و در ایمان خود به مسیحْ عیسی از شهامتی عظیم برخوردار خواهند شد» (اول تیموتائوس ۳:۱۳).

STOP خدا چگونه از وظیفهٔ شماس برای ایجاد اتحاد در یک کلیسای محلی استفاده می‌کند؟ کدام زمینه‌های خدمت مهم هستند، اما باید توسط شماس‌ها رسیدگی شوند تا شبانان آزاد شده و برای موعظهٔ درست و صادقانهٔ کلام خدا آماده شوند؟

برایان و دِیو بعد از ناهار، از شبان توماس تشکر کردند که امروز عصر وقت خود را برای آنها گذاشته است تا در آموزش روابط کلیسا به آنها کمک کند. وقتی آنجا را ترک کردند، دِیو از برایان پرسید: «چه فکری می‌کنی؟» برایان بسیار امیدوار و دلگرم شده بود، نه فقط از توضیحات این شبان، بلکه از حکمت خدا در ساماندهی کلیسایی که داشت. برایان می‌دانست باید در درک خود از کتاب مقدس رشد کند، پیش از آنکه در هر یک از زمینه‌ها خدمت کند. اما او دوست داشت از هر راهی که می‌تواند، کمک کند.

«از رهبـران خـود اطاعـت کنیـد و تسـلیم آنها باشـید؛ زیرا ایشـان بر جانهای شما دیدبانی می‌کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود» (عبرانیان ۱۳:۱۷).

خـدا رهبرانـی برای قـوم خویش تعیین کرده اسـت که با جـلال دادن خـدا بـه آنهـا خدمت کننـد و به ایـن طریـق از آنها مراقبـت می‌کند. رهبران همیشه باید عیسی را الگو قرار داده و با استفاده از اقتدار خود به کسانی که تحت مراقبتشان هستند، خدمت کنند. نباید از رهبران خداپرست بترسیم، بلکـه بایـد بـا پیـروی از آنها بـه خدا اعتمـاد کنیـم، زیرا آنهـا نیز از خـدا پیروی می‌کنند.





نکته چیست؟

محبت برای اصلاح گناه یکدیگر

کفایت می‌کند.



۸
انضباط کلیسایی



از آنجایی که برایان برای غسل تعمید و عضویت در کلیسا آمادگی داشت، در کلاس مربوط به عضویت شرکت کرد. شبان توماس به طور خلاصه انضباط کلیسایی را توضیح داد. برایان گیج و سردرگم شده بود، زیرا تصور می‌کرد کلیسا از مردم می‌خواهد در این کار دخیل باشند. اما به نظر می‌رسد انضباط کلیسایی دوست‌داشتنی نیست و بر اساس قضاوت انجام می‌شود.

دِیو در طول کلاس به برایان ملحق شد، پس از آن با هم قهوه‌ای نوشیدند و آنچه شنیده بود را بررسی کردند. برایان اشاره‌ای به انضباط کلیسایی کرد و گفت دِیو باید به او کمک کند تا بفهمد کتاب مقدس در مورد آن چه گفته است.



چند سال پیش در جام قهرمانی سوپر باول، یک تبلیغ محافظه‌کارانه پخش شد. این پیام بازرگانی سیاه و سفید بود. در ابتدا دختری را نشان می‌داد که روی چیزی ایستاده و به پایین نگاه می‌کند. صدا از حالت بم

و خفه، کم‌کم واضح شد و با صدای پاشیدن آب همراه گردید.

چند ثانیه بعد، زاویهٔ دوربین از پشت دختر حرکت کرد و نشان داد او به آب خیره شده است. دست آخر دوربین از بالای صحنه حرکت کرد و نشان داد دختر روی یک تختهٔ شنا ایستاده و به کسی خیره شده است که در حال غرق شدن در آب است. صحنه محو و سپس سیاه می‌شود و صدایی می‌گوید: «اگر دوستت داشت غرق می‌شد، آیا کاری برایش انجام نمی‌دادی؟»

هدف از این تبلیغ آن بود که مردم را به چالش بکشاند تا در زندگی دوستانی که مواد مخدر مصرف می‌کنند، دخیل باشند. در واقع از همه دعوت می‌کرد که دست از تماشای نابودی زندگی آنها بکشند و برای نجاتشان هرچه لازم است را انجام دهند. این تبلیغ، مردم را تشویق می‌کرد با دوستان معتاد به مواد، شجاعانه برخورد کنند. همچنین تصویر کاملی از قلبی را نشان می‌داد که پشت انضباط کلیسایی پنهان بود.



«برادران من، اگر کسی از شما از حقیقت منحرف شود، و دیگری او را بازگردانَد، بداند که هر کس گناهکاری را از گمراهی بازگردانَد، جانِ او را از مرگ نجات بخشیده و گناهان بی‌شماری را پوشانیده است» (یعقوب ۱۹:۵-۲۰).

خدا قصد دارد اعضای کلیسا به یکدیگر اجازه ندهند با گناه نابود شوند. آنها باید با فیض خدا هر آنچه می‌توانند را برای نجات برادران و خواهرانی که گمراه شده‌اند، انجام دهند.

درست همان‌طور که کمک به معتادان به مواد مخدر، مستلزم برخورداری از حکمت الهی است؛ ما نیز به حکمت خدا نیاز داریم تا به دنبال گوسفندان گمشده بگردیم و بدانیم چه زمانی باید دست از جست‌وجو بکشیم.

STOP اگر در حال غرق شدن بودید، آیا دوست داشتید کسی برای نجات شما کاری کند؟ اگر غرق در گناهی می‌شدید که روح شما را نابود می‌سازد، چطور؟ آیا دلتان می‌خواست کسی نجاتتان دهد؟ اگر می‌دیدید یک مسیحی معترف تصمیمات مخرب می‌گیرد، آیا احساس مسئولیت می‌کردید که دخالت کنید؟

همان‌طور که در کل این تحقیق دیده‌ایم، محبت کلیسا باید منعکس‌کنندهٔ محبتی باشد که از خدا دریافت کرده است. به همین دلیل اجازه دهید بررسی انضباط کلیسایی را با توجه به آیین محبت خدا نسبت به فرزندانش شروع کنیم.

«زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند و هر فرزند خود را که می‌پذیرد، تنبیه می‌نماید» (عبرانیان ۱۲:۶).

خدا پدر ایمانداران است. همگی ما زمانی در گناهانمان بسیار دور از خدا بودیم، اما او از طریق خون مسیح ما را به هم نزدیک کرد (افسسیان ۲:۱۳). ما به عنوان فرزندان محبوب او آشتی کرده‌ایم و به شباهت عیسی درآمده‌ایم (رومیان ۸:۲۹؛ کولسیان ۳:۱۰).

خدا از چیزهای زیادی از جمله درد استفاده می‌کند تا قومش را شکل دهد. این کار رایج نیست، اما خدا از شرایط دردناک استفاده می‌کند تا ما را بشکند، شکل دهد و متحول سازد. خداوند به‌ندرت از طریق رفاه و راحتی، رشد معنوی را در زندگی ما به ارمغان می‌آورد.

دقت کنید که نویسندهٔ عبرانیان چگونه آیین محبت خدا را توصیف می‌کند:

«به او بیندیشید که چنان مخالفتی را از سوی گناهکاران تحمل کرد، تا خسته و دلسرد نشوید. هنوز در نبرد خود با گناه تا پای جان ایستادگی نکرده‌اید و آن سخن تشویق‌آمیز را از یاد برده‌اید که شما را پسران خطاب کرده، می‌گوید: "ای پسرم، تأدیب خداوند را خوار مشمار، و چون توبیخت کند، دلسرد مشو. زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند و هر فرزند خود را که می‌پذیرد، تنبیه می‌نماید." سختیها را به منزلهٔ تأدیب تحمل کنید؛ خدا با شما همچون پسران رفتار می‌کند. زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟ اگر شما تأدیب نشده‌اید، در حالی که همه از آن سهمی داشته‌اند، پس حرامزاده‌اید، نه فرزندان حقیقی. به‌علاوه، همهٔ ما پدران زمینی داشته‌ایم که تأدیبمان می‌کردند، و ما به آنها احترام می‌گذاشتیم. حال، چقدر بیشتر باید پدر روحهایمان را اطاعت کنیم تا حیات داشته باشیم. پدران ما کوتاه‌زمانی بنا به صلاحدید خود، ما را تأدیب کردند. امّا خدا برای خیریت خودمان ما را تأدیب می‌کند تا در قدّوسیت او سهیم شویم. هیچ تأدیبی در حین انجام شدن، خوشایند نیست، بلکه دردناک است. اما بعد برای کسانی که به وسیلهٔ آن تربیت شده‌اند، میوهٔ آرامش و پارسایی به بار می‌آورد» (عبرانیان ۱۲:۳-۱۱).

STOP آیا تاکنون خدا از شرایط دردناکی استفاده کرده است تا شما را به خودش نزدیک کند؟ اگر بله، یک نمونه را ذکر کنید. آیا والدین زمینی، شما را تادیب کرده‌اند؟ اگر بله، آیا به روش خدا این کار را کرده‌اند؟ روش تربیتی آنها چگونه طرز فکر شما دربارهٔ تادیب خدا را شکل داده است؟

در سال ۱۵۰۱ کلیسای جامع فلورانس ایتالیا، یک تکه سنگ مرمر بی‌رنگ بزرگ را دور انداخت. این سنگ مرمر پر از خراش و تَرَک

بود و تکه‌هایی از آن کنده شده بود. هنرمند معروفی از کنار آن بی‌تفاوت گذشت، اما هنرمند جوان پرشوری به نام میکل‌آنژ پیشنهاد کرد آن را به او بدهند.

او در اطراف این سنگ هجده فوتی، اتاقکی ساخت و شب و روز در آن کار کرد. دو سال روی آن پتک، اسکنه و مته زد. وقتی بیرون آمد، از یکی از مشهورترین مجسمه‌های تاریخ رونمایی کرد؛ مجسمهٔ داوود پادشاه!

وقتی از او پرسیدند: «چطور از یک تکه مرمرِ بی‌استفاده چنین مجسمه‌ای ساختی؟» در پاسخ گفت: «من همهٔ چیزهایی را که در داوود نبود، از بین بردم.»

این دقیقا همان کاری است که خدا اکنون در زندگی ما انجام می‌دهد، اگر فرزند او باشیم. او از هر ابزاری استفاده می‌کند تا شما را شکل دهد و به شباهت عیسی درآورد.

تادیب یا انضباط کلیسایی چنین نقشی را ایفا می‌کند. دوستی، تشویق و انضباط کلیسایی از ابزارهایی هستند که خدا برای شکل دادن ما به کار می‌گیرد. من از کلیساهای شریر صحبت نمی‌کنم که از اعضا یا از سلول‌های شکنجهٔ قرون وسطایی برای بی‌ایمانان و خیانتکاران سوءاستفاده می‌کنند، بلکه از خدا صحبت می‌کنم که از روابط محبت‌آمیز و خودخواسته استفاده می‌کند تا در جنگ علیه گناهانی که به‌راحتی در دامشان می‌افتیم، به ما کمک کند. کلیسای محلی جایی است که همه با نشانه‌ای تحت عنوان «در دست ساخت» روی سینه‌هایشان در اطراف آن قدم می‌زنند. خدا از کاربرد تادیب کلیسا استفاده می‌کند تا در رشد بلوغ معنوی به ما کمک کرده و در برابر دام گناه از ما محافظت کند.

STOP دلیل اصلی که مردم می‌گویند به کلیسا نخواهند آمد، چیست؟

من شرط می‌بندم پاسخ این پرسش با «همه ریاکار هستند» مرتبط است! نمی‌توانم بگویم مردم چند بار به انجیل دهن‌کجی کرده‌اند، چون شاهد ریاکاری مسیحیان معترف به ایمان بوده‌اند. این یکی از دلایلی است که خدا در مورد انضباط کلیسایی به اعضای محلی دستور می‌دهد.

انضباط کلیسایی چیست؟

اگر به فصل ششم بازگردیم می‌بینیم کلیسای محلی، اجتماعی از مسیحیان در یک منطقهٔ جغرافیایی است که متعهد شده‌اند دائما به عنوان پرستشگر و شاهدین عیسی گرد هم آیند. روابط متعهدانه، مسئولانه و تشویق‌کننده در بطن کلیسای محلی از نشانه‌های عضویت است.

با عضویت در کلیسا، مسیحیان اعتراف به ایمان یکدیگر را تصدیق کرده و متعهد می‌شوند به یکدیگر کمک کنند تا همواره به عیسی وفادار بمانند. وقتی کلیسایی عضویت کسی را می‌پذیرد؛ بیانیه‌ای را به آن شخص، به کلیسا و به دنیا اعلام می‌دارند.

آنها اساسا به یکدیگر و به آن شخص می‌گویند: «ما اعتراف شما به ایمان در عیسی را تصدیق می‌کنیم و متعهد می‌شویم به شما محبت و خدمت کنیم، شما را تشویق کنیم و هر تلاشی را انجام دهیم تا شما به بهشت بروید و انتظار داریم همان کار را شما نیز برای ما انجام دهید.»

در عین حال، جماعت کلیسا به دنیا می‌گویند: «این شخص یکی از ماست. اگر می‌خواهید بدانید عیسی کیست، به این شخص نگاه کنید و به آنچه می‌گوید گوش فرا دهید. او عیسی را به شما نشان خواهد داد و در مورد او به شما تعلیم خواهد داد.»

اما وقتی ایمانداری پس از اعتراف، طوری زندگی می‌کند که با ایمان او به عیسی در تضاد است، چه اتفاقی می‌افتد؟ پاسخ کوتاه به این پرسش «تادیب

کلیساست.» از ما دعوت شده است روشی که در عهد جدید آمده را دنبال کنیم که به حذف عضویت یک مسیحی معترف از کلیسا منجر می‌شود، زیرا این مسیحیان هنوز بر گناه اصرار دارند (متی ۱۵:۱۸-۱۸؛ اول قرنتیان ۱:۵-۱۳؛ تیتوس ۳:۱۰).

وقتی کسی مسیحی می‌شود، به طور کلی از گناه دست نمی‌کشد، اما رابطهٔ او با گناه کاملا تغییر می‌کند. ما اکنون در گناه مرده‌ایم و در خدا زنده شده‌ایم (رومیان ۶:۱-۱۴). چون روح‌القدس، ما را با عیسی پیوند می‌زند؛ از هرچه او متنفر است بیزاریم و هرچه را دوست دارد، ما نیز دوست داریم. مسیحیان واقعی با گناهانی که باقی مانده‌اند، می‌جنگند.

وقتی کسی که مدعی پیروی از عیسی است، بر عدم تمایل به مبارزه با گناه همیشگیِ خود پافشاری می‌کند، آژیرها باید به صدا درآیند.

این فرد در خطر سقوط به ورطهٔ نابودی و هلاکت است (افسسیان ۳:۵-۱۳؛ اول قرنتیان ۹:۶-۱۱). کلیسا در معرض خطر نابودی در گناه است (اول قرنتیان ۶:۵؛ غلاطیان ۹:۵). نام عیسی در خطر کفرگویی قرار دارد (رومیان ۲۴:۲).

وقتی کسی از اعضای کلیسای محلی در گناهی زندگی می‌کند که از آن توبه نکرده است و تمایلی به شنیدن درخواست سایر مسیحیان برای رویگردانی از آن گناه را ندارد؛ پس ریاکار است. ریاکار کسی است که به عنوان مسیحی شناخته می‌شود، اما بدون توبهٔ راستین و وفاداری به عیسی زندگی می‌کند.

شاید این گناه:

گناه جنسی مداوم باشد (اول قرنتیان ۱:۵-۱۱)،

ایجاد تفرقه میان کلیسا باشد (تیتوس ۳:۱۰-۱۱)،

یا گناه نادیده گرفتن دستورات کتاب مقدس باشد (دوم تسالونیکیان ۳:۱۴-۱۵).

وقتی کسی بر این سبک زندگی اصرار دارد، زمانی می‌رسد که کلیسای محلی، دیگر اعتراف به ایمان او را تایید نمی‌کند. از آنجایی که به ارادهٔ خود و لجوجانه منکر عیسی و فرامین او می‌شود، دیگر نمی‌توانیم به او بگوییم: «ما باور داریم تو مسیحی هستی.» دیگر نمی‌توانیم به دنیا بگوییم: «یک مسیحی چنین است.» این بدان معنا نیست که کلیسا به طور قاطع، مسیحی بودن یا نبودن کسی را تعیین می‌کند. کلیسا چنین اقتداری ندارد.

فقط خداوند، کسانِ خود را می‌شناسد (دوم تیموتائوس ۱۹:۲).

این بدان معنا نیست که کلیسا، کسی را به خاطر گناهانش مجازات می‌کند.

خداوند، کسی است که گناهان را مجازات می‌کند، یا در مسیح یا در روز داوری (رومیان ۱۲:۱۷-۲۱؛ دوم قرنتیان ۵:۱۹-۲۱). به عبارت دقیق‌تر، کلیسا همچون ابزاری برای هشدار به گناهکاران توبه‌نکرده، در مورد آمدن داوری عمل می‌کند.



برایان حرف او را قطع کرد: «صبر کن! این کاملا قضاوت کردن به نظر می‌رسد. آیا عیسی به ما نمی‌گوید سایر افراد را قضاوت نکنیم؟» دِیو کتاب مقدس را ورق زد و پرسش برایان را تایید کرد.

بیایید بشنویم عیسی در مورد قضاوت کردن دیگران چه می‌گوید:



«داوری نکنید تا بر شما داوری نشود. زیرا به همان‌گونه که بر دیگران داوری کنید، بر شما نیز داوری خواهد شد و با همان پیمانه که وزن کنید، برای شما وزن خواهد شد. چرا پَرِ کاه را در چشم برادرت می‌بینی، امّا از چوبی که در چشم خود داری غافلی؟ چگونه می‌توانی به برادرت بگویی، "بگذار پَرِ کاه را از چشمت به در آورم،" حال آنکه چوبی در

چشم خود داری؟ ای ریاکار، نخست چوب را از چشم خود به در آر، آنگاه بهتر خواهی دید تا پَرِ کاه را از چشم برادرت بیرون کنی» (متی ۷:۱-۵).

STOP آیا عیسی به مردم می‌گوید هرگز دیگران را قضاوت نکنید؟ عیسی به ما می‌گوید پیش از قضاوت دیگران چه باید بکنیم؟ آیا اگر کسی ابتدا گناهان خودش را بررسی کرده باشد، برای قضاوت دیگران فرد مناسب‌تری است؟ چرا بله و چرا خیر؟

دِیو به برایان اطمینان داد عیسی از مردم نخواسته است یکدیگر را قضاوت نکنند، وقتی درگیر گناه می‌شوند. دعوت عیسی، ریشه در محبتی دارد که هدفش کمک به نجات گناهکاران گمراه است.

این یکی از بخش‌های تادیب یا انضباط کلیسایی است که مستلزم دقت بسیار است. خدا از کلیسایی پر از برادران و خواهران گناهکار به عنوان ابزاری برای نجات آنها استفاده می‌کند. به همین دلیل کلیسا باید اجتماعی با محوریت انجیل داشته باشد. منظور آن است که هرچه کلیسا بیشتر از نیاز خود به فیض عیسی آگاه باشد، فضای کمتری برای قضاوت خودخواهانه خواهد داشت.

دِیو پیشنهاد کرد نگاهی به متی ۱۸ بیندازند تا در تعلیم مستقیم عیسی، ببینند او چقدر مایل است کلیسایش به اعضای گمراه گلهٔ خود محبت کنند.

STOP چند دقیقه وقت بگذارید و فصل ۱۸ متی را مطالعه کنید. با جدیت کتاب مقدس را بردارید و این فصل را بخوانید.

ما همین‌جا منتظر شما می‌مانیم.

متی ۱۸ ایدهٔ مهمی را بیان می‌کند که شامل سه حرکت است. ایدهٔ بزرگ این فصل را می‌توان این‌طور خلاصه کرد: «محبت دلسوزانه باید از مشخصه‌های قوم خدا باشد که گمراهان را جست‌وجو می‌کند و کسانی که توبه می‌کنند را می‌بخشد.»

وقتی عیسی وضعیت کلیسا (آیات ۱-۱۴)، فرایند کلیسا (آیات ۱۵-۲۰) و سپس تصویری برای کلیسا (آیات ۲۱-۳۵) را شرح می‌دهد، این ایدهٔ مهم توضیح داده می‌شود.

وضعیت کلیسا

در آیات ۱-۱۴ می‌بینیم فروتنی، شاخص پادشاهی عیسی است. اگر بخواهید یکی از پیروان او باشید، باید مانند کودک در مقابل او فروتن باشید. این فروتنی باید طرز رفتار ما با یکدیگر را نشان دهد.

کلیسا نباید هرگز منشا گمراهی و فساد باشد. نباید با برادران یا خواهران، رفتار تند داشته باشیم یا نسبت به آنها بی‌تفاوت باشیم؛ وقتی در ورطهٔ گناه افتاده‌اند، هرگز نباید به دیدهٔ تحقیر به آنها نگاه کنیم؛ نباید آنها را خوار بشماریم یا رفتار تحقیرآمیز داشته باشیم؛ این می‌تواند مانع توبهٔ آنها شود، بلکه کلیسا باید نشانگر دل خدا باشد. خداوند شبیه چوپانی است که گوسفندانش را دوست می‌دارد. اگر یکی از آنها به خطر بیفتد، چوپان دیگر آرام و قرار ندارد و به ماموریت نجات می‌رود تا مطمئن شود حتی یکی از آنها گم نمی‌شود.

ما هرگز نباید با تکبر یا خشم یا بی‌تفاوتی با ایمانداران گمراه مواجه شویم، بلکه باید مایل باشیم برای نجات آنها آرامش خودمان را فدا کنیم. عیسی این کار را انجام داد، او جلال و شکوه آسمان را رها کرد و به زمین آمد تا تک‌تک اعضای قوم خدا را نجات دهد (لوقا ۱۹:۱۰؛ فیلیپیان ۲:۱-۱۱) و خوشبختانه

او هرگز دست از جست‌وجوی ما گناهکاران برنمی‌دارد.

توجه کنید: آیا خدا با وجود تمام سرگردانی‌های شما، تاکنون دست از محبت و جست‌وجوی شما برداشته است؟ از خدا بخواهید اجازه دهد محبتی که از مسیح دریافت کرده‌اید، قلبتان را نسبت به گوسفندان سرگردان گرم کند. آنها را تحقیر نکنید، بلکه در جست‌وجوی آنها باشید، آنها را نجات دهید و با آنها آشتی کنید.

جست‌وجو توسط کلیسا

در آیات ۱۵-۲۰ عیسی روند سه مرحله‌ای را طی می‌کند که باید کلیسا را در حین جست‌وجوی گوسفندان سرگردان راهنمایی کند. یک لحظه مکث کنید و آنها را دوباره بخوانید.

«اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و میان خودت و او خطایش را به او گوشزد کن. اگر سخنت را پذیرفت، برادرت را بازیافته‌ای؛ امّا اگر نپذیرفت، یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر تا "هر سخنی با گواهیِ دو یا سه شاهد ثابت شود." اگر نخواست به آنان نیز گوش دهد، به کلیسا بگو؛ و اگر کلیسا را نیز نپذیرفت، آنگاه او را اَجنبی یا خَراجگیر تلقی کن» (متی ۱۸:۱۵-۱۷).

عیسی روندی را به کلیسا معرفی می‌کند که باید دنبال شود، گرچه این فرایند، جای نیاز به مراقبت عاقلانه، حکیمانه و شبانی را نمی‌گیرد. تنها موارد معدودی هستند که کاملا سیاه یا سفید و مشخص هستند. مردم پیچیده هستند و بنابراین، کشمکش آنها با گناه نیز پیچیده است. کلیساها باید مراقب باشند و اجازه ندهند این فرایند جایگاه و رفتاری را که عیسی به ما دستور داده تحت‌الشعاع قرار دهد. انضباط کلیسایی صرفا روندی اجرایی

برای سر جای خود نشاندن افراد نیست، بلکه رهنمودی برای محبت ماست.

مرحلهٔ اول: خصوصی

عیسی در آیهٔ ۱۵ می‌گوید: «اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و میان خودت و او خطایش را به او گوشزد کن. اگر سخنت را پذیرفت، برادرت را بازیافته‌ای»؛ وقتی کسی گناه می‌کند، گام اول آن نیست که دربارهٔ آن غیبت کنیم، در رسانه‌های اجتماعی پست کنیم یا آن را نادیده بگیریم، بلکه کسی که نسبت به او خطایی انجام شده است یا از آن گناه مطلع است باید شخصا در جست‌وجوی گناهکار باشد. فرمان این نوع مسئولیت شخصی نسبت به همدیگر در عبرانیان ۱۳:۳ داده شده است: «بلکه هر روز، تا آن زمان که هنوز "امروز" خوانده می‌شود، یکدیگر را پند دهید تا کسی از شما در اثر فریب گناه، سختدل نشود.»

STOP آیا متوجه شده‌اید مسئولیت چه کسی است که گام اول را برای برادر یا خواهر گناهکارش بردارد؟

شما و من؛ این مسئولیت ماست. در جای دیگری عیسی (متی ۵:۲۳-۲۴) و پولس رسول (رومیان ۱۸:۱۲) از این مسئولیت سخن گفته‌اند. به عبارت ساده‌تر، صلح و پاکی کلیسا تا حدی مسئولیت شماست. سلامت و رشد معنوی دیگران نیز تا حدودی مسئولیت شماست. ما حافظ برادر خود هستیم.

گام اول در انضباط کلیسایی این است که، باید به طور دائمی در یک کلیسای سالم انجام شود. اگر با عضو دیگری مشکل دارم یا اطلاع دارم که مسئلهٔ بدی در زندگی او جریان دارد، باید با آزادی و گاهی حتی احساس مسئولیت بتوانم با او در این باره صحبت کنم. وقتی این کار انجام شود،

کلیسا در اصل همیشه در حال تادیب یکدیگرند.

ما باید این گفت‌وگوی شخصی و خودخواسته را برای کمک به یکدیگر در جنگ با گناه، نشان دادن ملاک‌های لطف، آموزش حقیقت و تحمل بارها و غم‌های یکدیگر داشته باشیم.

گام اول از تادیب کلیسا، هم بخشی معمول و هم ضروری در پیروی از عیساست؛ و زمانی که این کار مدام انجام شود، نشان می‌دهد مراحل بعدی تادیب و انضباط، بسیار منطقی هستند.

STOP چه کسی در زندگی شما اجازه دارد وقتی مرتکب خطایی می‌شوید، به شما گوشزد کند؟ چه کسی آن‌قدر شما را دوست دارد که حرف‌های اصلاح‌کننده به شما بزند؟ چقدر پذیرای انتقاد و حرف‌های اصلاحی هستید؟ چه چیزی آن را برایتان سخت می‌کند؟ آیا شما هم از این طریق به دیگران محبت می‌کنید؟ چه چیزی باعث چالش در این نوع محبت می‌شود؟

پیش از آنکه به مرحلهٔ دوم بپردازیم، باید مهم‌ترین بخش مرحلهٔ اول را بررسی کنیم. هدف از آغاز یک گفت‌وگو با خواهر یا برادرتان چیست؟ آشتی دوباره. «اگر به شما گوش داد، برادرت را بازیافته‌ای» (متی ۱۵:۱۸).

واژهٔ «بازیافتن» یعنی «بازپس‌گیری». انضباط کلیسایی در هر مرحله‌ای برای بازپس‌گیری روح اعضای کلیسا از چنگال گناه است. در مورد امنیت معنوی آنها، شهادت کلیسا و خشنودی خداست که به هر ذرهٔ آن نظارت می‌کند.

این جنبه از محبت، جنگ روحانی است. ما برای نجات روح مردم در جنگ هستیم. نباید به آنها اجازه دهیم به گناه بیفتند. بلکه خدا از ما دعوت می‌کند

از مردم استدعا کنیم که با او آشتی کنند (دوم قرنتیان ۱۸:۵-۲۰). ما می‌توانیم صدای خدا خطاب به گوسفندان گمشده و گمراه باشیم و از آنها بخواهیم محبت این شبان نیکو را ببینند. این افتخار و مسئولیت بزرگی است.

مرحلهٔ دوم: شراکت

بیشتر اوقات مردم وقتی با گناه خود روبه‌رو می‌شوند توبه می‌کنند، عذرخواهی می‌کنند، طلب بخشش می‌کنند. اما متاسفانه همیشه چنین نمی‌کنند. گاهی در دامی که افتاده‌اند باقی می‌مانند و تمایلی به خروج از آن ندارند. درست در همین زمان، ما باید دیگران را دخالت دهیم.



«اما اگر نپذیرفت، یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر تا "هر سخنی با گواهیِ دو یا سه شاهد ثابت شود"» (متی ۱۶:۱۸).

اگر کسی گوش نمی‌دهد، بدان معناست که گوش‌های خود را به روی سرزنش بسته است و قلب خود را از آشتی با خدا دور کرده است. دخالت دیگران اغلب با کمک گرفتن از یک رهبر روحانی آغاز می‌شود. چه یکی از مشایخ باشد، چه رهبر یک گروه کوچک؛ در این مرحله منطقی است شخص دیگری را وارد گفت‌وگو کنیم، تا آنچه در حال وقوع است را تصدیق کند و حکمت معنوی نشان دهد (امثال ۱۴:۱۱؛ غلاطیان ۱:۶-۲).

گاهی این مرحله به دلیل موارد خاص گناه آشکار و رسواکننده، نادیده گرفته می‌شود (اول قرنتیان ۱:۵-۱۳). معمولا مرحلهٔ دوم مدت زمان زیادی طول می‌کشد. از آنجایی که توبه از گناه دشوار است، گروه کوچکی از ایمانداران مدتی را در کنار گوسفندانی سپری می‌کنند که در تلاش برای مبارزه با گناه هستند، و به این طریق به آنها کمک می‌کنند تا از دامی که در

آن افتاده‌اند، توبه کنند. من شاهد موقعیت‌های شبانی بسیاری بوده‌ام که به این مرحله رسیده‌اند و شاهد فیض معجزه‌آسای خدا در دل‌های مردم بوده‌ام. ما همیشه باید برای رسیدن به این نتیجه دعا کنیم.



برایان توانست بفهمد عیسی تعالیم شفافی به کلیسا داده است. او بسیار مایل بود بداند محبت کلیسا چگونه قرار است الگوی محبت مسیح به کلیسا باشد. او مشتاق بود بداند وقتی کسی نمی‌خواهد هیچ گفت‌وگو یا اقدام اصلاحی برایش صورت بگیرد، و در عوض می‌خواهد راه خودش را برود، چه اتفاقی می‌افتد.

مرحلهٔ سوم: علنی

زمانی هست که شخص به خواهش نزدیکان خود پاسخی نمی‌دهد؛ آنگاه کل کلیسا باید دخالت کنند. خدا از کلیسا به عنوان پیام‌آور آخرِ رحمت خود به این گوسفند سرگردان و گمشده استفاده می‌کند. هیچ کس دوست ندارد به اینجا برسد، اما متاسفانه گاهی این اتفاق می‌افتد.



«اگر نخواست به آنان نیز گوش دهد، به کلیسا بگو؛ و اگر کلیسا را نیز نپذیرفت، آنگاه او را اَجنبی یا خَراجگیر تلقی کن» (متی ۱۷:۱۸).

از آنجا که کل کلیسا متعهد به مراقبت از روح این فرد است؛ پس کل کلیسا به نوعی مسئولیت هشدار نهایی، قبل از ایستادن آنها در برابر خدا را بر عهده دارد.

در کلیسای ما، این مرحلهٔ سوم فقط مربوط به اعضای کلیساست. ما طی عبادت و پرستش خود به هیچ وجه در این باره بحث و گفت‌وگو نمی‌کنیم، بلکه در جلسه‌ای به آن می‌پردازیم که فقط اعضای کلیسا به آن دعوت

شده‌اند. طی این جلسه، جزئیات لازم را با کلیسا به اشتراک می‌گذاریم، بدون اینکه کسی را تحریک کنیم گمانه‌زنی کند یا بخواهد اطلاعات غیرضروری به دست آورد.

وقتی موضوع را با کلیسا در میان می‌گذاریم؛ هر کسی که آن فرد را شخصا می‌شناسد، تشویق می‌کنیم از مزایای رابطهٔ خود با او استفاده کند تا فرد را ترغیب به توبه کند. معمولا کسانی را که او را نمی‌شناسند، تشویق می‌کنیم در دعا برای او استوار بمانند، اما در آن زمان سعی نکنند با او ارتباط برقرار کنند. این توصیه، فقط بر مبنای آن چیزی است که عاقلانه به نظر می‌رسد، نه بر اساس دستورات کتاب مقدس.

افراد دخیل در این روند، باید مراقب دل‌های خود باشند. در غلاطیان، پولس رسول توضیح می‌دهد: «ای برادران، اگر کسی به گناهی گرفتار شود، شما که روحانی هستید او را با ملایمت به راه راست بازگردانید. در عین حال، به هوش باش که خود نیز در وسوسه نیفتی. بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید که این‌گونه شریعت مسیح را به جا خواهید آورد» (غلاطیان ۶:۱-۲). کسانی که سعی می‌کنند گوسفندان سرگردان را به راه راست بازگردانند؛ ممکن است در وسوسهٔ خشم، شکایت و قضاوت خودخواهانه بیفتند. آنها باید پیوسته چشم به عیسی بدوزند و دعا کنند او در برابر غرور گناه‌آلود، از آنها محافظت کند.

اگر فرد سرگردان، توبه نکند چه می‌شود؟

عیسی می‌گوید: «اگر نخواست به آنان نیز گوش دهد، او را اَجنبی یا خَراجگیر تلقی کن» (متی ۱۷:۱۸). عیسایی که ما را فرا می‌خواند تا به دنبال گوسفندان گمشده و گمراه او بگردیم؛ همان عیسایی است که به ما می‌گوید زمانی می‌رسد که باید فروتنانه دیگران را قضاوت کنیم و تایید خودمان را از اعتراف ایمان آنها برداریم.

بیشتر مردم وقتی صحبت از «انضباط کلیسایی» را می‌شنوند، این مرحله به ذهنشان می‌رسد. وقتی کلیسایی به این مرحله می‌رسد، رسما اعتراف ایمانی شخص را مردود اعلام می‌کنند؛ یعنی او دیگر عضو کلیسا نیست و دیگر حق مشارکت در شام خداوند را ندارد.

وقتی عیسی به کلیسا فرمان می‌دهد با یک شخص توبه‌نکرده به عنوان «خراجگیر و اجنبی» رفتار کنند، منظورش آن نیست که دیگر نمی‌تواند به کلیسا بیاید، بلکه منظور آن است که دیگر به عنوان یک ایماندار با او رفتار نمی‌شود. مسیحیان باز هم به او محبت می‌کنند، اما نه به عنوان برادر، بلکه از نوع محبت عیسی به گناهکاران. این تصمیم اعضای کلیسا، ناامیدکننده است.

غم زیادی به بار می‌آورد. وقتی کلیسایی به این نقطه می‌رسد، همیشه امیدوار است این کار باعث شود فرد توبه‌نکرده دوباره بازگردد و کل کلیسا فروتن شود. اگر کسی تحت انضباط کلیسایی باشد، می‌تواند به شرکت در مراسم عبادت ادامه دهد.

در حقیقت هیچ جایی برای یک گناهکار بهتر از جایی نیست که بتواند اعلان شفاف انجیل را بشنود. اما او نباید در شام خداوند شرکت کند و نباید با سایر کلیسا همنشینی داشته باشد (اول قرنتیان ۱۱:۵). البته در برخی موارد این غیرممکن است. اما در کل، وضعیت کلیسا باید این‌گونه باشد.

چند سال پیش کلیسایی یکی از اعضای خود را که برای چندمین بار الکلی شده بود، تادیب کرد. این روند دو سال به طول انجامید و برای اعضای کلیسا بسیار دردناک بود. یکی از اعضای خاص کلیسا، مخالفت خود را با توصیه به اخراج این شخص ابراز کرد.

چندین نفر از شبانان به ملاقات خواهری که اعتراض داشت، رفتند؛ در حین

گفت‌وگویشان بسیار گریه کرد و اعتراف نمود برای خشنودی خدا زندگی نکرده است. او گفت دلیل ناراحتی‌اش از انضباط کلیسایی این بود که متوجه شده بود او نیز در همین شرایط قرار دارد. خدا از روند درست انضباط کلیسایی استفاده نمود تا جلال خویش را به نمایش بگذارد و مردم را به سوی خودش بکشاند.

تصویری برای کلیسا

کلیسا با شخصی که در نهایت توبه می‌کند، باید چه رفتاری داشته باشد؟ باید او را ببخشد و دوباره بپذیرد. بخشش برای همهٔ ما چالش‌برانگیز است، اما پطرس رسول این را قبول ندارد: «سرور من، تا چند بار اگر برادرم به من گناه ورزد، باید او را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟ عیسی پاسخ داد: به تو می‌گویم نه هفت بار، بلکه هفتادْ هفت بار» (متی ۱۸:۲۱-۲۲). **اما منظور عیسی این نبود که تا ۷۷ بار بخشش کنیم و سپس دیگر دست از بخشش بکشیم.**

او به ما تعلیم داد که خداوند ما را بخشیده است؛ پس ما نیز باید کسانی را که با گناه می‌جنگند و می‌خواهند با خدا آشتی کنند، ببخشیم.

مَثَل بخشش پادشاه که پس از این تعلیم آمده است، تصویری شفاف از مسئولیت ما به عنوان اشخاص بخشیده‌شده را ترسیم می‌کند، که باید تمام کسانی را که در پی احیای خود هستند، ببخشیم. با این وجود هدف انضباط کلیسایی هرگز تنبیه نیست.

هدف کلیسا همواره احیاء و آشتی مجدد است.

STOP چه چیزی بخشش را برای افراد دشوار می‌سازد؟ دیدن بخشش عیسی چگونه به شما کمک می‌کند دیگران را ببخشید؟ اگر بخشش کسی که قبلا از کلیسا اخراج و تکفیر شده، اما از گناهانش توبه کرده است را به تعویق بیندازند، کلیسا چه شهادتی می‌دهد؟ افراد خارج از کلیسا چه

برداشتی از انضباط کلیسایی خواهند داشت؟ چه تاثیری بر روش پیروی ما از فرامین عیسی خواهد داشت؟



من مایلم شهادت دوستم مایکل را با شما به اشتراک بگذارم. او به دلیل اصرار بر رفتارهای غیراخلاقی، بی‌عفتی و دروغگویی، مدام از کلیسای محلی خود اخراج می‌شد.

چند سال بعد، خدا از محبت وفادارانهٔ کلیسا برای تغییر زندگی او استفاده کرد. در اینجا بخشی از نامهٔ او را می‌بینیم که پس از هفت سال و در پی تادیب رسمی خودش برای همان اعضای کلیسا خواند:

«بسیار سخت است احساساتم را بیان کنم، وقتی به مهربانی خدا با خودم فکر می‌کنم که از طریق محبت کلیسا به من ابراز شد. وقتی از کلیسا و خدا دور می‌شدم، زندگی‌ام پر از فریب، ریا و بی‌عفتی بود. من نه با حرف‌هایم، که با زندگی‌ام به همهٔ شما دروغ گفتم. به همین دلیل بسیار متاسفم. من باعث شرمندگی پدر و مادرم، خانواده‌ام و تلخ‌تر از همه خداوندم شدم. اما سرگردان و گمراه بودم که خدا مرا از گناه نجات داد و سبب شد توبه کنم... می‌خواهم به شما توصیه کنم با کادر شبان خود آشتی کنید. آنها از کتاب مقدس اطاعت کردند، زمانی که اصلا آسان نبود. متی ۱۸ رهنمودهایی از انضباط کلیسایی به شما ارائه می‌دهد که آنها پیروی کردند.

همچنین کاری را انجام دادند که مجبور نبودند. آنها مجبور نبودند آن رفتار را با من داشته باشند. مجبور نبودند به من تلفن کنند و از حال و اوضاع من بپرسند، با من قهوه بخورند، مرا دلگرم و امیدوار کنند، به من بگویند که برایم دعا می‌کنند و ایمیل‌های

نیایشی برایم بفرستند. مجبور نبودند بارها و بارها از من خواهش و تمنا کنند بازگردم و توبه کنم. من انتظار داشتم که سریع و بی‌سروصدا اخراج شوم و فکرش را می‌کردم. اما در مقابل، محبت شگفت‌آوری نسبت به من داشتند. من به خاطر کارهای خودم از عضویت کلیسا بیرون شدم، بله. اما در اصل این به خاطر شما و محبوبیت انجیل بود.

به غیر از اعلان هفتگی انجیل و تبیین دقیق کلام خدا، من معتقدم معدود فرامینی از کلیسا وجود دارند که انجیل را بهتر از عملکرد درست انضباطی کلیسا بیان می‌کنند. من امیدوارم شما هم به اندازهٔ من تشویق و دلگرم شوید، وقتی عبرانیان ۱۲ را می‌خوانید: «زیرا خداوند کسی که دوست دارد را تادیب می‌کند. کسی که او را دوست می‌دارد!»

شما با تادیب من، به من محبت کردید. شما به من کمک کردید به شدت و زیبایی قربانی شدن مسیح پی ببرم... به دلیل انضباط کلیسایی، چشم‌هایم باز شدند... به خاطر انضباط کلیسایی، تضاد سرد دنیای بیرون و درون کلیسا را احساس کردم. اما رفاقت، فیض و محبت را به یاد آوردم. کلیسا را به یاد آوردم. خداوند از شبانان و الگوی درخشان شما استفاده کرد تا مرا دوباره به سوی خود بکشد... به همین دلیل شکرگزار خدا هستم و من خدا را به خاطر وجود شما شکر می‌کنم.»



برایان از روشی که خدا به صورت عملی محبت‌آمیز استفاده می‌کرد، بسیار حیرت‌زده بود؛ روشی که بسیاری از افراد آن را رفتاری خشن می‌دانستند. برایان امیدوار بود هرگز نیازی نباشد کسی با چنین

محبتی به دنبال او بیاید. اما همچنین امیدوار بود اگر به این محبت نیاز پیدا کرد، به دنبال او بیایند، همان‌طور که عیسی آمد.



«برادرانِ من، اگر کسی از شما از حقیقت منحرف شود، و دیگری او را بازگردانَد، بداند که هر کس گناهکاری را از گمراهی بازگردانَد، جانِ او را از مرگ نجات بخشیده و گناهان بی‌شماری را پوشانیده است» (یعقوب ۱۹:۵-۲۰).



خدا از طریق کلیسا محبت خویش را به قومش نشان می‌دهد. اگر از راه خدا گمراه شویم، او دوست دارد با استفاده از کلیسا به ما کمک کند تا از گناهانمان روی برگردانیم و به سوی او بازگردیم.





نکته چیست؟

مسیحیان در پیروی از عیسی
به یکدیگر کمک می‌کنند.



۹

کلیسا چه رسالتی دارد؟



از زمانی که برایان برای اولین‌بار به کلیسا رفته بود، چند ماهی می‌گذشت. اما او می‌دانست که آن آدم همیشگی نبود. خدا اشتیاق تازه‌ای برای خدمت به خدا و کمک به دیگران در شناخت خدا، در او نهاده بود. اما چطور باید انجامش می‌داد؟ کلیسا چه باید می‌کرد تا او عضوی از کلیسا باشد؟

برایان هنگام صرف صبحانه با دِیو از احساسش گفت. دِیو کتاب مقدس را برداشت و ورق زد. بعد به برایان گفت: «روح‌القدس قلب او را متحول ساخته است تا به هدفی که خدا برای کلیسای او مقرر کرده وفادار باشد.»

وقتی کتاب مقدس را باز کرد، نگاهی به برایان انداخت و گفت: «آنچه با تو به اشتراک می‌گذارم، همان چیزی است که عیسی می‌گوید کلیسایش قرار است انجام دهد تا زمانی که او بازگردد. بسیاری از مردم آن را "ماموریت بزرگ" می‌نامند.»

«آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. پس بروید و همهٔ قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هرآنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم"» (متی ۲۸:۱۸-۲۰).

کلیساها کارهای بسیار مهمی را می‌توانند انجام دهند، اما معدود کارهایی هستند که انجام آنها الزامی است. یکی از آنها انجام «ماموریت بزرگ» است. «ماموریت بزرگ» همچون یک بیانیهٔ ماموریتی برای کلیسا عمل می‌کند و شامل چیزی است که عیسی از کلیسایش می‌خواهد تا زمان بازگشت او انجام دهد. برای بیان شفاف این ماموریت بیایید به اقتدار عیسی، فرمان عیسی و وعدهٔ عیسی بپردازیم.

۱. اقتدار عیسی

وقتی عیسی آخرین فرمان خود را به شاگردانش داد، اعلام نمود اقتدار بر آسمان و زمین به او داده شده است. این ادعایی اساسی است که نباید به آسانی از کنار آن گذشت. اناجیل توضیح می‌دهند که عیسی پسر جاودانهٔ خداست که آسمان را برای نجات ما ترک کرد. او خداست، او انسان شد. همان‌طور که یوحنای رسول بیان می‌کند: «کلام انسان شد و در میان ما مسکن گزید» (یوحنا ۱:۱۴).

عیسی عاری از گناه زیست،
همواره خدای پدر را خشنود ساخت،
خبر خوش پادشاهی خدا را اعلام نمود،

مردم را به توبه از گناهان و اعتماد به خویش فرا خواند.

او برای اثبات اقتدار خویش در بخشش گناهان مردم، معجزاتی انجام داد. اما به جای آنکه او را با آغوش باز به عنوان خداوند بپذیرند، به او خیانت کردند، دستگیر و استهزا نمودند، او را زدند و شکنجه کردند و روی صلیب بردند تا بمیرد. اما خدا پس از سه روز سنگ را از قبر او کنار زد تا نشان دهد عیسی از مرگ برخاسته است! عیسی زنده بود! عیسی زنده است! پسر پیروز خدا، نفرین مرگ را شکست داده است.

پس از رستاخیزش، عیسی به مدت چهل روز جلوی چشم صدها نفر ظاهر شد. وقتی به شاگردانش اعلام کرد: «تمامی قدرت آسمان و زمین به من داده شده است»، او مدعی پادشاهی نهایی بود. بسیاری از مخاطبین او متوجه شده‌اند این ادعای شگفت‌انگیز او نشانگر فصل هفتم نبوت دانیال است، که در آن می‌بینیم دادگاهی آسمانی برای روز داوری تشکیل شده است.

«چون می‌نگریستم، تختها برقرار شد، و قدیم‌الایام جلوس فرمود. جامهٔ او چون برف سپید بود، و موی سرش چون پشمِ پاک. عرش او شعله‌های آتش بود و چرخهای آن آتش فروزان. نهری از آتش جاری شده، از پیش روی او بیرون می‌آمد. هزاران هزار خدمتش می‌کردند، و کُرورها کُرور به حضورش ایستاده بودند. دیوان برپا شد، و دفترها گشوده گردید. آنگاه به سبب آوای سخنان تکبرآمیزی که آن شاخ می‌گفت، به نگریستن ادامه دادم. و چون می‌نگریستم، آن وحش کشته شد و بدنش نابود گشته، به آتش سوزان سپرده شد. و اما در خصوص وحشهای دیگر، حکومت از ایشان گرفته شد، اما طول عمر تا زمانی و تا وقتی به ایشان داده شد. چون در رؤیاهای شب می‌نگریستم، دیدم که به ناگاه کسی مانند پسر انسان با ابرهای آسمان می‌آمد. او نزد قدیم‌الایام رسید، و او را به حضور وی آوردند. حکومت و جلال

و پادشاهی به او داده شد، تا تمامی قومها و ملتها و زبانها او را خدمت کنند. حکومت او حکومتی است جاودانه و بی‌زوال، و پادشاهی او زایل نخواهد شد» (دانیال ۷:۹-۱۴).

این صحنهٔ جدی به ما یادآوری می‌کند روزی خواهد رسید که تمام مردم بر اساس آنچه کرده‌اند، داوری خواهند شد (رومیان ۲:۴-۶؛ متی ۱۶:۲۷). در آن روز، دیگر فرصتی برای توبه نخواهد بود. کسانی که به واسطهٔ ایمان در مسیح بخشیده شده‌اند، وارد شادی جاودانهٔ او خواهند شد. اما کسانی که بخشیده نشده‌اند به مجازات جاودان داخل خواهند شد (متی ۲۵:۴۶). وقتی عیسی می‌گوید تمام اقتدار آسمان و زمین به او داده شده است، او ادعا می‌کند پادشاه پادشاهان و رب‌الارباب است که هر کسی را که تاکنون زیسته، داوری خواهد کرد.

این واقعیت تکان‌دهنده پیش روی کلیساست. عیسی فرمان می‌دهد کلیسایش به سراسر دنیا برود و مردم را به توبه فرا بخواند و برای روز داوری آماده کند. از آنجایی که بهشت و جهنم واقعی هستند؛ پس کلیسا باید با فوریت و خودخواسته به این دعوت پاسخ دهد. این همان پرچمی است که کلیسا روی هر چیزی که وقت، انرژی و منابع خود را به آن اختصاص می‌دهد، به اهتزاز درمی‌آورد.

STOP اقتدار عیسی در حاکمیت و داوری تمام مردم چه تاثیری بر ماموریت کلیسا می‌گذارد؟ همچنین باید چه پیامدی در زندگی شما به عنوان یک فرد مسیحی داشته باشد؟



برایان قبلا هرگز در پرتو روز داوری به کلیسا فکر نکرده بود. همین باعث شد او هوشیارتر و مصمم‌تر شود تا به دوستانش که هنوز عیسی را نمی‌شناختند، بیشتر بیندیشد. همچنین بسیار متعجب بود که

کلیساها چگونه با هم کار می‌کنند تا بتوانند به دیگران بگویند او کیست و آنها را به چه چیزی دعوت کرده است.

۲. عیسی می‌گوید شاگرد بسازید

عیسی به شاگردانش دستور می‌دهد: «بروید و تمام ملت‌ها را شاگرد بسازید» تا روز داوری بیاید. شاگرد، کسی است که همه چیز را رها کرده است تا به دنبال عیسی برود. عیسی می‌گوید شاگردانش در حالی که منتظر بازگشت او هستند، باید شاگردان بیشتری بسازند.

دعوت عیسی به شاگردی، همراه با دورنمایی از داوری آخر بیان می‌شود.



«سپس به همه فرمود: "اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، هر روز صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ امّا هر که به خاطر من جانش را از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد، امّا جان خویش را ببازد یا آن را تلف کند. زیرا هر که از من و سخنانم عار داشته باشد، پسر انسان نیز آنگاه که در جلال خود و جلال پدر و فرشتگان مقدّس آید، از او عار خواهد داشت"» (لوقا ۹:۲۳-۲۶).

تسلیم مطیعانه به عیسی و وابستگی به فیض او باید از مشخصه‌های زندگی روزمرهٔ شاگردانش باشد، تا وقتی او در روز داوری بازگردد.

STOP آمدن روز داوری چگونه ما را ترغیب می‌کند انجیل را به اشتراک بگذاریم؟ چه چیزی ممکن است ما را وسوسه کند از شاگردی عیسی شرمنده باشیم؟ ایمانداران چگونه به شما کمک می‌کنند هر روز صلیب خود را برگیرید؟

رسالت عیسی برای شاگردسازی در کلیسای اولیه، کاملا روشن بود. عیسی، روح‌القدس موعود را فرستاد تا به ایمانداران قدرت دهد به عنوان شاهدین او خدمت کنند (اعمال ۸:۱). آنها زندگی خود را به خطر انداختند که انجیل را شهر به شهر اعلام کنند تا شاگرد سازند و کلیساهای جدیدی بنا نهند. کتاب اعمال و رساله‌های عهد جدید، جدای از «ماموریت بزرگ»، هیچ مفهومی ندارند.

پولس رسول با نامه به تیموتائوس تعالیم عیسی را طنین‌انداز کرد: «پس تو ای فرزندم، در فیضی که در مسیحْ عیسی است نیرومند شو، و آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسپار که از عهدهٔ آموزش دیگران نیز برآیند» (دوم تیموتائوس ۲:۱-۲).

کلیسا مسئول است:

انجیل را به دیگران اعلام کند،

آن را به دیگران بسپارد،

و انجیل را به دیگران برساند، که چنین خواهد کرد.

به طور خلاصه رسالتی که عیسی بر عهدهٔ کلیسایش گذاشت این بود:

شاگرد باشید،

تا

شاگرد بسازید.



به نظر برایان، بسیار منطقی بود که کلیسا به اعضای خود دستور دهد در شناخت عیسی به دیگران کمک کنند، اما ظاهرا «ماموریت بزرگ» برایش عجیب بود. پس از دِیو خواست به او کمک کند که بفهمد دقیقا چگونه قرار است شاگردسازی کنند. دِیو لحظه‌ای مکث کرد و

گفت: «بسیار خب، چیزهایی هستند که می‌توانند در این باره به ما کمک کنند؛ اجازه بده توضیح دهم.»

«ماموریت بزرگ» دو کاربرد دارد: اول در میان غیرایمانداران که «بشارت» نامیده می‌شود و دوم در میان ایمانداران که «شاگردسازی» گفته می‌شود.

۱. کلیسا، غیرایمانداران را به توبه از گناهان و ایمان به عیسی دعوت می‌کند و به این طریق به آنها بشارت می‌دهد

بشارت، گام اول در روند شاگردسازی است. از کلیسا دعوت می‌شود خبر خوش مرگ عیسی و رستاخیز او را به قوم خدا که پیرامون ما هستند، اعلام کند. ما غیرایمانداران را دعوت می‌کنیم از گناهان خود رویگردان شوند و به عیسی به عنوان خداوند و منجی ایمان بیاورند. نه تنها از آنها می‌خواهیم در مورد عیسی تصمیم بگیرند، بلکه شاگرد او شوند.



«اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدّس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است» (اول پطرس ۹:۲).

عیسی ما را از تاریکی گناه نجات داد و اینک افتخار و مسئولیت دعوت از دیگران به این امید را به ما داده است.

به نقطهٔ بسیار خوبی رسیدیم که خاطرنشان کنیم هدف عیسی برای کلیسا، «شاگرد ساختن تمام قوم‌هاست» (ر.ک متی ۱۹:۲۸).

تلاش کلیساها برای بشارت هرگز نباید فقط به یک گروه یا قومیت خاص محدود شود. چرا؟ زیرا عیسی فقط خداوند هند، آفریقا، آمریکا یا قطب

جنوب نیست، او خداوند تمام ملت‌ها در تمام سرزمین‌هاست.
عیسی مُرد تا گناهکاران هر قوم و ملتی را نجات دهد و به کلیسایش فرمان داده است خبر خوش را به همه برسانند.

STOP خدا چه کسانی را در زندگی شما گذاشته است که هنوز او را نمی‌شناسند؟ کلیسای محلی شما چگونه می‌تواند به شما کمک کند انجیل را به آنها برسانید؟ چگونه می‌توانید به سایر ایمانداران کمک کنید انجیل را به دوستان غیرایماندار خودشان برسانند؟

هدف عیسی برای نجات تمام اقوام و گروه‌ها چه تاثیری روی زندگی شما می‌گذارد؟ چگونه وسوسه می‌شوید فقط به کسانی کمک کنید که شبیه شما هستند، یا اولویت‌های فرهنگی مشابهی با شما دارند؟
محبت به عیسی و اطاعت از «ماموریت بزرگ»، چگونه شما را وادار به رشد می‌کند؟

۲. کلیسا به ایمانداران کمک می‌کند وفادارانه از عیسی پیروی کنند
وقتی کسی ایماندار می‌شود، کار شاگردسازی تازه آغاز می‌گردد. خدا کار می‌کند تا ما را به شباهت عیسی درآورد (رومیان ۲۹:۸؛ کولسیان ۱۰:۳). گرچه خدا از هر چیزی در زندگی‌هایمان استفاده می‌کند تا ما را رشد دهد، اما بخش اصلی کار او، در و از طریق کلیسای محلی انجام می‌شود.
همان‌طور که در فصل ششم گفتیم، کلیسای محلی باید روابطی را پرورش دهد که در آن هدف ایمانداران، نیکویی معنوی به یکدیگر باشد. رهبران کلیسای محلی اعضا را طوری آمادهٔ رشد معنوی می‌کنند که نشانگر شخصیت عیسی باشند (افسسیان ۱۱:۴-۱۶). کانون چنین رابطه‌ای، محبتی

است که کمک می‌کند از آنچه عیسی ما را به آن فرا خوانده است، اطاعت کنیم (متی ۲۰:۲۸). دعوت به شاگردسازی، گزینهٔ اختیاری یا رسالتی نیست که فقط به افراد دارای بلوغ معنوی داده شده باشد. اگر کسی از عیسی پیروی می‌کند، باید به دیگران نیز در پیروی از او کمک کند.

روش انجام «ماموریت بزرگ» در کلیساهای محلی متفاوت است. اما در کل باید نظمی وجود داشته باشد که از آن طریق کلیساهای محلی گرد هم آیند و ایمانداران را پرورش دهند و سپس به سرزمین‌های دیگر بفرستند تا به جهانیان بشارت دهند. قطعا در این کار تداخلی به وجود می‌آید، اما در هر حال تمرکز اصلی بر ماموریت شاگردسازی است.

۳. وقتی کلیسا دور هم جمع می‌شود



«پس مقصود چیست، ای برادران؟ هنگامی که گرد هم می‌آیید هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. اینها همه باید برای بنای کلیسا به کار رود» (اول قرنتیان ۲۶:۱۴).

دو هزار سال است ایمانداران سراسر دنیا هر یکشنبه صبح دور هم جمع می‌شوند تا خدای یگانه را از طریق پسرش عیسی پرستش کنند. گرچه در مورد نحوهٔ گذراندن یکشنبه‌ها بحث و اختلاف نظر وجود دارد، اما روزی است که ایمانداران زندگی عادی خود را متوقف می‌کنند؛ به عنوان کلیسا گرد هم می‌آیند و مشتاقانه از کلام خدا تغذیه می‌شوند. ما نیز چنین می‌کنیم و هدفمان ایجاد سلامت معنوی در یکدیگر است.

از آنجایی که می‌دانیم کلام خدا این قدرت را دارد که ما را متقاعد، تشویق و تجهیز کند (دوم تیموتائوس ۱۶:۳-۱۷)؛ پس هر چیزی که در اجتماع کلیسای سالم انجام می‌شود، مبتنی بر کتب مقدس خواهد بود.

- سرودهایی که می‌خوانیم مملو از حقایق کتاب مقدس هستند که ذهن ما را تعلیم می‌دهند و عواطف ما را پرشور می‌کنند (افسسیان ۱۹:۵).
- وقتی بخشی از کتاب مقدس را می‌خوانیم؛ چه عهد عتیق و چه عهد جدید، همراه با هم از کلام خدا لذت می‌بریم (اول تیموتائوس ۱۳:۴).
- وقتی دعا می‌کنیم، چه دعای فردی و چه گروهی، دعاهایی می‌خوانیم که با آنچه کلام خدا به ما یاد داده است به آن ارزش بگذاریم، شکل می‌گیرند (اول تیموتائوس ۱:۲-۸).
- وقتی موعظه می‌کنیم، پیام سرشار از حقایق انجیل را اعلام می‌کنیم که عیسی را جلال می‌دهند (دوم تیموتائوس ۱:۴-۲).
- وقتی غسل تعمید و شام خداوند را به جا می‌آوریم، می‌بینیم کلام خدا در این نمونه‌های زنده به تصویر کشیده می‌شوند (رومیان ۳:۶-۴؛ اول قرنتیان ۱۶:۱۰).

خدا از اجتماع هفتگی قومش استفاده می‌کند تا آنها را بیشتر به شباهت عیسی درآورد. اما ایمانداران، تنها کسانی نیستند که در هنگام اجتماع کلیسا در آنجا حضور دارند. اغلب غیرمسیحیان با کلیسا همراه می‌شوند. بسیاری از آنها می‌دانند که ایمان ندارند، اما خودفریبی می‌کنند. به هر حال خدا از حقیقت کلامش و محبت قومش استفاده می‌کند تا آنها را از حقیقت آگاه سازد (اول قرنتیان ۲۴:۱۴-۲۵).

به همین دلیل، کلیساهای محلی باید مطمئن شوند انجیل را در هر بار خدمت کلیسا شفاف و واضح بیان می‌کنند. به‌علاوه اعضای کلیسا باید دعا کنند خدا فرصتی برایشان فراهم سازد که با بازدیدکننده‌ها صحبت کنند. چه کسی می‌داند خدا چه می‌کند؟

۳. وقتی کلیسا به همه جا پراکنده می‌شود

«پس سفیران مسیح هستیم، به گونه‌ای که خدا از زبان ما شما را به آشتی

می‌خوانَد. ما از جانب مسیح از شما استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید» (دوم قرنتیان ۲۰:۵).

سفیر به نمایندهٔ رسمی یک دولت در یک کشور خارجی گفته می‌شود. عیسی، پادشاه مقتدر آسمان است که شاگردانش را به عنوان سفیران منصوب نمود. وقتی کلیسا گرد هم می‌آید؛ همانند جمعی از نمایندگان او بر زمین عمل می‌کند. وقتی به همه جا پراکنده و پخش می‌شویم؛ به اقتدار او به همه جا می‌رویم و مردم را دعوت می‌کنیم که «با خدا آشتی کنند.»

جالب است در حالی که اجتماع کلیسایی از بیشترین اهمیت برخوردار است؛ بیشتر کارهایی که خداوند کلیسا را به انجام آنها فرا می‌خواند، زمانی رخ می‌دهند که اعضای کلیسا پراکنده می‌شوند. وقتی به خانه‌ها، اجتماع، گروه‌های کوچک و غیره می‌رویم؛ به عنوان نمایندگان او عمل می‌کنیم.

از مبحث فصل دوم به یاد بیاورید کلیسای اولیه هر روزه زمانی را با هم سپری می‌کردند (اعمال ۴۲:۲-۴۷). اما همیشه به بشارت نیز توجه داشتند. اعمال ۴۷:۲ به ما می‌گوید اولین مسیحیان «خدا را حمد می‌گفتند. تمامی خلقْ ایشان را عزیز می‌داشتند؛ و خداوند هر روزه نجات‌یافتگان را به جمعشان می‌افزود.»

با وجود تمام آنچه خدا درون کلیسا انجام می‌داد، شاید فکر کنید آنها وسوسه می‌شدند از اعمال بیرون کلیسا غافل شوند. اما این دور از واقعیت است. آنها به یکدیگر محبت می‌کردند و فیض را به اشتراک می‌گذاشتند. اما محبت آنها نه تنها به درون کلیسا، بلکه بیرون از کلیسا نیز بود.

این کلیسا در یک برج عاج منزوی نبود و یا مانند یک کلوپ شهری انحصاری، جدا نشده بود. بلکه آنها با انجیل زندگی و آن را موعظه می‌کردند. آموخته‌ها، محبت و پرستش آنها بود که آتش ماموریت شاگردسازی گمشدگان را شعله‌ور می‌کرد. در نتیجه «خداوند هر روزه نجات‌یافتگان را به جمعشان می‌افزود.»

بشارت فقط هفتگی یا ماهانه انجام نمی‌شد، بلکه زندگی هر روزهٔ کلیسا بود. آنها پیوسته دعا می‌کردند خدا درهای کلام را برایشان بگشاید و با جسارت از این درها عبور می‌نمودند تا کلام زندگی را اعلام نمایند (کولسیان ۴:۲-۶).

آیا به «خداوند بر جمعشان می‌افزود» دقت کرده‌اید؟ وقتی هدف کلیسا شاگردسازی باشد، ما می‌دانیم بدون کلام خدا هیچ کس نجات نخواهد یافت. یک‌بار شبانی گفت: «وظیفهٔ ما آن است که انجیل را به قدرت روح‌القدس با ایمان و وفاداری به اشتراک بگذاریم و نتیجه را به خدا واگذار کنیم.» همین، فشار را از روی ما برمی‌دارد و ما را آزاد می‌سازد تا در نجات مردم، کاملا به خدا اعتماد کنیم.

در اعمال ۱۶ وقتی پولس انجیل را به فیلیپیان اعلام نمود؛ دقیقا چنین اتفاقی رخ داد. لوقا می‌گوید وقتی پولس برای گروه کوچکی در کنار رودخانه موعظه می‌کرد «خداوند قلب او (لیدیه) را گشود تا به پیام پولس گوش بسپارد» (اعمال ۱۴:۱۶). خدا از موعظهٔ راستین انجیل برای نجات لیدیه استفاده کرد. سپس او تعمید داده شد و خانه‌اش به مکانی برای ملاقات مسیحیان تبدیل گردید (اعمال ۱۵:۱۶ و ۴۰)؛ به عبارت دیگر کلیسا در فیلیپی متولد شد!

خدا در کلیسای اولیه کار کرد تا هم بشارت داده شود و هم آنچه معمولا رسالت خوانده می‌شود، انجام گیرد. رسالت، به فرستادن مسیحیان برای پرورش کلیساها در یک منطقهٔ دوردست یا کمک به بنای کلیسا در آن مناطق گفته می‌شود.

با آنکه مباحث مهمی در مورد چگونگی انجام بشارت و رسالت وجود دارند، اما تردیدی وجود ندارد که کلیساها باید در این کار فعال باشند. به قول جان پایپر، مسیحیان سه پاسخ احتمالی به «ماموریت بزرگ» دارند: «بروید، بفرستید

یا نافرمانی کنید.»[۱] در پرتو داوری نهایی، کلیساها حق ندارند صرفا تماشاگر باشند و دستورات عیسی مبنی بر «قومها را شاگرد سازید» را نادیده بگیرند.

STOP آیا دعا می‌کنید خدا فرصتی برای صحبت دربارهٔ عیسی به شما بدهد؟ آیا در خانهٔ شما کسی هست که از مسیح پیروی نمی‌کند؟ دعا، موعظه و تعلیم کلیسای شما چگونه مردم را ترغیب می‌کند راهی برای رساندن انجیل به کسانی که تاکنون هرگز آن را نشنیده‌اند، پیدا کنند؟

پیش از آنکه ادامه دهیم، باید کمی صبر کنیم و به پرسش مهمی دربارهٔ نقش کلیسا در برکت دادن به اجتماع پاسخ دهیم. امروزه بسیاری از کلیساها، رسالت کلیسا را به عنوان برکتی برای اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، می‌دانند. آنها با اطعام گرسنگان، لباس دادن به فقرا، مراقبت از یتیمان و بیوه‌زنان و بسیاری از دیگر فرامین کتاب مقدس، محبت مسیح را نشان دادند.

لازم است تفاوت میان آنچه کلیسا باید انجام دهد و آنچه تک‌تک مسیحیان باید انجام دهند را بدانیم. برای روشن شدن این موضوع، بیایید این عبارت را بررسی کنیم: «کلیساهای مسیحی باید با تلاش در جهت عدالت و کمک به نیازمندان، به اجتماع و اعضای خود خدمت کنند.»

این نباید بدان معنا باشد که لازم است کلیسای محلی کارکنان، بودجه، برنامه‌های مختص تاثیرگذاری بر سیاست‌های موجود و انبارهای مواد غذایی یا برنامه‌های آموزشی مخصوص جوانان قشر محروم داشته باشد. عیسی برای کلیسایش اینها را نمی‌خواهد.

---

۱. منتشرشده در اول ژانویهٔ ۱۹۹۶. این مقاله از جان پایپر با عنوان «مقتضیات مهم پشت ماموریت‌های خارجی»، در وب‌سایت Desiring God قابل مطالعه است. به لینک زیر مراجعه کنید: <https: //www.desiringgod.org/articles/driving-convictions-behind- foreign-missions>

بلکه منظور این است که اعضای کلیسای محلی باید در تلاش برای عدالت و نمایش محبت مسیح در هر عرصه‌ای که خدا آنها را قرار داده است، فعال باشند. در نهایت، ما نمی‌توانیم دنیا را دگرگون سازیم، بلکه باید وقتی می‌خواهیم ملت‌ها را شاگرد بسازیم، نور حقیقت و فیض خدا را بتابانیم.



«پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا کارهای نیکتان را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، بستایند» (متی ۱۶:۵).

وقتی در خانه هستیم، لباس‌ها را می‌شوییم، غذا می‌پزیم، در پی آنیم که با انجیل زندگی کنیم.

وقتی در میان همسایه‌ها هستیم؛ به آنها خدمت می‌کنیم، دوستی خودمان با آنها را بیشتر می‌کنیم و با دعا به آنها کمک می‌کنیم به دعوت عیسی برای توبه و ایمان مبادرت کنند.

در محل کار، صادقانه و مستمر می‌کوشیم تا باعث برکت گردیم، درآمدی کسب کنیم و به همکاران کمک کنیم از پیروان عیسی باشند.

در میان نیازمندان باید در تامین خوراک و پوشاک آنها بکوشیم و به آنها خدمت کنیم؛ حتی زمانی که به آنها عیسایی را که برای گناهان گناهکارانی مانند آنها و ما مُرد، معرفی می‌کنیم.

STOP چرا مهم است که رسالت کلیسا روشن و شفاف گفته شود؟ کلیسا چه کارهای مهم دیگری می‌تواند انجام دهد؟ آیا این کارهای مهم با آنچه کلیسا انجام می‌دهد (شاگردسازی) فرق دارد؟



برایان پرسش‌های زیادی دربارهٔ نقش کلیسا در خدمت به اعضای

آن داشت. اما خدا را شکر می‌کرد که دِیو به او کمک کرده بود به اهمیت اصلی شاگردسازی پی ببرد. او باور داشت که «ماموریت بزرگ»، هدف خدا برای ایمانداران است و آمادگی داشت تا حد امکان در این راه قدم بگذارد.

٤. عیسی حضورش را وعده می‌دهد

در کلام آخر عیسی، شیرین‌ترین وعده‌های کتاب مقدس را می‌یابیم: «من هر روزه تا پایان عصر با شما هستم.» عیسای مسیح تضمین می‌کند ما را در میانهٔ این رسالت رها نخواهد کرد.

او وعده می‌دهد با ما خواهد بود. یعنی وقتی با دعا، همسایه یا همکارتان را برای صرف غذا و به اشتراک گذاشتن انجیل دعوت می‌کنید؛ خدا با شماست.

وقتی با پدر یا مادرتان صحبت می‌کنید و به آنها می‌گویید عیسای مسیح منجی شماست و می‌تواند منجی آنها نیز باشد؛ خدا با شماست.

وقتی در محل کار، با مردم از توبه و اعتماد به مسیح می‌گویید؛ خدا با شماست.

وقتی رنج می‌کشید، وقتی خسته و کسل هستید، وقتی ترسیده‌اید، وقتی رنج و آزار می‌بینید: عیسی همیشه با شماست.

وقتی در میان گلهٔ گرگ‌ها راه می‌روید؛ صدای زوزهٔ آنها نباید مانع شما شود، زیرا شبان نیکو با ماست. او قدرت ما، حکمت ما، و کسی است که به ما قدرت می‌دهد به راه خود ادامه دهیم. در عبرانیان ۱۳:۵-۶ خدا گفته است: «تو را هرگز وا نخواهم گذاشت، و هرگز ترک نخواهم کرد. پس با اطمینان می‌گوییم: "خداوند یاور من است، پس نخواهم ترسید. انسان به من چه تواند کرد."»

ترس مردم، نباید ما را کنترل کند. آنها ممکن است ما را رنج و آزار دهند، اما مسیح با ماست. بدترین کاری که می‌توانند با ما بکنند، این است که ما را

بکشند و به سوی جلال ابدی سوق دهند تا با کسی باشیم که بسیار مشتاق او هستیم (متی ۲۸:۱۰).

آیا دقت کرده‌اید او وعده داده است تا چه مدت با ما خواهد بود؟ تا پایان عصر! عیسی وعده می‌دهد پیروانش را هدایت، نگهبانی، تامین و محافظت کند تا وقتی او را رو در رو ببینیم. تمام تاریخ به آن لحظه‌ای می‌رسد که مسیح باز خواهد گشت و ما را با خود خواهد برد. چه روزی خواهد بود، آن روز! خداوندا، امروز آن روز باشد!

اما تا روزی که بیاید، کارهای زیادی باید انجام شود. پس بیایید خطر کنیم و «برویم و تمام ملت‌ها را شاگرد بسازیم.»



وقتی دِیو «ماموریت بزرگ» را توضیح داد، برایان لبخند می‌زد. او می‌دانست خدا از دِیو، اَشلی و سایر کلیساهای محلی برای رشد او استفاده می‌کند. قطعا فراز و نشیب‌های زیادی وجود داشت، اما می‌دانست اطاعت کلیسا از «ماموریت بزرگ»، زندگی او و سرنوشت ابدی او را تغییر داده است.

برایان می‌دانست خدا باعث شده است با افراد زیادی که دور از خدا هستند، دوستی کند. او دعا کرد خدا از او استفاده کند تا دیگران را به عیسی برساند. او شبانی را ملاقات کرد که به او کمک کرده بود بفهمد چگونه باید انجیل را به اشتراک بگذارد و حتی او را به پارک برده بود تا دربارهٔ عیسی با مردم صحبت کند.

هرچه محبت برایان به خدا رشد می‌کرد، بیشتر مشتاق می‌شد دربارهٔ او به دیگران بگوید. او مسیح را با دوستان و خانواده به اشتراک گذاشت و حتی برنامه‌ریزی کرد برای ماموریت و رسالت به جایی سفر کند که تعداد معدودی از افراد، پیرو عیسی بودند. از این شگفت‌زده بود که خدا از او برای

دستیابی دیگران به مسیح استفاده می‌کرد، اما می‌دانست اگر خدا توانست او را نجات دهد، می‌تواند دیگران را نیز نجات دهد.



«پس بروید و همهٔ قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هرآنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم» (متی ۲۸:۱۹-۲۰).



خدا ما را از گناه نجات داد تا او را بشناسیم و همچنین به دیگران کمک کنیم بیایند و او را بشناسند. وقتی به سراسر دنیا می‌رویم تا انجیل او را اعلام کنیم، می‌دانیم او با ماست و هر چیزی برای انجام دعوتش نیاز داریم را برای ما فراهم خواهد کرد.

IX 9Marks

کلیساهای سالم بسازیم

آیا کلیسای شما سالم است؟

هدف ناین مارکس (۹ نشانه)، تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاهی کتاب‌مقدسی و تولید منابع کاربردی به منظور نمایش جلال خدا در میان ملت‌ها از طریق کلیساهای سالم است.

به همین منظور، می‌خواهیم به کلیساها کمک کنیم تا در نُه نشانهٔ سلامتی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند رشد کنند:

۱. موعظهٔ تشریحی
۲. الهیات کتاب‌مقدسی
۳. درک کتاب‌مقدسی از خبر خوش
۴. درک کتاب‌مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها
۵. درک کتاب‌مقدسی از بشارت
۶. درک کتاب‌مقدسی از عضویت کلیسا
۷. درک کتاب‌مقدسی از تادیب یا انضباط کلیسایی
۸. شاگردی و رشد کتاب‌مقدسی
۹. رهبری کتاب‌مقدسی کلیسا

در ناین مارکس، ما مقاله، کتاب، نقد و بررسی کتاب و یک مجلهٔ آنلاین تهیه می‌کنیم. ما همچنین کنفرانس برگزار می‌کنیم و در ضبط مصاحبه و تولید منابع دیگری فعالیت داریم تا کلیساها را برای نمایش جلال خدا تجهیز کنیم.

برای دسترسی به منابع ما به بیش از شصت زبان مختلف، از وب‌سایت ما دیدن کنید و برای دریافت رایگان مجلهٔ آنلاین ما ثبت‌نام نمایید. فهرست کامل وب‌سایت‌های زبان‌های دیگر ما در وب‌سایت زیر موجود است:

9marks.org/international

CHURCH IN HARD PLACES
کلیسا در مکان‌های سخت

کلیسا در مکان‌های سخت؟

در فقیرترین جوامع جهان، زندگی بسیار دشوار است. امید به زندگی پایین، میزان جرم و جنایت بالا، اعتیاد به مواد مخدر و الکل گسترده، و مشکلات سلامت روان، سوءاستفاده و غفلت فراگیر است. بسیاری از کلیساها در این جوامع به آموزش‌هایی که هم مقرون‌به‌صرفه و هم متناسب با شرایطشان باشد دسترسی ندارند و رهبران کلیسا اغلب احساس می‌کنند از نظر آموزش و منابع، به اندازهٔ کافی مجهز نیستند. در عین حال، این جوامع ویژگی‌های ارزشمندی نیز دارند. حس عمیق تعلق، همبستگی و وفاداری در آنها دیده می‌شود و بسیاری از مردم با افتخار این مناطق را خانهٔ خود می‌دانند.

«**کلیسا در مکان‌های سخت**» در تلاش است تا شاهد تاسیس و احیای کلیساها در فقیرترین جوامع جهان باشد. «کلیسا در مکان‌های سخت»، خادمین را برای پایداری و ثمربخشی در خط مقدم خدمت شبانی از طریق موارد زیر تجهیز می‌کند:

حمایت و تاثیرگذاری

ما می‌کوشیم بر خدمات و سازمان‌های انجیل‌محور تاثیر بگذاریم تا رهبران کلیساهای سالم را در جوامع فقیر یا دورافتادهٔ سراسر جهان آموزش داده و از آنان حمایت کنند.

آموزش

ما با ارائهٔ برنامهٔ کارآموزی، برگزاری کارگاه‌ها و سایر دوره‌های آموزشی، رهبران کلیساهایی را که در مکان‌های سخت خدمت می‌کنند تجهیز می‌کنیم.

منابع

ما منابعی تولید می‌کنیم که به‌طور ویژه برای تجهیز کلیساها و پاسخگویی به نیازهای منحصربه‌فرد خدمت در مکان‌های سخت طراحی شده‌اند.

پشتیبانی

ما به کسانی که در مسیر بنا کردن کلیساهای سالم در مکان‌های سخت خدمت می‌کنند، مشاوره، مربی‌گری و حمایت مستمر ارائه می‌دهیم.

www.churchinhardplaces.org

کلیسا گاهی می‌تواند ترسناک و دلهره‌آور به نظر برسد. ممکن است همچون ساختمانی پر از انسان‌های کامل با زندگی‌های کامل جلوه کند، نه جایی که فردی شکست‌خورده و خطاکار به آن تعلق دارد.

اما حقیقت چنین نیست. کلیسا قومِ خداست؛ مردمی که با یکدیگر جمع می‌شوند، زیرا خدا را محبت می‌کنند و به او نیاز دارند، و همچنین یکدیگر را محبت می‌کنند و به یکدیگر نیازمندند.

این هشتمین عنوان از مجموعهٔ «گام‌های اول» از سازمان 9Marks است که به بررسی این پرسش‌ها و فراتر از آن می‌پردازد و نشان می‌دهد که کلیسا چیست و چرا حضور یا عدم حضور ما در آن اهمیت دارد.

در خدمات مکاشفه این افتخار را داریم تا این مجموعهٔ ارزنده را در نشر مکاشفه ترجمه و در اختیار جامعهٔ فارسی‌زبان قرار دهیم.

9Marks
www.9marks.org

مکاشفه